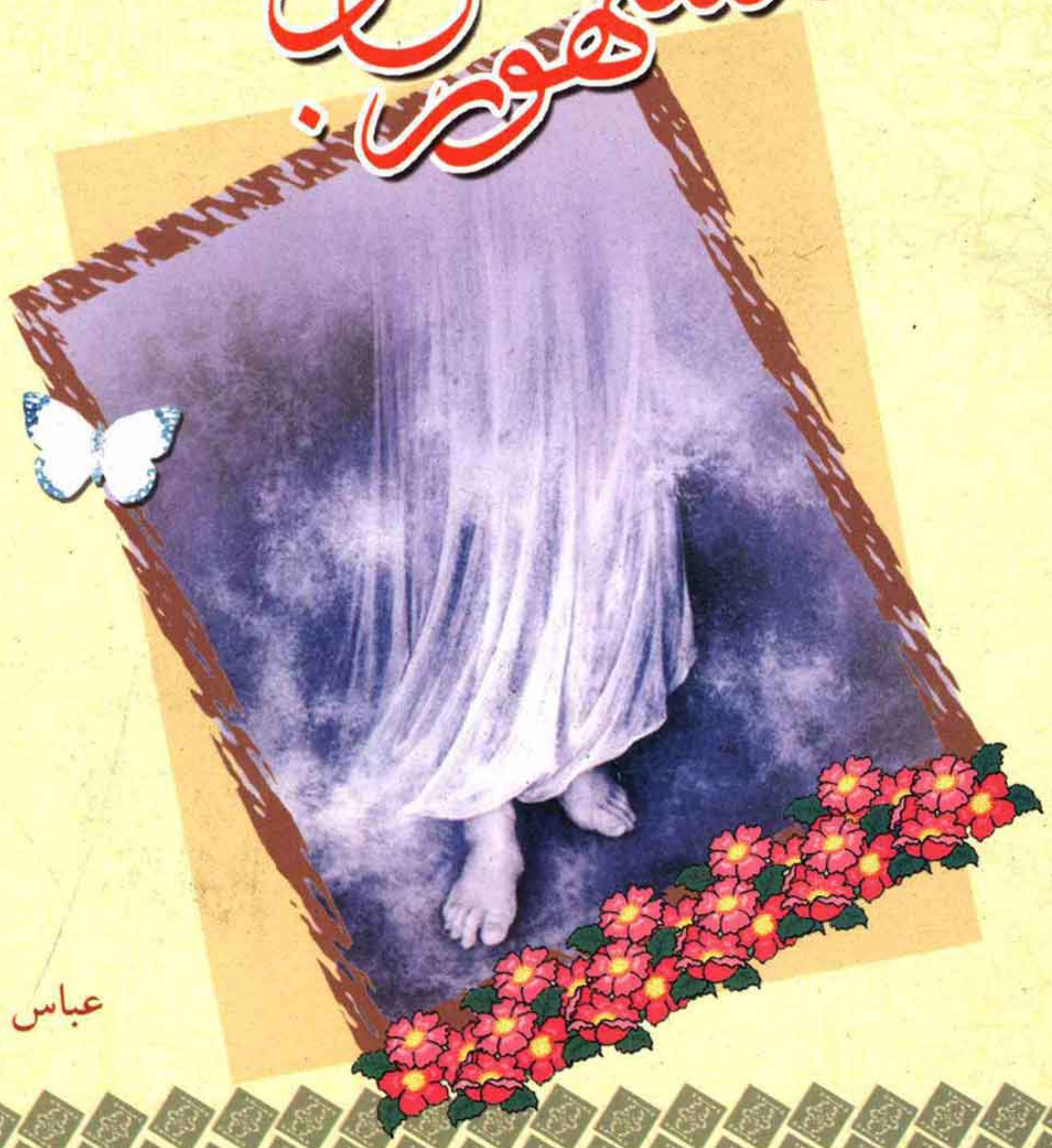




بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در اصطلاح  
منظومین

# مستقصی کتاب



عباس شمسى





# مشهور خوبان

در انتظار و منتظران

در انتظار و منتظران

تالیف

عباس شمسى

شمسی، عباس، ۱۳۵۳ -  
مشهور خوبان در انتظار و منتظران / تألیف عباس شمسی. - قم ائمه علیهم السلام،  
۱۳۸۳.

۱۸۴ ص.

ISBN: 964-6670-61-X

۱۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن علیهما السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

الف. عنوان.

۲۹۷ / ۴۶۲

م ۵ ک ۹ / ۴ / ۲۲۴ BP



## شناسنامه کتاب:

نام کتاب:	مشهور خوبان در انتظار و منتظران
گردآورنده:	عباس شمسی
ناشر:	انتشارات ائمه علیهم السلام
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ:	اول
سال چاپ:	زمستان ۱۳۸۳
چاپ:	
بهاء:	۱۰۰۰ تومان
شابک:	X - ۶۱ - ۶۶۷۰ - ۹۶۴

### آدرس انتشارات:

قم / خ ارم / پاساژ قدس / طبقه آخر / پلاک ۱۶۲ / تلفن: ۷۷۳۷۹۱۸

دورنما: ۷۷۴۷۲۳۴ / همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۰۲۸۹ - ۰۹۱۲۳۵۳۰۲۶۴

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۳۷۱۶

مؤلف: ۷۷۷۸۵۷۶ - ۰۹۱۲۳۵۱۱۳۵۲

E-mail: JameJavane aemmmme nashr 2000 @ yahoo.com

printed in the Islamic republic of

## فهرست مطالب

۹	..... دیباچه
۱۱	..... نجوا

### فصل اول: شجره نامه حضرت بقیه الله (عج)

۱۷	..... شجره نامه حضرت
۱۸	..... اسامی مقدس حضرت مهدی صاحب الزمان در کتب
۱۸	..... مذهبی اهل ادیان

### فصل دوم: مفهوم انتظار

۲۵	..... انتظار
۲۶	..... مفهوم انتظار
۳۰	..... حیطه‌های آمادگی
۳۴	..... آمادگی در حیطه عاطفی و منش
۳۷	..... آمادگی در حیطه رفتار و روش
۳۸	..... انتظار مهدی (عج)
۴۰	..... کارکردهای انتظار در قرآن
۴۸	..... انتظار مهدی علیه السلام در روایات سنی و شیعه
۵۰	..... مهدی (عج) در احادیث شیعه

### فصل سوم: فضیلت و فلسفه انتظار و...

۵۵	..... فضیلت انتظار
۵۶	..... فلسفه انتظار
۵۸	..... انتظار در اعماق سرشت آدمی و ناموس خلقت
۶۱	..... انتظار در دعا و نیایش
۶۶	..... انتظار یعنی سعادت و خوشبختی
۶۷	..... انتظار مدینه فاضله
۶۹	..... لطیفه داودیه علیه السلام
۷۱	..... انتظار در کلمات بزرگان
۷۴	..... انتظار در کلام امام خمینی (رضوان الله علیه)
۷۵	..... انتظار در آینه کلام مقام معظم رهبری (دام عزه)

### فصل چهارم: سیمای منتظران

۷۹	..... سیمای منتظران حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)
----	---------------------------------------------------





۸۹	دیدگاه‌ها و نظرات انتظار.....
۹۰	نظریه علماء شیعه حقه اثنی عشری.....
۹۵	منتظر واقعی اینگونه است.....
۹۶	آیت الله اصفهانی مورد توجه حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small> .....
۹۸	تشرفات.....
۱۰۰	او جانشین حضرت ولی عصر(عج) بود.....
۱۰۵	عفو قاتل.....
۱۰۶	خود را برای مردم ارزان کن.....

### فصل پنجم: فوائد و آثار انتظار

۱۱۱	فوائد و آثار انتظار.....
۱۱۱	۱- ریاضت نفس.....
۱۱۲	۲- ایجاد تشنگی نسبت به عدالت و مساوات.....
۱۱۶	۳- خودسازی و اصلاح نفس.....
۱۱۷	۴- آمادگی و اصلاح جامعه.....
۱۱۸	۵- روشن ماندن چراغ فطرت.....
۱۱۸	۶- امید بخشی.....
۱۲۰	۷. حرکت و پویایی.....
۱۲۰	۸. مقاومت و عزم از آثار دیگر انتظار است.....
۱۲۲	۹- نشاط و شادابی.....
۱۲۵	۱۰- خود پنداره مثبت.....
۱۲۸	۱۱- زیر بار ظلم نرفتن.....
۱۳۰	چند نمونه گزارش.....
۱۳۲	۱۲- فرهنگ سازی.....
۱۳۴	۱۳- جهت یابی ولایت (ولایت پذیری).....
۱۳۷	۱۴- ایجاد سوز و گداز و شور و شعور (نجات از پوچی).....
۱۳۹	۱۵- ایجاد سنخیت.....
۱۴۰	۱۶- رسیدن به لطافت.....
۱۴۰	۱۷- بوته آزمایش.....
۱۴۲	انتظار از منظر روانشناسی.....
۱۴۷	انتظار از منتظر جامعه شناسی.....
۱۵۰	ب) اثرات تربیتی اجتماعی.....
۱۵۱	امیدواری.....
۱۵۳	ج) تأثیرات سیاسی اجتماعی.....

### فصل ششم: انتظار در آئینه اشعار





## تقدیم

به یگانه مظهر ذات حق، ولی و سلطان  
مطلق، نیر اعظم و وصی خاتم حضرت  
بقیة الله ارواحنا فداء آن که در  
انتظاریم تا از ثرتم خوش عطر  
وجودش در ایام ظهور، حیات دوباره  
یابیم.



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### دیباچه

از آنجا که حکومت جهانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین فصل زرین کتاب آفرینش و خاتمه شیرین نظام هستی است، حضرتش آخرین ستاره فروزان آسمان ولایت و امامت و حسن ختام خیل عظیم انسانهای آسمانی و الهی است که قدم به نظام هستی گذاشته است.

مشهور خوبان، بر آن است که جوهر از عشق برگیرد، و با استعانت از خداوند حکیم و پدیدآور (ن والقلم وما یسطرون) و استمداد از مظاهر کمال و جمال حق - انوار مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سیمایی سبز و روشن از ریشه دارترین مسأله در مکتب تشیع؛ یعنی انتظار سبز مهدوی (عج) و فلسفه و فضیلت انتظار، انتظار در قرآن، روایت، دعا، سیمای منتظران و منتظر و آثار سبز انتظار را به تصویر بکشد.

نام این اثر برگرفته از غزل شیدایی عارف نامدار و شاعر پایدار لسان الغیب حافظ شیرازی (ره) که در هجر آن محبوب سفر کرده



سروده است:

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

امید است که مقبول نظر افتد.

برگ سبزی تحفه درویش شوریده حال، تقدیم به یگانه مظهر

جلال و جمال دلدار! حضرت صاحب الزمان (عج).

در ضمن بر خود لازم می دانم از مساعی و همکاری برادران گرامی

آقایان، آذرخش، گلپایگانی و رضایی که حقیر را در امر ویرایش یاری

فرمودند تشکر و قدردانی نمایم.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

والسلام عباس شمس

۱۳۸۲/۹/۱ - مصادف با دهه کرامت

ذی العقده تا یازدهم ذی العقده»

## نجوا

خبر رسید که از آسمان بخت امروز

قرار بخش دل بسی قرار می آید

هر سحر که سپیده از افق سر می زند، جوانه های انتظار با امید تو قد  
می کشند، گلها برای دیدنت می شکفند و شبیم گنبرگ دیده هاشان  
رعایت نوبت نمی کنند. دیده ابرها از فراق تو می بارد و تمام امید  
آفتاب، تابیدن بر قامت بلند ظهور توست. آری! گریه شبانه به امید  
ظهورت تسلای دل منتظران است.

انتظار آمدنت اگر بدانی با دلها چه می کند؟ اگر بدانی این همه  
چشمهای بارانی و دستهای رو به آسمان و تکرار ندبه ها در صبح  
جمعه فقط ظهور تو را می خوانند؟

صبح جمعه که می رسد، اشک و شوق و امید و انتظار بر سیمای  
دلها مان جاری می شود و ما مطمئن هستیم که تو می دانی؟ چه اینکه  
در میان مایی و به ما عشق می ورزی و بر هدایت ما حریصی!  
می گویند تو دوری تا ناامیدمان کنند؛ می گویند تو دست نایافتنی  
هستی، تا از امید دیدارت دست بشوئیم؛ می گویند انتظار طولانی  
نشانی بر کذب ادعا و نیامدن است تا ایمان و باورمان به آمدن سبزه

۱- این تعبیر در قرآن به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت داده شده، (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ  
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) توبه، ۱۲۸.



را از ما بگیرند، اما تو می آیی!

مرثیه ناتمام دلهامان را با که بگوئیم که در انتظار تو، در دره‌های  
خاکی کربلا نشسته و منتظر غباری از امواج صدای قدمهای توست، تا  
به روی سرمان که هم سطح خاکهاست بنشیند. ما فریفته و مسحور  
توئیم، سالهاست که زبانمان متبرک به نام مبارک توست. و  
چشمانمان آشنای اشک شوق دیدارت، و قلمهامان در میان اوصاف  
تو لرزان.

به راستی شهرت چیست؟ چه رمزی در تو نهفته است؟ و چه  
معمایی در تو نهان گشته، که هیچ چیز جز مصلحت رحمان از آن  
آگاهی ندارد. تو را در کجا می توان یافت: «أَيْنَ اسْتَفْرَتِ بِكَ النَّوَى»؟  
در کدامین مأمن و مأوی جاداری در کربلایی، عرفه یا در بقیع بر  
تربت خاموش و غریب مادری؟ یا در وادی طوی لحظه‌ها را با ذکر  
العجل العجل به پایان می بری! در کدامین مأوی جای گرفته‌ای؟ چه  
سری در تو مستور است؟ تو را چه خطاب کنم، تا دلم قرار گیرد؟ آری  
تو منتقم ثار الهی! و من فرزند انتظار و همه اینها کنجاویم را سبب  
شده، قلب تبار و ذهن پر آشوب و سینه از عشق لبریزم پرسه زنان در  
تکاپوی حقیقت وجود بی کرانهات شتاب گرفته است.

به تبرک ظهور توست که پنجره‌ها باز مانده و لبها به ذکر تو مشغول  
و دلها به قدوم رنگینت مأمولند! چشم‌ها به دور دست‌ها خیره شده  
و تو را می جویند و دستها ملتمس اطایت. و پرستوی اندیشه‌های تا  
خورشید وجودت پر کشیداند؛ زیرا تو تفسیر تعالی اندیشه‌ای و تأویل  
متعالی وحی و تصویر عالی عدل و حقیقتی. نگاهت کیمیایی است



که به نسل عاشقانت تعلق گرفته.

رواق منظر چشمان من آشیانه توست

کرم نما و فرود آی که خانه خانه توست

مهدی جان! بیا که چشمان ما آشیانه انتظار توست و دلها مان بی  
قرار تجلیت و دست‌هایمان که همیشه به سمت و سوی توست. ما هر  
روز از داغ هجرت کبوتری را در آسمان انتظار رها می‌کنیم تا از تو  
سراغی گیرد و در زمینی که پر از برگ‌های خونین لاله‌هاست فرود  
آورد و هوایی که از عطش آبی پرزدن پرستوهای مهاجر است و از  
رایحه شقایق‌های زخم خورده لبریز است تنفس نمائیم. سزاوار انتظار  
تو سوختن و ساختن و سوز دل را در دل گفتن است! به یادت ای  
خورشید عالم تاب زمزمه‌ای عاشقانه سر می‌دهیم. (بیا که ساقه و  
سبزه‌های چشمان ما در انتظار باران حضورت، سبز مانده‌اند.)

اللهم عَجِّلْ قَرَبَةَ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا.

خشت خام



# فصل اول

شجره نامه

حضرت بقية الله (عج)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## شجره نامه حضرت

تاریخ ولادت امام زمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

محل ولادت: شهر سامراء

ساعت ولادت: موقع طلوع فجر

روز ولادت از ایام هفته: روز جمعه

روز ولادت از ایام ماه: پانزدهم ماه

ماه ولادت: ماه شعبان المعظم

سال ولادت: سال ۲۵۵ هجری

مدت عمر و امامت: از حین ولادت تا آن موقعی که خدای علیم اجازه

ظهور دهد.

## حسب و نسب حضرت مهدی موعود علیه السلام

از طرف پدری: محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی

بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام.

از طرف مادری: محمد بن نرجس فرزند یوشع، فرزند قیصر یعنی

پادشاه روم. مادر نرجس از فرزندان شمعون بن صفا که وصی حضرت

عیسی علیه السلام بوده به شمار می رود.

## نام، لقب، کنیه

نام مقدس: م ح م د، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا از بین نخواهد رفت

تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است مالک زمین شود.

لقب مبارک: مهدی، حجت الله، منتظر، قائم و صاحب الزمان  
کنیه شریف: ابوالقاسم و ابو عبدالله  
محدث قمی می نگارد: موقعی که حضرت صاحب الزمان علیه السلام  
متولد شد به حضرت رسول اکرم و علی بن ابی طالب و جمیع امامان  
تا پدر بزرگوار خود علیه السلام صلوات و درود فرستاد.

## اسامی مقدس حضرت مهدی صاحب الزمان در کتب مذهبی اهل ادیان

اینک برخی از اسامی مبارک آن حضرت که با الفاظ مختلف در  
بسیاری از کتب مذهبی ادیان و ملل مختلف جهان آمده است، اشاره  
می گردد:

- ۱ - «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام؛
- ۲ - «قائم» در زبور سیزدهم؛
- ۳ - «قید مو» در تورات به لغت ترکوم؛
- ۴ - «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی؛
- ۵ - «مهمید آخره» در انجیل؛
- ۶ - «سروش ایزد» در زمزم زرتشت؛
- ۷ - «بهرام» در ابستان زنده و پازند؛
- ۸ - «بنده یزدان» در زنده و پازند.
- ۹ - «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان؛
- ۱۰ - «شماخیل» در ارماتس؛
- ۱۱ - «خوراند» در جاویدان؛
- ۱۲ - «خجسته» (احمد) در کند رال فرنگیان؛
- ۱۳ - «خسرو» (احمد) در کند رال فرنگیان؛



- ۱۴ - «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر؛
- ۱۵ - «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان؛
- ۱۶ - «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان؛
- ۱۷ - «کالة الحق» در صحیفه آسمانی؛
- ۱۸ - «لسان صدق» هم در صحیفه آسمانی؛
- ۱۹ - «صمصام الاکبر» در کتاب کندرال؛
- ۲۰ - «بقیه الله» در کتاب دوهر؛
- ۲۱ - «قاطع» در کتاب قنطره؛
- ۲۲ - «منصور» در کتاب دید براهمه؛
- ۲۳ - «ایستاده» (قائم) در کتاب شا کمونی؛
- ۲۴ - «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛
- ۲۵ - «فرخنده» (محمد) در روشن جوک؛
- ۲۶ - «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پائیکل؛
- ۲۷ - «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)؛
- ۲۸ - «سوشیانس» در کتاب زندو هومو من یسن، از کتب زرتشتیان؛
- ۲۹ - در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس (مانویه) ترجمه «مولر» نام «خودشهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشکار سازد؛
- ۳۰ - «فیروزه» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر.<sup>۱</sup>
- علاوه بر اینها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی علیه السلام در کتب

۱- النجم الثاقب، ص ۵۴ تا ۶۵، ص ۳۱، اقوال الاثمه، ج ۱، ص ۳۲۹، الزام الناصب، ص ۴۸۱، مسجد مقدس جمکران تجلی گاه صاحب الزمان، آیه الله میرعظیمی (حفظه الله) ص ۴۸.

مقدس ادیان ذکر شده است، ولی به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.

اسامی مقدسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور، و بقیه الله» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است از القاب خاص وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن العسکری «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها تصریح شده و ائمه معصومین علیهم السلام در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب» «قائم» «بقیه الله» یاد کرده‌اند و این خود بیانگر این واقعیت است که موعود همه امت‌ها و ملت‌ها همان وجود مقدس منتظر غائب، حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است.

### ویژگی‌های حضرت صاحب الزمان علیه السلام در روایات

در روایات گوناگونی که شیعه و سنی درباره مهدی موعود علیه السلام و ریشه خانوادگی و نسب و اصالت آن حضرت از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل کرده‌اند، چنین آمده است:

مهدی علیه السلام از عرب است.

مهدی علیه السلام از امت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از «قریش» است.

مهدی علیه السلام از «بنی هاشم» است.

مهدی علیه السلام از فرزندان «عبدالمطلب» است.

مهدی علیه السلام از فرزندان «ابوطالب» است.

مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از «ذوی القربی» است.

مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام نامش، نام پیامبر است.

مهدی علیه السلام کنیه اش، کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام صادق علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام رضا علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان محمد تقی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است.

مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است.

مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است.

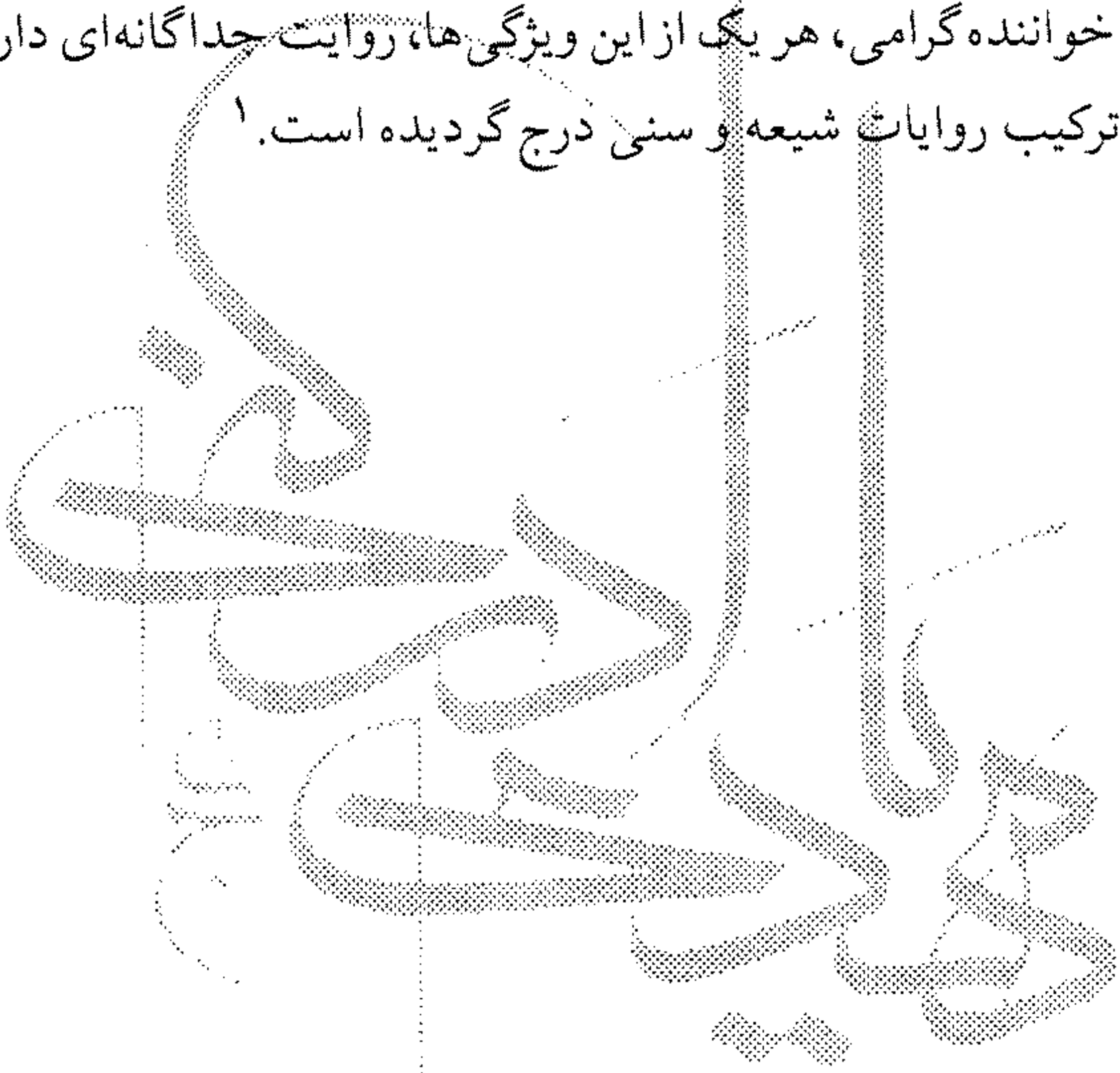
مهدی علیه السلام شیعه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام پیشوای شایسته است.

مهدی علیه السلام یکی از سروران اهل بهشت است.



مهدی علیه السلام بعد از پادشاهان ستمگر می آید.  
 مهدی علیه السلام خلیفه الله است.  
 مهدی علیه السلام دو غیبت دارد.  
 مهدی علیه السلام در همه عالم یکی است.  
 مهدی علیه السلام تمام روی زمین را از عدل پر می کند.  
 خواننده گرامی، هر یک از این ویژگی ها، روایت جداگانه ای دارد و  
 در ترکیب روایات شیعه و سنی درج گردیده است.<sup>۱</sup>



# فصل دوم

## مفهوم انتظار

## انتظار

### انتظار در لغت به معنای:

درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن، نوعی امید به آینده، یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل که دارای دو کارکرد منفی و مثبت است.<sup>۱</sup>

**الف)** حالتی که آدمی را به حرکت و اقدام و سازندگی وامی دارد و عامل عمل و آمادگی است.

**ب)** حالتی که حرکت دز پی آن نیست، انزوا و سکوت. انتظار چشم به راه بودن، چشم داشت چیزی، چیزی را چشم داشتن.<sup>۲</sup> آنچه از روایات اسلامی بدست می آید همان کارکرد اول و مثبت است که از آن تعبیر به عمل شده و آن را جزء بهترین حالات و اعمال خوانده‌اند.

۱- مصطفوی، تحقیق در کلمات قرآن، و در اکثر کتب لغت عربی انتظار به معنای ترقب و توقع و تربص آمده است این معنا همان معنایی که در کتب لغت فارسی به معنی = چشم داشت، امیدوار بودن، چشم به راه بودن، چیزی را چشم داشتن، فرهنگ امید (ص ۱۳۰) فرهنگ معین، لغت نامه دهخدا، لغت نامه‌های عربی، منتهی الارب، اقرب الموارد، لسان العرب، المنجد، اِنْتَظَرُهُ، اِی تَرَقَّبُهُ، تَوَقَّعُهُ.

مفردات راغب، والنظر و الانتظار، يقال نظرته، وانظرته، اِی أَخْرَجْتُهُ، قال الله تعالى، وانتظروا انا منتظرون.

ادیب صابر گوید!

بخورد صبر مرا انتظار وعده وصل که صبر دل شده پنبه است و انتظار آتش

۲- محمد بهشتی، فرهنگ صبا.



## مفهوم انتظار

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آن چه توقع وقوعش را داریم، از آن برمی آید. ضد انتظار، یاس و ناامیدی است. در درون انتظار امید خوابیده است. لذا شناخت انتظار گاهی با ضد او امکان پذیر است، که همان یاس و ناامیدی است. هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی تر خواهد بود.

وقتی انسان مسافری دارد که خبر آمدنش را داده اند، هر قدر این زمان نزدیک تر می گردد مهیا شدن فزونی می یابد، بلکه از شدت انتظار خواب و نخوراک هم از انسان سلب می شود به هر اندازه این مسافر بزرگ و کریم باشد به همان مقدار، انتظار حساس تر و باشکوه تر می نماید؛ یعنی مراتب انتظار از این جهت متفاوت است، مثلاً از جهت محبت و عشق به کسی که در انتظارش به سر می بری، هر چه مراتب بالاتر باشند ضریب آمادگی افزایش می یابد. انتظار آمدن دوست خوب، مادر مهربان، پدر زحمتکش، برادر و خواهر غم خوار طبیعتاً با هم متفاوت است و هر یک آمادگی خاص و ویژه ای را می طلبد.

انتظار آماده باش و تحصیل آمادگی های لازم است برای آن چه که مورد نظر است، انتظار آماده باشی در سایه صبر و مقاومت و پایداری است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مِن دینِ الائمه انتظارُ الفرجِ بالصبر.»

«یکی از نشانه های دین ائمه علیهم السلام انتظار فرجی است که با صبر حاصل می شود.»<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام از قول پدران و نیاکان بزرگ خویش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أفضل أعمال امتی انتظارُ الفرَجِ عزّوجلّ» و «أفضلُ أعمالِ امتی انتظارُ الفرَجِ من الله عزّوجلّ.»

«فرمودند برترین اعمال امت من انتظار فرج الهی است یا انتظار فرج از ناحیه خداوند است.»<sup>۱</sup>

باز روایاتی مشابه از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که بسیار فراوانند که انتظار را از محبوبترین اعمال معرفی کرده‌اند. از این روایات اینگونه بر می‌آید که انتظار فقط حالت نفسانی نیست، بلکه احوال روحی جریان یافته و شکل گرفته است که از شبکه شناخت سرچشمه می‌گیرد و در قلب آدمی نرم و لطیف و غبار روبری می‌گردد و در پایان به عمل می‌نشیند. این مراحل سه گانه به وسیله عناصر محوری و پایه‌هایی چون صبر و پایداری، شوق و وفاداری، ایمان و محبت، تلاش و کوشش و دوری از یأس و نوامیدی استوار و بنیان نهاده شده است.

پس انتظار، یعنی دوری از یأس و ناامیدی، عشق و شوق، ایمان و محبت، تلاش و کوشش در سایه صبر و استقامت برای رسیدن به منتظر یا امور مورد نظر و اهداف آدمی.

آری اینگونه انتظار و آمادگی را در دوران غیبت، مشق یاوران مهدی (عجل الله تعالی فرجه) دانسته‌اند و آن را نصیب مهدی یاوران شمرده‌اند. پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله به امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

«یا علی آگاه باش که بالاترین مردم، به لحاظ یقین، گروهی

هستند که در آخرالزمان خواهند بود و با توجه به اینکه پیامبر ﷺ را درک نکرده‌اند و با او نبوده‌اند و حجت و امام هم، از آنان غایب بوده است، در عین حال، از روی نوشته بر کاغذ سفید ایمان می‌آورند.<sup>۱</sup>

این سان است که مهدی باوران عصر غیبت، در شب دیجور و سختی، ایمان راسخ خویش را پایه‌گذاری می‌کنند و ثابت قدم می‌مانند و از برترین اعمال، با وجود سخت‌ترین شرایط بهره‌مندند، چرا که «افضلُ الاعمالِ اَحْمَرُهَا» با فضیلت‌ترین اعمال سخت‌ترین آنها است.<sup>۲</sup>

دشمن در زمان غیبت تمامی نقشه‌ها و طرّاری‌های شیطانی خود را به صحنه می‌کشد، تازّه‌زنی کند و ایمان‌گره خورده با جان مهدی باوران را چون موش پاره پاره نماید. تنها کسانی می‌توانند به دام این شیاطین نیفتند که ایمان خود را در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری گره زد و قوام بخشند، یعنی در سه حوزه بینش، منش و روش خود را مجهر نمایند. چه اینکه در غیر این صورت در صف مهدی گریزان یا بدتر از آن مهدی ستیزان خواهند بود.<sup>۳</sup>

پس انتظار یا آینده‌نگری به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای رسیدن و ایجاد وضع مطلوب تلاش می‌کند. چنانچه بیمار منتظر بهبودی و میزبان در انتظار میهمان و عاشق در انتظار یار با فراق و هجران دست به گریبان است. تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی است دو حالت دارد:

۱- بحار، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱۲. ۲- بحار، ج ۶۷، ص ۲۳۹، باب ۵۴.

۳- در چند صفحه بعد این سه حوزه تعریف شده است.





بیگانگی با وضع موجود، تلاش برای وضع مطلوب.

انتظار به معنی آماده باش است که مرکب از دو عنصر است:

عنصر نفی، بیگانگی و پس زدن وضع موجود؛

عنصر اثبات، عشق و علاقه به بهبود وضع نابسامان.

چنانچه این دو عنصر در روح انسان رسوخ کند، سرچشمه دو رشته افعال و اعمال دامنه دار خواهد شد؛ زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثرات آن از گفتار و سخن یا پایین تر از آن یعنی از پندار تجاوز نکند، اما اعتقادات عمیق نتایج عملی فراوانی به همراه خواهد داشت. آن دو رشته اعمال دامنه دار از قرار ذیل است:

**الف)** ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل فساد و ظلم و مبارزه و درگیری با آن بر محور صبر و بردباری و تلاش مداوم و پیگیر.

**ب)** خود سازی و خود یاری و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای تشکیل یک حکومت آینده آل و مطلوب.

لذا وظایف منتظران در زمان غیبت، ایمان راسخ و عمل صالح بیان شده است. فقط ایمان و عمل صالح و آمادگی لازم به کار می آید. اگر این آمادگی ها در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری نباشد سودی به همراه نخواهد داشت.

از این مفهوم می توان به ارزش کار انتظار و فضیلتی که در روایات برای منتظران واقعی بیان شده است پی برد. گاهی منتظر را مثل کسانی می داند که در خیمه حضرت و زیر پرچم او هستند یا مثل کسانی که در راه خدا شمشیر می زنند، یا در خون خود می غلظند و یا شهید می شوند...

اینها همه درجات و مراتب مختلف مجاهده در راه حق و عدالت است که متناسب با مقدار و چگونگی آمادگی و درجه انتظار افراد

است؛ یعنی همانطوری که میزان فداکاری مجاهدان در راه خدا و نقش آنها اهمیت دارد، انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجاتی دارد که با هم متفاوت است که هر کدام با یکی از آنها از نظر مقدمات و نتیجه شباهت دارد، چه اینکه هر دو جهاد و آمادگی و خود سازیند. کسی که در خیمه رهبر چنین حکومتی قرار گرفته؛ یعنی در مرکز ستاد فرماندهی حکومت جهانی است، نمی تواند فردی غافل، بی خبر و بی تفاوت باشد. خیمه آن حضرت جای هر انسانی نیست! افراد خود ساخته، پرتلاش، آماده و ورزیده که دارای آمادگی های جسمی، فکری، اخلاقی هستند در رأس یاوران آن جنابند.

## حیطه های آمادگی

### آمادگی در حیطه شناخت و بینش

در این حوزه، شناخت و معرفت آنقدر اهمیت دارد که فرموده اند اگر کسی امام زمان خویش را نشناسد مثل کسی است که قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته و مرگ او مرگ جاهلیت بوده است.

در دعای عرفان؛ یعنی دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می خوانیم که:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ... اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ

تُعَرِّفْنِي حُجَّتِكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»

در فراز پایانی این دعای شریف از خداوند درخواست شناخت و معرفت حجت زمان را می کنیم؛ چرا که اگر به معرفت امام زمان نرسیم به وادی گمراهی خواهیم غلطید.

در روایتی ابی یعفر از امام صادق علیه السلام پرسید از فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله

که:

«هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، مردنش مردن جاهلی است.»

عرض کردم مردن کفر است؟ فرمود: مردن به گمراهی است. عرض کردم، امروز هم که بمیرد و زیر سرپرستی امام نباشد، آیا به مرگ جاهلی مرده؟ فرمود: آری!<sup>۱</sup>

شخص دیگری به نام حارث بن مغیره همین سؤال را از حضرت پرسید حضرت در جواب او فرمود: آری مرگ او مرگ جاهلی است، پرسید جاهلیت جهلاء (جاهلیت محض) یا جاهلیت نسبت به نشاختن امام خود؟ فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.<sup>۲</sup> در روایتی هم امامت را امانت دار سر نهفته خداوند خوانده و کسی را که احکام خود را از غیر باب امامت دریافت کند، مشرک تلقی نموده است.

علامه مجلسی (ره) در شرح روایت دوم می فرماید: جاهلیت جهلاء (جاهلیت محض) جهلاء تأکید جاهلیت است مثل «لیلة لیلاء»؛ یعنی شب بسیار شب [کنایه از ظلمت محض است] بعد می فرماید: مقصود سائل در اینجا این است که تعبیر از مردن کسی که به محضر امام نرسیده تا او را تربیت کند و بی امام بسر برده است. چنین کسی مردنش جاهلیت بر وجه حقیقت است.

در آن زمانی که نظام ظاهر اسلام زیر سرپرستی حاکم جور و سازمان دینی پر آوازه دوران عباسی (از آن طرف جبل الطارق تا

۱- عن ابی یعفر قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وآله:

«مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِتَّةٌ جَاهِلِيَّةٌ»، قال فقلت: مِيتَةُ كُفْرٍ؟ قال: مِتَّةٌ ضَلَالٍ، قُلْتُ: فَمَنْ مَاتَ الْيَوْمَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ؟ فقال: نعم. اصول کافی، ج ۲، باب من مات وليس له امام، ح ۲.

۲- همان، ح ۳.



اواسط چین) را زیر پرچم خود دارد و در همه جا صوت اذان بلند است و مساجد پر از نماز خوان است و احکام و حدود و مقررات میلیون‌ها مردم به نام اسلام و قرآن اداره می‌شود و هزارها حوزه قرائت قرآن و تعلیم و آموزش قرآن و حدیث وجود دارد، نظم و امنیت نسبی در سرای محیط اسلام زیر لوای قرآن برقرار است.

آیا در چنین دورانی به محض اینکه کسی امام بر حق خود را که در ضمن این نظام وسیع اسلام زندگی می‌کند نشناسد به طور حقیقت مانند کسی مرده است که پیش از بعثت پیامبر ﷺ در محیط جزیره العرب و بت پرست و بی نظم و مردم خونخوار که از همه آداب و شئون نبوی برکنار بوده‌اند مرده است. و با اینکه مقصود پیامبر ﷺ از این بیان این است که مردن نادان به امام، شبیه مردن جاهلیت است. و آن هم از نظر صرف ترک معرفت امام، و گرنه در این دوران مردمی که سراسر قرآن را خوانده و ظاهرش را دانسته و همیشه در محراب عبادت یا دکان تجارت، یا در خدمت تعلیم و تربیت مردم یا در میدان جهاد با کفار به سر برده‌اند چگونه با یک مرد نادان، بت پرست، خوانخوار، سوسمار خوار و بیابانگرد دوران جاهلیت برابر است و هیچ امتیازی از این همه مظاهر اسلامی و تمدن بشری کسب نکرده است.

امام ﷺ در پاسخ او می‌فرماید: مقصود پیامبر ﷺ از مرگ جاهلیت، نظر به عالم بعد از مرگ دارد، نه به زندگی این جهان؛ البته از نظر زندگی و حیات در این جهان نمی‌توان یک فرد مسلمان دوران حکومت عباسی را با یک فرد دوران جاهلی و بلکه با فردی که در حکومت متمدنی چون روم هم زندگی کرده برابر دانست؛ زیرا نظم و انضباط و امنیت و آداب انسانی این حکومت اسلامی از نظر ظاهر و اداره‌ی امور دنیا بسیار قابل توجه و دلپسند است.

ولی این آثار ظاهری اسلام است و نتایج دنیوی سازمان اسلام که بر همان پیکره و دور نمای او بار می شود. این استفاده ها معنیش این است که همه زیر سایه اسلام زندگی می کنند. همه درون ساختمان اسلام از دستبرد و یورش راهزنان و سرما و گرمای کشنده آسوده اند. اما اینها ربطی به نتایج معنوی و اخلاقی و نور ایمانی که روحیه خوش سرانجام فرد را بنیاد می کند ندارد. این جامعه پرآوازه و خوش ظاهر برای دنیا و زندگی آن سودمند است و از نظر مرگ و پس از آن که هر فردی باید به روحیه ایمان متکی باشد و از آن بهره مند باشد، اگر در زیر سرپرستی امام برحق نباشد و او را نشناسد و وضع او به این سه وجه است:

\* کفر؛ یعنی اگر با امام حق ستیز کرده و مخالفت ورزیده و از امام و پیشوای ظالم طرفداری کرده است و از روی دل به حکم او کردن نهاده، کافر مرده است.

\* نفاق؛ یعنی اگر طرفدارای از حکومت ها نکرده و اظهار مخالفت با امام حق هم ننموده؛ ولی بر اثر مسامحه و اهمال دنبال حق نرفته و در جهاد و مبارزه با باطل برنیامده و امروز و فردا کرده و گفته است بینم چه می شود، گزرانیده؟ این روحیه نفاق آمیزی دارد و منافق مرده است؛ البته نفاق درجاتی دارد که شاید برخی از آنها مشمول رحمت حق شود، چنانچه خداوند می فرماید:

«تا خدا مخلصان را به اخلاص خود پاداش دهد و منافقان را عذاب کند یا از آنها توبه پذیرد و به درستی که خداوند آمرزنده و بخشنده است.»<sup>۱</sup>

\* ضلالت و گمراهی، این درجه خفیف تر است نسبت به جاهل قاصر و یا مستضعف که وسیله امام شناسی برای او فراهم نبوده و

دستش به دامن امام بر حق نرسیده است؛ البته شخص گمراه هم از نظر اینکه برای درک حق تلاش کرده یا نکرده خوش کردار زیسته، و یا بدکردار تا چه اندازه در مورد خود و دیگران ستم کرده یا نکرده وضعیت‌های مختلف دارد.<sup>۱</sup>

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند آن حضرت فرمودند:  
 «إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ  
 أَوْ تَأَخَّرَ.»

«امام خود را بشناس؛ زیرا هرگاه امام خود را شناختی، تقدّم و تأخّر این امر (ظهور امام) زیانی به تو نمی‌رساند.»<sup>۲</sup>  
 چه دولت حق باشد، چه نباشد چه امام ظاهر باشد چه غائب؛ برای کسی که شناخت کافی از امام و حق امام دارد مساوی است و او در هیچ حال زیانی نکرده است.

لذا از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام همه از انتظار سخن گفته‌اند و فرهنگ انتظار را ترویج کرده‌اند. و مشتاقان حکومت مهدی علیه السلام را بشارت و نوید داده‌اند که با شناخت امام و معرفت حق و خط او، زیر لوای خیمه‌اش هستند؛ هر چند که قبل از ظهور آن جناب از دنیا بروند.

## آمادی در حیطه عاطفی و منش

هر کس که در انتظار آن وجود مبارک است باید از نظر عاطفی

۱- به نقل از شرح اصول کافی، ج ۲، استاد علامه حاج شیخ محمد باقر کمرئی، ص ۲۷۱  
 ذیل روایت، ۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، باب انه من عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ، ح ۱.



پیمانہ وجود خویش را از نور موالات و دوستی خاندان پاکی‌ها سرشار سازد. در ادامه دعای شریف آل یاسین می‌خوانیم: «وَأَنْ تَمَلَّأُوا... مَوَدَّتِي نَوْرَ الْمَوَالَاتِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ» و در زیارت شریف عاشورا قدم به قدم و فراز به فراز استدعای تولی و دوستی این خاندان را از خداوند خواهانیم. چرا که در سایه سار فرهنگ «موالات» پاکان و پاکی‌ها همه‌ی مفاصد دنیوی ما در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی اصلاح می‌گردد.

«بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأُصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدًا مِنْ دُنْيَانَا.»<sup>۱</sup>

موالات از باب مفاعله امری است متقابل، یعنی ما شیعیان خاندان اهل بیت علیهم‌السلام را دوست داریم و از آنان اطاعت می‌کنیم و آنان نیز ما را دوست داشته و توسلات و تقاضاهای ما را اجابت کرده و ما را شفاعت می‌کنند.

سید ابن طاووس (ره) می‌گوید: سحرگاهی، در سرداب مقدس آن جناب در سامرا، نوای آن عزیز الهی را شنیدم که می‌نالد و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شِعَاعِ أَنْوَارِنَا، وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا.»

«پروردگارا! شیعیان ما از شعاع انوار و زیادی گل ما خلق شده‌اند.»<sup>۲</sup>

پیمانہ مودت را باید با مهر بی‌کران و نور موالات محمد و آل محمد (صلی الله علیهم اجمعین) سرشار و لبریز کرده که اجر زحمات رسول خداوند و پاداش رسالت سترگ آن جناب است که فرمود:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.»<sup>۳</sup>

۲- صحیفة المبارکة المهدیة، ص ۲۹۱.

۱- زیارت جامعہ، مفاتیح.

۳- شوری، ۲۳.



## آمادگی در حیطة رفتار و روش

نمی شود در زمان غیبت دست روی دست گذاشت و با زبان گفت که ما منتظریم که در این صورت، ایمان هیچ سودی ندارد. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه مبارکه:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»

فرموده اند: دوران حکومت مهدی علیه السلام دوران عباد صالح است. آنان که صالحند و ارثان حقیقی زمین هستند. پس انتظار؛ یعنی گرایش به صلاح و زمینه سازی برای شایستگی (این است انتظار راستین) این نوید از کسانی است که اهل صلاحند، در غیر این صورت آن روزگار هم می شود دوران فساد و ظلم. در جای دیگر فرموده:

«هر کس از بودنش در شمار یاران امام قائم (عج)، شادمان است، باید به انتظار باشد. و با همین حال انتظار، به پرهیز و اخلاق نیکو رفتار کند، پس اگر اجلس فرا رسید و امام قائم پس از مرگ او ظاهر شد، پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم را درک کرده، پس کوشش باشید و به انتظار بنشینید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مشمول رحمت خدائید.»<sup>۱</sup>

فرهنگ انتظار به گونه ایست که در حیطة عمل و رفتار منتظران اثر می گذارد و آمادگی او پیوسته است. لذا در صبح و شام پیمان و عهد خود را با حضرت تجدید می کنند؛ چه اینکه در عهد نامه آن جناب آمده است:

«اللهم انى أُجِدُّ لهُ فى صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي

۱- الغيبة نعمانی، ص ۲۰۰، ج ۲، ح ۱۶.

عهداً و عقداً و بیعتاً له فی عنقی لا احوول عنها ولا ازول ابداء.

در هر صبح روح خود را در باغ واژه‌های دل نشین عهد سیر می‌دهد و از عزمی راسخ و خلل‌ناپذیر، سخن می‌راند و عهدنامه را به گردن داشته و تجدید می‌کند. و میثاق خود را با امام خود گره می‌زند، در این عهد و پیمان تمام هستی خود را به بازار می‌برد تا یوسف گم‌گشته زهرا علیها السلام را خریداری کند.

دغدغه او فقط حمایت از دلدارش می‌باشد؛ نه آن‌که دل مشغول خود و یا دیگری باشد. از این رو در دریافت خواسته‌ها و اراده‌اش و برآوردن آن‌ها، سبقت‌گیرنده است، در این مسیر، مستانه آماده شهادت در پیشگاه مقدس آن نازنین و عصاره هستی می‌باشند! گفتند خلائق که تویی یوسف ثانی

چون نیک بدیدم، به حقیقت به از آنی

حافظ

### انتظار مهدی (عج)

بدون تردید هر آغازی را انجامی است و هر شروعی را پایان، مگر ذات اقدس پروردگار، که آغاز و انجام ندارد. همه دنیا در احاطه این قاعده است و خود دنیا هم با همه وسعتش از این قاعده فراگیر مستثنی نیست، از این روزمانی بر این دنیا گذشته و زمانی نیز خواهد گذشت که وقت به پایان خواهد رسید و این قسمت پایانی کتاب زمان را (آخرالزمان) نام گذاشته‌اند. آخرالزمان در اغلب فرهنگها وجود دارد، ولی در فرهنگ انتظار و مهدوی علیه السلام بسیار برجسته است.

تمام کتب گذشته‌ی آسمانی درباره‌ی آخرالزمان و انتظار مردی از تبار نور سخن رانده‌اند. در کتاب آسمانی قرآن هم اشاراتی به این دوره شده است.

این اصطلاح در فرهنگ اسلامی دو معنا دارد:

**الف)** مدت زمانی طولانی که از ولادت آخرین پیامبر الهی آغاز و با شروع قیامت پایان می‌یابد و از همین روست که از پیامبر ﷺ به عنوان پیامبر آخر الزمان یاد شده است.

**ب)** معنای دوم محدودتر از معنای اول است از زمان ولادت حضرت مهدی ﷺ آغاز شده غیبت صغری و کبری و همچنین ظهور حکومت جهانی آن حضرت را نیز شامل می‌گردد. این دوران دو شاخصه مهم دارد. اول ظهور فساد و ظلم و فساد اخلاقی در همه جامعه‌های بشری. دوم ظهور اصلاحگر الهی و ریشه کنی همه ظلمها و فسادها و ظهور عدالت و پاکی و صلح و صفا و معنویت و حکومت جهانی حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا فداه، که توحید، عدل، رشد عقلی و علمی در سراسر زندگی بشر حکم فرما می‌شود.

فرهنگ شیعه دوازده امامی، حکومت جهانی حضرت را حسن ختام حیات بشری در عالم دانسته، برپایی قیامت صغری و حاکمیت برخی از ائمه را تحت عنوان رجعت، مهر پایانی بر طومار زندگی زمینیان ذکر کرده‌اند.

آری! شیعیان در انتظار طلعت خورشید آسمان ولایت حضرت مهدی ﷺ هستند. شیعیان یعقوب‌وار به انتظار یوسف کنعانی نشسته‌اند تا حضرتش قدم به عرصه حیات بشری نهد، او بر اریکه زرین عدالت تکیه خواهد زد و با حکم انبیاء و منشور آسمانی خداوند بر همگان حکمرانی خواهد نمود. برای تیمن و تبرک حدیثی از امام صادق ﷺ به نقل از جد بزرگوارشان رسول خدا ﷺ نقل می‌کنیم که حضرت رو به سوی علی ﷺ کردند و فرمودند:

أَلَا أُبَشِّرُكَ أَلَا أُخْبِرُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: كَانَ جِبْرَائِيلُ عِنْدِي آيِفًا وَأَخْبِرَنِي أَنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي

«وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَائِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ  
وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»<sup>۱</sup>

و در سوره مبارکه انعام همین کاربرد مورد تأیید قرار گرفته است.  
ب) انتظار خیر و انتظار شر، به کسانی که ایمان به خداوند و قرآن  
نیاورده‌اند می‌فرماید: اگر کسی از قبل ایمان نیاورده باشد (در روز بلاء  
و نزول نعمت) ایمان او را نفع و خیری نیست یا از ایمان کسب خیر و  
سعادت نکرده، بگو شما در انتظار نتیجه اعمال زشت خود باشید و  
ما هم منتظر اعمال صالح خویش هستیم.

...رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ  
آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا  
مُنْتَظِرُونَ.<sup>۲</sup>

ج) هلاکت و نابودی، برخی منتظر هلاکت و نابودی هستند و  
عذابی که گذشتگان دیده‌اند توقع دیدن آن را دارند به طاغیان بگو که  
شما منتظر باشید ما هم منتظر هستیم.

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَاَنْتَظِرُوا  
إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ.<sup>۳</sup>

د) انتظار نصرت الهی و عذاب برای کافران، ای رسول به منکران  
گو دانای غیب خداست شما کافران منتظر عذاب باشید ما هم  
منتظر نصرت الهی هستیم.

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا  
إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ.<sup>۴</sup>

ه) عهد و پیمان، یکی دیگر از کارکردهای انتظار در قرآن عهد و

۱- انعام، ۱۸۵.

۲- هود، ۱۲۱ و ۱۲۲.

۳- یونس، ۲۰.

۴- یونس، ۱۰۲.



پیمان است که مردان الهی و مومنین وفادار به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند کاملاً وفا دارند، برخی وفا کردند و برخی منتظر هستند و ایستادگی می‌کنند تا زمان وفای به عهد برسد.

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا<sup>۱</sup>

در جمع بندی می‌توانیم بگوییم انتظار در قرآن به دو صورت صادق و کاذب مطرح شده است.

**الف) انتظار صادق**، صبح صادق که می‌گویند چون به دنبال آن روز و خورشید و سپیده دم است و روشنایی همه جا را فرا می‌گیرد. انتظار انسانهای مؤمن هم اینگونه است، هم شیرین و هم لذت بخش است؛ مثل عطش صادق است. گاهی انسان بر اثر خوردن شیرینی تشنه می‌شود که این تشنگی کاذب است و لذت چندانی ندارد، گاهی بر اثر گرما و خستگی عطشان است از این رو عطش صادق است و نوشیدن آب برایش لذت بخش و گوارا.

مومنین در انتظار وعده‌های الهی هستند و این وعده‌ها همه صادق می‌باشند، چه اینکه خداوند به وعده‌هایش عمل می‌کند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَ...»<sup>۲</sup>

**ب) انتظار کاذب**، مثل صبح کاذب که دنباله شب و ظلمت است، منافقین و کفار هم انتظارشان به دنبال ظلمت و تاریکی جهل و کفر است، آنها خیال می‌کنند عالم حساب و کتاب ندارد، به تعبیر قرآن: «إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا»<sup>۳</sup> امید به حساب ندارند، می‌گویند عالم بر حسب اتفاق آفریده شد و ما را طبیعت و روزگار می‌پروراند و

۲-سوره بقره، ۸۰، سوره آل عمران، ۹.

۱-سوره احزاب، ۲۳.

۳-سوره نبا، ۲۷.



زنده می‌کند و می‌میراند؛ از طبیعت بی‌شعور، موجودات باشعور خلق شده است عذاب و وعیدی در کار نیست.<sup>۱</sup>

در برخی آیات انتظار می‌کشند که پیامبر و جبهه حق پیروز نشوند یا اوضاع عوض گردد و به نفع آنها باشد، این انتظار کاذب را خداوند در غالب آیات با وعید صادق همراه می‌کند. تا کفار بدانند در ادامه این پندارهای غلط و وعده‌های دروغین که برای خود ساخته‌اند وعیدهایی صادق وجود دارد که همه آنها بدان گرفتار می‌شوند.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.<sup>۲</sup>

و برخی از اعراب مردمی منافقند که مخارج جهاد در راه دین را ضرر و زیان خود می‌پندارند و برای مسلمین مترصد حوادث ناگوار هستند، آن‌گاه عواقب و حوادث بد بر آنها خواهد بود و خداوند شتورا و از نیات آنها آگاه است.

چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن بسر می‌بریم، انتظار آمدن مسافر از سفر، انتظار بازگشت دوست خوب و پدر یا مادر و برادر، انتظار فرارسیدن فصل برداشت و محصول، انتظار فرارسیدن رحمت الهی و انتظار فرارسیدن وعده و وعید خداوند. انتظار آمدن یک مصلح جهانی که هر یک دارای جنبه‌ها و ابعاد مختلف است.

انتظار گاهی منفی و گاهی مثبت. گاهی صادق و گاهی کاذب می‌باشد. یکی از وعده‌های قرآن که همه عالم در انتظار آن هستند، وعده انقلاب اصلاحگرانه و جهانی مصلح حق، امام زمان علیه السلام است

۱- «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ...» سوره جاثیه، ۲۴.

۲- توبه، ۹۸.

که با آمدنش دین حق بر همه مکاتب و ادیان تفوق و برتری می یابد و حاکم بر همه عالم می شود. و همه مشرکان و کافران خوار و ذلیل می گردند. که فرمود:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.<sup>۱</sup>

«اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاده تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری یابد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.»

تحقق این وعده و آیات مشابه و مرادف در حکومت جهانی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است (انشالله).

مولوی و حافظ هم زیبا به تشریح فراق پرداخته اند:

«ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست

گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست»

\*\*\*

شب دراز بیه امید صبح بیدارم مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم

### مهدی موعود در آیات قرآنی

قسمتی از آیاتی که در روایات اهل بیت عصمت و طهارت تاویل به ظهور

قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام زمان (عج) شده است. ذیلاً بیان می کنیم:

۱ - ﴿وَلَيُنَّ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابُ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾<sup>۲</sup>

از امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که در تاویل این آیه شریفه فرمود: امة

معدودة، اصحاب قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که سیصد و سیزده نفر می باشند.<sup>۳</sup>

۲- سوره هود، آیه ۱۰.

۱- توبه، ۳۳.

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:  
خداوند اصحاب قائم ما را در یک لحظه مانند ابرهای پراکنده  
فصل پاییز جمع کند.

۲ - ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«ایام الله، سه روز است، روز قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، روز  
رجعت، روز قیامت.»<sup>۲</sup>

۳ - ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾<sup>۳</sup>

«یعنی در زبور (حضرت داود پیغمبر صلی الله علیه و آله) بعد از کتاب آسمانی سابق

نوشتیم که زمین را بندگان صالح به ارث می‌برند.»

و اینان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و یاران آن حضرت می‌باشند.<sup>۴</sup>

۴ - ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾<sup>۵</sup>

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«این آیه متعلق به آل محمد صلی الله علیه و آله است؛ یعنی دوازده امام و

شخص حضرت مهدی موعود علیه السلام و یاران او که خداوند آنان

را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب

گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند

۱- سوره ابراهیم، آیه ۵، المیزان. ۲- المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶.

۳- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴- المیزان، ج ۱۴، ص ۵۰۲، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۴، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶. (به

قل از المیزان) ۵- سوره حج، آیه ۴۱.



و آنچه‌ان عالم در آسایش به سر برد که اثر ظلم در جایی دیده نشود.<sup>۱</sup>

۵ - ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمَضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود:

«این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، به خدا قسم

«مضطر» اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند».<sup>۲</sup>

۶ - ﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾<sup>۳</sup>

روایت شده که مقصود ساعت قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.<sup>۴</sup>

۷ - ﴿مُذَاهِمَاتَانِ﴾<sup>۵</sup>

یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام روایت نموده که در تفسیر این

آیه فرمود:

«در دولت امام زمان علیه السلام راه میان مکه و مدینه با درخت خرما

اتصال یابد».

۸ - ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ

الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۶</sup>

این آیه نیز درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است.

ابو بصیر می‌گوید: از امام رضا علیه السلام از آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ...﴾ سوال کردم، فرمود:

«هنوز موقع تاویل این آیه نرسیده است، گفتم: قربانت کردم

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۶۱۳.

۳- سوره قمر، آیه ۱. ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۵- سوره الرحمن، آیه ۶۳. ۶- سوره صف، آیه ۹.



کی موقع آن فرا می رسد؟ فرمود: ان شاء الله هنگامی که قائم قیام کند.<sup>۱</sup>

۹ - ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۲</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس اقرار به ظهور امام زمان علیه السلام کند ایمان به غیب آورده است.»<sup>۳</sup>

۱۰ - ﴿إِذْ عَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>۴</sup>.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند زمین را با ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله زنده می گرداند،

از آن پس که با کفر اهلش مرده باشد.»

۱۱ - ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أَيِّمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیغمبرند که خداوند

حضرت مهدی علیه السلام آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و

دشمنانشان را ذلیل گرداند.»<sup>۵</sup>

۱۲ - ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۶</sup>

«یعنی حق آمد و باطل از میان رفت، زیرا باطل رفتنی است.»

امام باقر علیه السلام فرمود:

«چون قائم ما ظهور کند دولت باطل از میان می رود.»

۱- المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

۲- سوره بقره، آیه ۱.

۳- سوره حدید، آیه ۱۷.

۴- المیزان، ج ۱، ص ۵۶.

۵- المیزان، ج ۱۶، ص ۲۰. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۶- سوره اسراء، آیه ۸۳.

۱۳ - ﴿لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾<sup>۱</sup>.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که منظور وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام است.

### انتظار مهدی علیه السلام در روایات سنی و شیعه،

همه فرقی اسلامی شیعه و سنی بدون استثناء در انتظار قیام مرد بزرگ و آسمانی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام مهدی علیه السلام هستند، رهبری که به سوی هدف و برنامه وسیع انقلابی هدایت شده و به همین دلیل قادر به هدایت و رهبری دیگران است. حتی وهابیت هم به این مسأله پرداختند و پذیرفته‌اند که این اتفاق خواهد افتاد. تا جایی که وهابیت در مرکز (رابطة العالم الاسلامی) در مکه بیانیه‌ای صادر کردند که دلیل بر پذیرش و حقانیت این مسأله است.

در این بیانیه پاسخ به سؤال شخصی که درباره امام مهدی علیه السلام از این مرکز سؤال کرده بود. این رساله جواب داده که نام و لقب او مهدی علیه السلام است و محل ظهور او مکه می‌باشد به هنگام ظهور، عالم را پر از عدل و داد می‌کند و او از آخرین خلفاء راشدین است.

بعد هم نقل می‌کند که بسیاری از صحابه این روایت‌ها را آورده‌اند و نام بیست نفر از صحابه که احادیث مهدوی علیه السلام را نوشته‌اند نقل می‌کند. همچنین علمائی که بعدها کتب مخصوص در این باره نوشته‌اند نقل می‌نماید.<sup>۲</sup>

برخی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتب مخصوصی تألیف کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- سوره شوری، آیه ۶۳.

۲- به نقل از حکومت جهانی مهدی (عج) آیه الله مکارم حفظ الله، ص ۱۴۶.



ابونعیم اصفهانی (اخبار المهدی)، ابن هجره‌یثمی (القول مختصر فی علامات المهدی منتظر)، ابوعباس، بن عبدالمؤمن المغربی (الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون).

\* ابن هجر در کتاب (صواعق المحرقة) از ابوالحسن امری می‌گوید:

«اخبار متواتر و فراوانی از پیامبر ﷺ نقل شده که سرانجام مهدی ظهور خواهد کرد و از اهل بیت پیامبر ﷺ است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.»<sup>۱</sup>

\* ابن خلدون که یکی از مخالفان بحث مهدویت ﷺ است. اشتهاً احادیث را نزد علماء نتواسته انکار کند و گفته است: مشهور در میان تمام مسلمانان در تمام اعصار و قرون این بوده و هست که در آخرالزمان مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ ظهور می‌کند که آئین اسلام را تأیید می‌نماید و عدالت را آشکار می‌کند و در حالی که مسلمین پیروز او هستند.<sup>۲</sup>

\* از خوارزمی (موفق بن احمد الحنفی) نقل شده است: وقتی پیامبر ﷺ به آسمان عروج کرد در شب اسراء فرمود، دیدم که مهدی ﷺ در وسط ذریه‌ام مثل کوکب درّی نشسته است.<sup>۳</sup>

«... قال: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي اللَّهَ ذُرِّيَّتِي وَالْمَهْدِيَّ (عج) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِّي.»

\* ابی داوود در سنن خود آورده است که:

«قال رسول الله ﷺ: يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ كَاسِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ.»<sup>۴</sup>

۱- صواعق ص ۹۹، به نقل از حکومت جهانی و المهدی سید صدر(ره).

۱- ابن خلدون به نقل از حکومت جهانی. و سیره پیشوایان.

۱- تاریخ المقتل الحسين، خوارزمی.

۱- سنن ابی داوود، به نقل از گفتمان مهدویت، شماره اول و دوم، مشابه حدیث در



«فرمود مردی از فرزندانم که هم نام و هم کنیه من است قیام می‌کند و زمین را پر از عدل می‌کند چنانچه از جور و ستم پر شده است.»

\* حُمیدی کتابی دارد به اسم جمع بین الصحاح (که برای روایات صحاح سند جمع کرده است) روایات مشابه را آورده است؛ از جمله: «قال رسول الله ﷺ لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي (أَوْ مِنِّي) يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا...»<sup>۱</sup>

«اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند که مردی از اهل بیت من بیاید و عالم را پر از عدل و داد کند...»

روایات مهدی (عج) در کتب اهل تسنن به قدری زیاد است که برخی در این باب کتب جداگانه نوشته‌اند. مرحوم سید صدرالدین صدر (ره) کتابی به نام (المهدی) نوشته که فقط روایات مربوط به حضرت را از منابع غیر شیعی آورده است، آیات مربوط به حضرت، سنت پیامبر ﷺ، خطب علوی علیه السلام، شجره نامه حضرت، ولادت آن حضرت و اخبار غیبت و علامات ظهور و انتظار آن بزرگوار و... در این کتاب جمع آوری شده است.

### مهدی (عج) در احادیث شیعه

از آنجا که در بین اهل سنت حدود صد سال احادیث و حدیث

الارشاد شیخ مفید آمده، ج ۲، ص ۳۲۴.

۱- جمع بین الصحاح به نقل از گفتمان (اول و دوم)، الارشاد، شیخ مفید، محمد بن، محمد بن نعمان، ج ۲، ص ۲۲۴ تصحیح رسولی محلاتی.



نویسی ممنوع بود و فقط بر قرآن تکیه می‌کردند از این رو ممکن است در مسأله مهدویت احادیث، وضوح و روشنی لازم را نداشته باشد؛ اما در احادیث شیعه اثناعشری که هیچ دوره فترتی<sup>۱</sup> در حدیث نویسی نداشته و با معصوم علیه السلام همیشه در ارتباط بوده، احادیث و مطالب از دقت لازم و روشنی کافی برخوردار است. لذا به تمام زوایا و ابعاد وجودی آن حضرت تا حد امکان اشاره کرده‌اند و کتب زیادی در این زمینه نوشته‌اند.

شیعه مسأله مهدویت را جز اصول می‌داند (امامت)، لذا بسیار دقیق به آن پرداخته است و آن را از ضروریات دین می‌داند. در بین احادیث شیعه به صورت مفصل از زمان قبل از تولد تا تولد و بعد از آن دوران نواب خاص و عام (غیبت کبری و صغری) و علامات ظهور، ظهور حضرت و حکومت واحد جهانی ایشان و خصوصیات بارز آن و دوران رجعت و ده‌ها مسأله دیگر به تفصیل روایاتی نقل شده و مورد بحث و بررسی علماء و دانشمندان شیعه قرار گرفته است که امروز هم به صورت یک مسأله جهانی مطرح شده است.

آنچه از مجموع روایات شیعه برمی‌آید به قرار ذیل است:

(الف) حضرت از خاندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) است.

(ب) از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

(ج) دوازدهمین رهبر راستین شیعه است.

(د) فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

(ه) ایشان متولد شده و زنده می‌باشند و در غیبت به سر می‌برند.

(و) منتظر امر الهی هستند.

(ز) حکومت او جهانی است.

(ح) دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

(ط) مستضعفان از قید و زنجیر استعمار نجات می‌یابند و مستکبران ذلیل و خوار می‌شوند.

(ی) جنگ‌ها برچیده و صلح حاکم می‌شود.

(ک) زمین آباد می‌شود و معبد و پرستشگاه خدای یکتا می‌شود و مشرک و کافر پیدا نمی‌شود.

(ل) امنیت و رفاه عمومی بر همه جا سایه می‌افکند.

(ن) ۳۱۳ نفر هم به عنوان حاکمان و والیان حضرت هستند.

در پایان این بخش به ذکر یک حدیث از امام باقر علیه السلام اکتفا می‌کنیم:

... و أمّا شبهة من جدّه المصطفى صلی الله علیه و آله فخروجه بالسيف و قتلته اعداء

الله و اعداء رسوله صلی الله علیه و آله و الجبارین و الطواغیت و انّه ینصر بالسيف والرعب و انّه تُردّ له رایة. ۱

«... اما شبهات او به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، قیام او به شمشیر و

کشتن دشمنان خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و جباران و طاغوت‌هاست. آن

حضرت با شمشیر و ترس در دل دشمن پیروز می‌شود و هیچ پرچمی

(سیاهی) از او رد نمی‌شود مگر شکست می‌خورد...»

# فصل سوم

فضیلت و فلسفه انتظار

و انتظار در آینه

دعا و نیایش



## فضیلت انتظار

انتظار تا آنجا اهمیت دارد که بلندترین تعبیرات از ائمه علیهم السلام در این باره رسیده که حاکی از بزرگی امر و عظمت مسأله انتظار است در احادیث مختلفی فضیلت انتظار را اینگونه برشمرده‌اند:

۱. افضل اعمال؛ (با فضیلت‌ترین عمل)
۲. أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند)

۳. مثل کسی که در را خدا، در خون خود غلطیده؛

۴. مثل کسی که در خیمه حضرت در خدمت آن جناب باشد.

امام صادق علیه السلام در این باره چنین فرموده‌اند:

الْمُنْتَظِرُ لَأَمْرِنَا كَالْمَسْحُوطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

«کسی که در انتظار امر ماست مثل کسی است که در راه

خداوند در خون خود غلطیده است.»

مرحوم صدوق در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.»<sup>۲</sup>

«با فضیلت‌ترین اعمال امت من انتظار فرج از جانب خداوند

است.»

## فلسفه انتظار

گاهی سوال می شود، چرا باید امامی زنده و حاضر باشد؛ ولی بین او و شیعیانش جدایی افتاده باشد. یا بهتر بگوییم چرا او از نظرها غائب است؛ با اینکه فلسفه وجودی او رساندن انسانها به کمال واقعی آنهاست؛ البته سوال خوب و به جایی است و توقع خوبی به نظر می رسد؛ اما اگر به سابقه آباء و اجداد این بزرگوار نگاهی کوتاه بیندازیم تا حدودی حق می دهیم که آخرین وصی پیامبر ﷺ و ذخیره الهی در نقاب غیبت بسر ببرد، تا جامعه به صورت واقعی آماده پذیرش وجود ذی جود حضرتش بشود.

خداوند حکیم هر کاری که در نظام هستی می نماید دارای مصالح و منافی است که در نهایت به سود همه انسانهاست؛ چرا که در ساحت قدس زیوی هیچ فقر و نیازی وجود ندارد. او غنی مطلق و بی نیاز از جمیع جهات است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ  
الْحَمِيدُ.»<sup>۱</sup>

بهترین جوابی که می توان به این مسأله داد حدیثی است که مرحوم صدوق در علل الشرایع از عبدالله بن فضل الهاشمی نقل کرده:

«سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِرَّسَالَةِ اللَّهِ فِي غَيْبَةِ  
الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مَبْطُلٍ فَقُلْتُ لَهُ: وَلِمَ جَعَلْتُ  
فِدَاكَ؟ قَالَ لَمْ يُؤْذَنَ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ، قُلْتُ فَمَا وَجْهُ  
الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَةِ؟ فَقَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَةِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي

۱- سوره فاطر، ۱۵. «ای مردم همه شما فقیر و محتاج خداوند هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است.»

غیبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره، ان وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف الا بعد ظهوره كما لا ينكشف وجه الحكمة لما آتاه الخضر عليه السلام من خرق السفينة و قتل الغلام واقامة الجدار لموسى عليه السلام الا وقت افتراقهما يا ابن الفضل ان هذا الامر من امر الله وسر من سر الله و غيب من غيب الله ومتى علمنا انه عزوجل حكيم صدقنا بان افعاله كلها حكمة وان كان وجهها غير منكشف لنا»<sup>۱</sup>

در این روایت مفصل، وجود مقدس امام صادق عليه السلام نکات قابل توجهی را به عبدالله بن فضل هاشمی که ذیلاً بیان می شود:

(الف) غیبت حضرت جز مسائل حتمی نظام هستی است و امتحان بزرگ الهی می باشد.

(ب) در این غیبت افراد غیر صالح و منکر و شکاک معلوم می شوند.

(ج) برخی از جهات مهم امر غیبت را ائمه عليهم السلام اجازه نداشته اند بازگو کنند.

(د) در ادامه روایت فرموده اند که مشابه این امر اتفاق افتاده است. در داستان حضرت موسی و خضر عليه السلام که در قرآن مفصل بیان شده است. حضرت موسی از کارهای حضرت خضر در شگفت شد و اسرار آن افعال معلوم نشد، مگر بعد از کشف آن مسائل در وقت جدایی آن دو پیامبر بزرگ.<sup>۲</sup> (مثل سربریدن کودک توسط حضرت خضر، سوراخ کردن کشتی، و ساختن دیوار خرابه).

۱- علل الشرایع.

۲- داستان حضرت خضر و موسی در سوره مبارکه کهف آیات (۶۵ تا ۸۲) نقل شده است.

ه) حکمت اصلی غیبت بعد از ظهور آن حضرت کشف می شود.  
و) غیبت امری از امور الهی و سرّ و غیبی از اسرار خداوند جل و اعلی است.

ز) خداوند حکیم هر کاری کند بر اساس حکمت خواهد بود، گرچه وجه کارهای او معلوم نباشد.

ح) خداوند بنا ندارد اسرار همه کارها را معلوم کند.

این حدیث طولانی شاید تا حدودی برخی اسرار امر غیبت را ظاهر کرد؛ اما اگر همه اسرار آشکار می شد. انتظار، خواص و آثار خود را از دست می داد. در فصل آثار انتظار به بخش های زیادی از این امر پرداخته شده است؛ ولی در این مقام استناد می کنیم به کلام بلنداستاد العرفاء و سلطان العلماء خواجه نصیرالدین طوسی (رحمة الله علیه) در تجرید الاعتقاد که درباره فلسفه غیبت فرمود:

وَجُودُ الْإِمَامِ لَطْفٌ وَتَصَرُّفُهُ لَطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مَنَاءٌ.

«وجود امام علیه السلام لطف الهی است و تصرف او در عالم هم

لطف دیگر است؛ ولی غیبت آن جناب و عدم تصرف او از

ناحیه ماست و به آن وجود مقدس بر نمی گردد.»<sup>۱</sup>

## انتظار در اعماق سرشت آدمی و ناموس خلقت

در تار و پود خلقت آدمی سروش غیبی وجود دارد که دم به دم از انتظار نوید می دهد. این سروش از دوراه گوش جانها را نوازش می دهد.

### الف) از راه عاطفه و فطرت

آدمی همواره به نیکی و دانایی و زیبایی عشق می ورزد و ایمان به

۱- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح و تعلیقه حضرت علامه حسن زاده  
آملی حفظه الله مقصد پنجم، بحث امامت، ص ۴۹۰.



ظهور مصلح حق و عدالت جزء مهم این عشق ورزیدن است. چه اینکه بدون آن ظهور این عشق‌ها به ناکامی می‌گراید و محکوم می‌شود. عشق به تکامل مشعل جاودانی است که تمام تار و پود آدمی را در بر گرفته و برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند. این علاقه و عشق اصیل است و انتظار ظهور مصلح جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است. چگونه ممکن است این عشق باشد ولی انتظاری نباشد؟

اگر به دقت در اعضاء پیکر آدمی بنگریم؛ تمام اعضاء و جوارح آدمی به تکامل او کمک می‌کند و عضوی در بدن نیست که نقشی در این حرکت نداشته باشد. خصائص روانی و روحی آدمی هم اینگونه است و هر کدام نقشی مؤثر در تکامل و اوج انسانیت ما دارند.

«ترس» در انسان سپری است در برابر خطرات، «خشم» وسیله دفاع در هنگام خطر حمله است و قدرت را افزایش می‌دهد. «عشق» به ولایت و صلح هم وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزله موتور نیرومندی است که چرخه‌های وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی و او را برای رسیدن به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک می‌کند.

### ب) از راه عقل

آنچه عقل سلیم می‌فهمد این است بالاخره باید در وراء این همه مشکلات، روزگاری بر انسان بگذرد که آدمی در کمال صلح و آسایش و آرامش زندگی کند و خداوند را با اخلاص عبادت نماید. مجموعه نظام عالم یک واحد به هم پیوسته است و وجود آدمی از آن جدا نیست. اگر ما تشنه می‌شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که آبی وجود دارد که دستگاه آفرینش، تشنگی آن را در وجود ما قرار

داده است، علاقه به زیبایی و دانایی دلیل بر وجود آنهاست. انتظار انسانها بی دلیل نیست و نقطه اوجی دارد که همان ظهور حجت حق و ولی مطلق خداوند است؛ یعنی وجود مبارک حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

عمومیت این مسأله در مذاهب آسمانی و غیر آسمانی خود دلیل دیگری بر این مدعی است. لذا فطری و عقلی بودن آن بخوبی قابل فهم است و این نغمه در جان انسانها همواره سروده می شود.

انتظار ظهور آن حضرت، انتظار همه خوبیهاست. اوست که شجره نیکی، پاکی، عدالت، حق، دوستی و مهربانی را در جان انسانها غرس می کند. چه کسی است که در عالم از رفاه و بی نیازی عافیت و تندرستی و تکامل اخلاقی و مساوات و برابری ناراحت باشد؟ همه در انتظار این مسائل هستند و تمام این مسائل در ظهور آن تندیس عدالت و حق و پاکی تنیده شده است. محافظ این مهم را چه زیبا به غزل کرده:

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد

ترا در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند

کسی به حسن و ملاحهت به یار ما نرسد

به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز

به یار یک جهت حق گزار ما نرسد

هزار نقش بر آید ز کلک صنوع و یکی

به دلپذیری نقش نگار ما نرسد

هزار نقد به بازار کائنات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

دریغ قافله عمر کانچنان رفتند

که گردشان به هوای دیار ما نرسد

دلا به رنج حسودان مرنج و واثق باش

که بد به خاطر امیدوار ما نرسد

چنان پزی که اگر خاک ره شوی کسرا

غبار خاطری از رهگذار ما نرسد

بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه او

به سمع پادشه کامکار ما نرسد

### انتظار در دعا و نیایش

از آنجا که ادعیه و زیارات وارده از انوار مقدس معصومین علیهم السلام به منزله مکتب همگانی است؛ یعنی دانشگاهی است که تمام شیعیان با هر تفاوت سنی و فرهنگی و... که دارند در آن تربیت می شوند، اصول معارف حقه و زیربنای عقائد اسلامی ناب در همین دانشگاه سیّار تدریس می شود. گر چه به صورت دعا و زیارت است؛ اما در واقع درس و تربیت است. به وسیله این ادعیه و زیارات ما در کنار مشاهده مشرفه و عتبات مقدسه می ایستیم و عقاید خود را اظهار می کنیم، آنقدر این معارف تکرار و اظهار می شوند، تا با جان کسی که دعا می خواند یا زیارت می رود یکی گردد.

یکی از مهمترین دروس تربیتی ائمه علیهم السلام در دعا و زیارت وعده های مکرر ظهور دولت حق و حکومت جهانی خاندان نبوت توسط امام عصر (ارواحنا فداه) است، که با شگرد دعا و زیارت، ائمه علیهم السلام زمینه ساز ظهور آن وجود مبارک بوده اند. در زیارت مبارک عاشورا در دو مورد از حضرت نام برده و با صفات منصور، مهدی یا

هادی، ناطق و ظاهر، زائر و خواننده را تعلیم می دهد که باید در انتظار حکومت حقه آن جناب بود و از خداوند طلب می کند که توفیق همکاری و هم رکابی در ساحت مقدس آن حضرت را به او عنایت فرماید. درباره امام حسین علیه السلام و خونخواهی آن حضرت که یکی از برنامه های رسمی امام زمان علیه السلام است می فرماید:

«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»<sup>۱</sup>

«از خداوند درخواست می کنم که مقام تو را گرامی و به وسیله تو نیز مقام مرا گرامی داشت، اینکه روزی من کند خونخواهی تو را (امام حسین علیه السلام) در رکاب امام پیروزمند از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله»

و در پایان زیارت هم چنین عرضه می دارد:

«وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هَدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup>

«و از خداوند درخواست می کنم خونخواهی تو را در رکاب امام مهدی علیه السلام و راهنمای ظاهر و گویای بحق از خاندان شما.»

در دعا و زیارت سراسر نور جامعه کبیره که به حق جامع معارف الهیه و اخلاق پسندیده است، ظهور دولت حقه آن حضرت را گوشزد می نماید، به طور مستقیم از انتظار دولت عدل آن جناب سخن رانده است. در فرازی از دعا زائر با اشک دیده و قلبی پر از شوق و محبت و



دلی لبریز از عشق چنین می گوید:

مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ  
مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ.

«اعتراف بشما دارم و مؤمن به بازگشت شما هستم و رجعت شما مورد تصدیق من است. منتظر امر شما (ظهور قائم) و تشکیل حکومت شما هستم.»<sup>۱</sup>

در زیارت مبارک آل یاسین که از بهترین زیارات مربوط به حضرت است فرازهای نوید بخشی بچشم می خورد. مطلع این زیارت با شروع سلام و تحیت به آن حضرت و مظاهرش حالات گوناگون آن بزرگوار را برمی شمرد و در برخی اوصاف و شمائل آن جناب می فرماید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ  
الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعَفْوُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا  
غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

«سلام بر تو ای وعده ضمانت شده خدا، سلام و درود بر تو باد، ای پرچم افراشته و دانش ریزان و دادرس و رحمت واسعه حق و وعده ای که هرگز دروغ نشود.»

این عبارت تحقق وعده ظهور و دلگرمی برای منتظران را نوید می دهد، چه زیباست این انتظار که پایانی شیرین و خوش آیند دارد، آنجا که در این فرازهای زیارت به بهترین فراز آن می رسیم که سلام بر آرزوی همه خلائق می نمائیم. آری اوست آرزوی همه انسانها و همه مخلوقات الهی!

از غم دوست در این میکده فریاد کشم

دادرسی نیست که از هجر رخس داد کشم

سالها می‌گذرد، حادثه‌ها می‌آید

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ»<sup>۲</sup>

اما در دعای ندبه به صورت مبسوط به مسأله مهدویت عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌نگرد، انسان از طریق ندبه و اشک ریختن به بلای اولیاء، آمادگی بهره‌مندی از بلائی آنها را در خود ایجاد می‌کند. در بخشهای میانی و آخر دعای شریف ندبه در صدد جهت دادن به آن مصیبت زدگی است که با پدید آوردن روحیه‌ی انتظار، انسان را به سوی این بهره‌گیری از مصائب سوق می‌دهد و توجه او را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) جلب می‌کند. که این توجه در سه مرحله و با لحن‌های متفاوت در دعا آمده است.

**الف)** با لفظ «أَيْنَ» در مرحله اول به جست و جوی آن حضرت که تنها امید اولیاء برای جمع کردن بساط طاغوت است می‌پردازد، در این جست‌وجو غالباً هدفهای حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ دنبال می‌شود:

«أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقُطْعِ

دَابِرِ الظَّلْمَةِ...»

**ب)** در مرحله دوم با حرف (ياء نداء) به طلب شخصیت خود آن حضرت پرداخته و با خطاب مستقیم به آن حضرت توجه پیدا می‌کند. این مرحله کمی از مرحله قبل بالاتر است، چون ناشی از احساس حضور در محضر آن حضرت است. در این فرازها از اوصاف

۱- دیوان امام (ره)، ص ۱۵۴.

۲- سلام بر تو ای مقدمی که آرزوی همگانی!



شخصی آن جناب سخن رانده است. و کاملاً آن وجود مقدس را معرفی می‌کند.

«يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقْرِبِينَ يَا بَنَ...»

ج) در مرحله پایانی نجواها شروع می‌شود، با عقده‌های دل و سخن‌های برگرفته از سریر قلب سعی در گفت‌وگوی تنگاتنگ با دلدار و معشوق خود را دارد. این نجوا از حد لقلقه زبان فراتر رفته و آن وجود نازنین را حس می‌کند و در وجود او تجلی می‌نماید. اینجاست که انسان سر به شیدایی می‌گذارد و دیوانه وار به دنبال آن حضرت نشان از کوی خراباتش می‌گیرد.

«لَيْتَ شِعْرِي أَيَّنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوَى...»

این دعا در صدد هدایت مصیبت زدگی انسانی که مبتلا به بلای ولی خدا شده بر می‌آید و عزاداری او را با روشن کردن چراغ انتظار در وجودش هدفمند می‌نماید. این انتظار همان درخواست کمال نهایی برای جامعه بشری است؛ البته به همین مقدار هم اکتفا نمی‌کند؛ بلکه بعد از گذراندن مراتب سه‌گانه انتظار در فراز چهارم پس از درخواست و دعا برای درک دولت حقیقی ولی خدا بر روی زمین، خواننده را به سوی تقاضای وصال ابدی و اخروی نیز راهنمایی می‌فرماید، این چیزی جز یک فلسفه تاریخ توحیدی بر مبنای معارف ملکوتی اهل بیت علیهم‌السلام نیست که در قالب دعا از جانب آن انوار مقدس وارد شده است.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى.»

«خدایا! تنها تویی برطرف کننده گرفتاری‌ها و سختی.»

«وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا  
ظَلَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>

## انتظار یعنی سعادت و خوشبختی

امام عصر (عج) تجلی رحمت واسعه حق است، باید نموده‌ها و جلوهای محبت و مهر او را به همه‌ی انسانها به ویژه دوستداران آن امام نشان داد. بررسی این نمونه‌ها در شرایط امروز و برای انسان خسته‌ی معاصر از اهمیت مضاعفی برخوردار است. باید بیشتر از مهر آن حضرت گفت‌نه از قهر او!

امام، مظهر اسماء حسناى الهى و تجلى رحمت واسع حق است، او تربیت شده خداوند رحمان است.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّحْمَةُ الْوَّاسِعَةُ»

در وسعت سینه او دریاها هم به چشم نمی‌آیند. کران تا کران عشق به همه انسانها موج می‌زند. اوست پدری مهربان، همدمی مشفق و همراهی خیرخواه.

«الْأَمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالْوَلَدُ الشَّفِيقُ وَالْإِخُ الشَّقِيقُ، وَكَالَامِ

الْبُرِّهِ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ مَفْرَعِ الْعِبَادِ.»<sup>۲</sup>

در حجم نگاه سبز او افق هم رنگ می‌بازد و سبزینه‌ها به حرکت در می‌آیند. اوست شاهد همه دردها و آلام انسانها، دلش بیدار است که همراه هر تازیانه و قطره خون و اشک و هر فریاد حضور دارد و درد و رنج مرا از من بهتر و بیش‌تر احساس می‌کند و برایم بیش از خودم می‌سوزد، چرا که معرفت و محبت من محدود و غریزی است؟ در

۱- فصلنامه انتظار، ش ۱، مروری بر دعای ندبه، سید مهدی میر باقری.

۲- تحف العقول، ص ۳۲۴.



حالی که معرفت او، حضوری و محبت او به وسعت وجودی اوست، اوست که تجلی رحمت حق است.

او در شمشیر و خون و جنگ خلاصه نمی شود که آن جلوه از وجودش در برابر کسانی است که ظلم و فساد را اشاعه می دهند و با دین حق مقابله می نمایند. او فریادرس عاشقان و بیچارگان است، اوست که فقیران را دستگیری می کند، بی خانمان ها را سامان، بی کسان را همدم، بی همسران را همراه، غافلان را تذکر، گم گشتگان را راه، دردمندان را دواء و در یک کلام خاک نشینان عالم را تاک نشین خواهد کرد.

قهر او نیز جلوه ای از مهر اوست! چه اینکه قهر او بر جماعتی اندک و ناچیز از معاندان و طاغیان و یاغیان است که علی رغم رشد فکری انسانها در آن عصر و معجزات عدیده و نزول عیسی مسیح علیه السلام، باز هم گمراهی را برمی گزینند؛ آنان که عدالت به نفعشان نیست، آنها که با فساد خو گرفته و حاضر به اصلاح نیستند، کسانی که با انسانیت دشمنند، جز زبان زور نمی شناسند، این خاها را از سر راه بر می دارد. آری! قهر او در کمال مهر و محبت است.

دل او جلوه گاه عشق به انسانهاست. دریای بی کران وجودش متلاطم از هدایت، عدالت، محبت و دوستی است. از هر حرکتی که می کند امواجی از مهربانی و شفقت بر همگان فرود می آید، او امیر و سردار و ساریان مهر است.

### انتظار مدینه فاضله

چرا در انتظار نباشیم؟ در حالی که ما خواهان فضیلت و کمالیم، اوست امیر و سپه سالار فضیلت و کمال. اوست که با نفس قدسیش

احیاگر هر جنبنده‌ایست. او به همه حیات می‌دهد. انسانها را از زیر خروارها جهل و نادانی و ماده و ماده پرستی بیرون می‌کشد، و به معنویت و حیات طیبه<sup>۱</sup> می‌رساند. پس چرا نگوئیم و نخوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ.

خدایا ما به سوی تو مایل هستیم در دولت کریمه امام عصر (عج).

چشم انداز آینده ما دولت آفتاب است، حکومت کریمانه و زندگی عادلانه و عاشقانه و پرستش واقع گرایانه! آنان که در انتظارند خود و دیگران را آماده چنین دولتی می‌کنند. رغبت و میل دارند که به این دولت برسند. این رغبت و شور کاروان انتظاری به راه می‌اندازد تا در سیر زمان پذیرای ظهور و حضور آن غایب از نظر باشد و جاده دوستی و حب خدا را هموار کند.

این شهر و حکومت و دولت دارای شناخته‌هایی است:

۱. تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَاهْلَهُ، اسلَام و مسلمین در سایه آن دولت کریمه به عزت و اقتدار می‌رسند که «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ.»
۲. وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ اهْلَهُ، نفاق می‌میرد و اهل آن سرنگون می‌شود. رنگ می‌بازد و قالب تهی می‌کند و تازیانه ذلت بر آنها فرود می‌آید.

۳. وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، گروهی هستند که کار رسمی آنها دعوت به توحید و طاعت حق است. (و پذیرش مدیریت الهی او، دعوت و وادار خود آن مردم به تمکین این سروری و مدیریت،) دعوت می‌کنند و به راه می‌اندازد، هم فوران

۱- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، سوره نحل، ۹۷.



است و هم جریان است.

۴. و تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ<sup>۱</sup>، رسیدن به کرامت دنیا و آخرت در سایه این رحمت واسع و دولت طالع و...

چه چیزی برای انسان بالاتر از کرامت انسانی است. انسان با عزت نفس و کرامت زنده است. کسانی که کرامت ندارند و عزت نفس آنها شکسته شده، مردگان متحرکی هستند که سالها از دنیا رفته‌اند؛ اما انسان عزت یافته و به کرامت رسیده، منشاء هر کمال و پویایی است. کس نیست که افتاده آن زلف دوتا نیست

در رهگذر کیست که دامی زیلا نیست؟

چون چشم تو دل می برد از گوشه نشینان

دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست<sup>۲</sup>

### لطيفة داوديه عليه السلام

حضرت داود عليه السلام در حال عبور از بیابان مورچه‌ای را دید که مرتب کارش این است که از تپه‌ای خاک برمی دارد و جای دیگر می ریزد، از خداوند خواست که از راز این کار آگاه شود...، مورچه به سخن آمد و گفت: معشوقی دارم که شرط وصل خود را آوردن تمام خاک‌های آن تپه در این محل قرار داده است! حضرت فرمود، با این چثه کوچک، تو تا کی می توانی خاک‌های این تل بزرگ را به محل مورد نظر منتقل کنی؟ آیا عمر تو کفایت می کند؟!

مورچه گفت: همه اینها را می دانم؛ ولی خوشم اگر در این راه

۱- دعای افتتاح ماه رمضان، مفاتیح، ص ۲۹۷.

۲- دیوان حافظ.

بمیرم به عشق محبوب مرده‌ام! <sup>۱</sup>

در اینجا حضرت داود علیه السلام منقلب شد و فهمید این جریان درسی برای اوست و این مورچه هادی و معلم! آیا جا ندارد با همه وجود در انتظار حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه) باشیم و حال انتظار را با مشیت حق همراه کنیم؟! علاوه که برخی از افراد صالح آنها که عاشقان صادق بوده‌اند اگر بمیرند زنده می‌شوند، چه اینکه در عهدنامه آن حضرت اشاره رفته است:

اللَّهُمَّ إِنَّ خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا  
مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا  
قِنَاتِي مَلْبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْخَاضِرِ وَالْبَادِي <sup>۲</sup>

«در خواست می‌کنیم: خدایا! اگر بین من و معشوقم مرگ حائل شد، مرگی که برای همه حتمی است، مرا از قبرم بیرون آور در حالی که کفن بر کمر بسته‌ام، شمشیر برهنه نموده و نیزه را افراشته‌ام و لبیک گویان آن دعوت‌کننده شهرها و بادیه‌ها را یاری می‌کنم.»

جناب شیخ رجبعلی خیاط آن نگار مکتب نرفته و عارف دل سوخته گوید:

دیدم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در حین دفن جوانی او را در آغوش گرفته <sup>۳</sup> پرسیدم! این جوان حرفش چه بود؟ گفتند: این شعر: منتظران را به لب آمد نفس ای شه خوبان تو به فریاد رس

۱- کیمیای محبت، زندگی شیخ رجبعلی خیاط.

۲- عهد نامه، مفاتیح.

۳- در عالم مکاشفه دیده است (حالتی است بین خواب و بیداری که به اولیاء الهی دست می‌دهد و بسیار لذت بخش و شورانگیز است).

## انتظار در کلمات بزرگان

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است؟

گفتا: تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟

گفتا: نشان چه پرسی آن کوی بی نشان است

\* علامه مجلسی (ره) در شرح اصول کافی در ذیل برخی احادیث باب غیبت می گوید:

در زمان غیبت در انتظار فرج باشید و آن دور کردن هم و غم است بظهور امام علیه السلام زیرا وقتی معین نکرده است، در هر وقتی از اوقات، ظهور او احتمال می رود، از رحمت خدا نومیست نباشید و برای تعجیل فرج دعا کنید و در هر زمانی به انتظار آن باشید؛ زیرا شایع است که همه زمانها را با این تعبیر (هر صبح و شام) ادا می کنند و ممکن است مراد از فرج، لقاء خدا یا ظهور حجت باشد.<sup>۱</sup>

\* مرحوم سید بن طاووس به فرزندش چنین سفارش می کند:

«... پس در پیروی و وفاداری نسبت به آن حضرت به گونه ای باش که خداوند و رسول او و پدران آن حضرت و خود او از تو می خواهند. حوائج آن بزرگوار را بر خواسته های خود مقدم بدار، هنگامی که نماز حاجت را به جای می آوری صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار بده.»<sup>۲</sup>

\* مرحوم صدر المتألهین در شرح اصول کافی نکات مهمی در باب مهدویت (عج) دارند؛ ایشان چنین می گویند:

**الف)** انسان معصوم علت پیدایش خلقت و عامل تداوم آن است و

۱- اصول کافی، شرح حاج شیخ محمد باقر کمری.

۲- مکیال المکارم، سید محمد تقی اصفهانی، ص ۲۹۷، ج ۲.



روزی عدالت جهانی را خواهد دید.

(ب) لزوم وجود حجت معصوم در کنار قرآن متمم اتمام حجت است.

(ج) از آثار وجودی آن بزرگوار هدایت و راهنمایی نسل آدمی به ثقلین است.

(د) شروع و ختم عالم با آن ذوات مقدس است برابر زیارت شریفه جامعه «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ».

(ه) قرار و سکون زمین با امام حی و حجة بالغه است.

(و) او دارای حیات جسمانی است و فی الحال همه چیز قائم به اوست، لقب قائم هم به این معناست که هرگز پیر و کهنسال نمی شود و از کار افتاده نیست. تغییرات جهانی عارض او نمی گردد و موت و هلاکت ندارد.

(ح) امر ظهور قطعی و حتمی است و روایات متواتر است.

(ط) امام شاهد بر همه چیز است.

(ی) آبادانی کامل زمین با ظهور اوست.

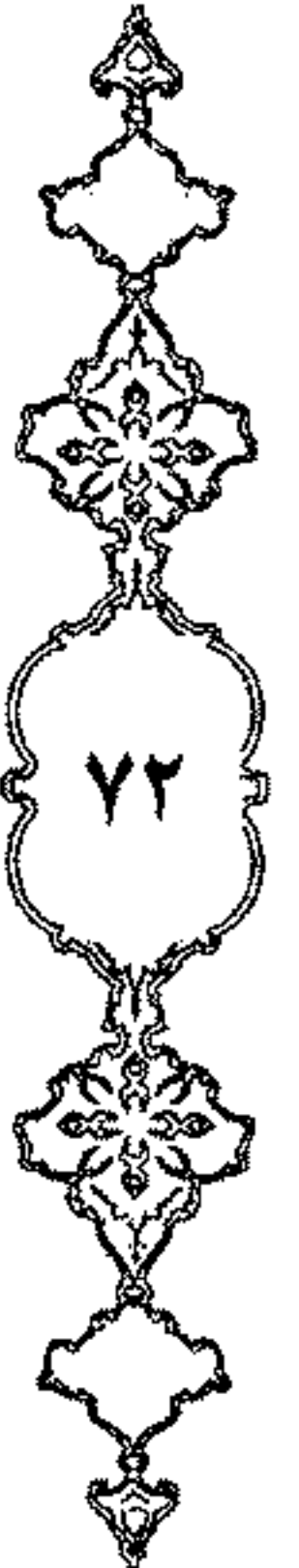
(ک) عدم ضرورت ظاهر بودن ولی حق.

(ل) رشد و پیشرفت سریع علوم از علائم مهم ظهور است.<sup>۱</sup>

\* سید صدرالدین صدر در کتاب المهدی (عج) روایت ینابیع را نقل می کند که در فضیلت انتظار آمده (افضلُ العِبَادَةِ انتِظَارُ الفَرَجِ) چنین می فرماید:

«الانتظارُ هو تَرَقُّبُ حصولِ الامرِ المنتظرِ وتحققه ولا یخفی ما

یترتب علی انتظار ظهور المهدی علیه السلام من الامور الصلاحية



الراجعة الى كل انسان فضلاً على الهيئة الاجتماعية سيّما  
الشيعة الامامية.»

«انتظار امیدواری به حصول و تحقق امر منتظر است و مخفی  
نمی ماند که انتظار تحقق ظهور مهدی علیه السلام از امور اصلاحیه ای  
است که به بشر و جوامع بشری برمی گردد علاوه بر شیعه  
امامیه.»

ظهور آن جناب آنقدر گستره اش بالا و والا است که افزون بر شیعه  
بشریت به برکت آن اصلاح می شوند، بلندای هدف انتظار، انقلابی  
است که بر قامت همه بشریت پوشیده خواهد شد. در ادامه مرحوم  
صدر به برخی از آثار انتظار اشاره می کند که ذیلاً متذکر می شویم:  
۱. ریاضت نفس از آثار مهم انتظار است که لازمه آن بسط فکری و  
توجه کامل به این مسأله است که دو نتیجه دارد:

- الف) تقویت قوه تفکر که باعث تضایف<sup>۱</sup> اعمال می شود.
- ب) انسان را حول محور واحدی هدایت می کند و این از اهم  
مسائلی است که یک شخص در معاد و معاش خود لازم دارد.<sup>۲</sup>
۲. آسان شدن مصائب و نوائب و تخفیف پیامدهای آنها.
۳. از لوازم حتمی انتظار ایجاد محبت است و محبت بر محور  
معرفت است و بعد از آن معرفت خدا و شوق وصل است و این باعث  
اصلاح نفس و تهذیب آن می گردد تا منتظر قابل مصاحبت شود.
۴. علاوه بر اینکه اصلاح نفس خود می شود، باعث اصلاح نفوس  
دیگران نیز می گردد؛ بنابراین مقدمات ظهور جهت غلبه حضرت بر

۱- بالا رفتن ضریب اعمال صالحه.

۲- چرا که اگر در حول یک محور محکم و مطمئن نباشد به سرگردانی مبتلا خواهد شد.

دشمنان مهیا می گردید.

۵. ایمان به غیب.

۶. ایجاد محبت برای اقامه عدل و حق و اجرای احکام الهی.

۷. رسیدن هر انسان به حد نصاب از ظرفیت.

۸. راستی ولایت و مودت اهل بیت علیهم السلام.

### \* انتظار در کلام امام خمینی (رضوان الله علیه)

(الف) ایشان فرمودند: در هر عصری انسان کاملی هست که واسطه

فیض و عنایت خداوند است و در زمان ما حضرت بقیة الله (عج)

چنانچه در تفسیر سوره عصر آمده است متصدی این مهم است. مراد

از عصر انسان کامل است که عصاره همه عالم می باشد.

(ب) وجود امام لازم و ضروری است برای هدایت و ارشاد و

تصرف در قلوب.

(ج) اعمال ما خدمت انسان کامل عرضه می شود.

(د) کسب رضایت حضرت از اهم واجبات است.

(ه) کشور ایران کشور صاحب الامر (عج) است.

(و) لزوم حکومت اسلامی در دوران غیبت کبری.

(ز) انقلاب اسلامی زمینه ساز و هموار کننده ی جاده حکومت

جهانی حضرت است.

(ح) مهیا شدن و لزوم حرکت اصلاحی برای ظهور مقدس حضرت.

(ط) از بین رفتن جور و ظلم و شروع اصلاحات حضرت مهدی

موعود (عج).

(ی) انتظار یعنی مقابله با ظلم (نهی از منکر و امر به معروف مرحله

نازله انتظار است).

ک) انتظار واقعی، ضد اباحه گری، بی تفاوتی و انزواست.

ل) روایات خلاف انتظار حق و واقعی مطرود است و ضرب بر جدار باید کرد، چون مخالف قرآن است.

باز فرمودند: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه جهانیان و مسلمانان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان پیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه استکبار و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است امید بخش آینده روشن است و وعده خداوند متعال را نزدیک و نزدیکتر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه ای آمال محرومان و حکومت مستضعفان.<sup>۱</sup> [انشاء الله]

### \* انتظار در آینه کلام مقام معظم رهبری (دام عزه)

ایشان در چند جمله کوتاه اینگونه فرمودند:

«برای تحقق ظهور امام زمان علیه السلام وجود ظلم و جور شرط کافی نیست وجود انسانهای صالح، انگیزه های قوی، ایمانهای راسخ، گام های استوار و نیز دل های روشن لازم و ضروری است.»

در جای دیگر فرمودند:

منتظران صاحب الزمان علیه السلام به منور شدن چشم انداز زندگی بشر و پایان دوران ظلم و تجاوز امید دارند و جنایت و ستم و تزویر

سردمداران، استکبار جهانی نمی تواند نور امید را از دل های آنان خاموش کند، منتظران حضرت حجت تردیدی ندارند که روزگار ظلم و طغیان و تجاوز سرانجام به پایان خواهد رسید و قدرت قاهره حق همه قله های فساد و تعدی را از بین خواهد برد.

اما ما اعتقاد داریم که با ظهور مهدی موعود (عج) اندیشه و عقول بشری از همیشه خلاق تر خواهد شد، ملتها با یکدیگر نمی جنگند. از دستهای جنگ افروز اثری نخواهد بود و صلح و امثیت کامل در مقیاس جهانی آن به وجود خواهد آمد و ما برای چنین دورانی باید تلاش کنیم، تا جهان روز به روز به این عصر آرمانی نزدیک تر شود. نظام و ملت مسلمان ایران برای حاکمیت اسلام و نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور موعود اولین گام را برداشته و این حقیقت روشن که جمهوری اسلامی ایران به توفیقات بزرگی در زمینه های مختلف دست یافته همیشه برای دشمنان اسلام دردآور بوده و ما این موفقیتها را از جمله معجزات اسلام می دانیم.<sup>۱</sup>



# فصل چهارم

## سیمای منتظران

## سیمیای منتظران حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه)

\* یکی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط گوید، روزی در خدمت او بودیم و درباره فرج مولا امام زمان (عج) سخن می گفتیم و از خصوصیات منتظر حرف می زدیم، ایشان فرمودند:

«پینه دوزی در شهر ری به نام امامعلی، ترک زبان، عیال و اولاد نداشت مسکن او هم ظاهراً در دکان او بود، حالات فوق العاده ای داشت، خواسته ای جز فرج آقا در وجودش نبود، وصیت کرد بعد از مرگ، او را در پای کوی بی بی شهربانو در حوالی شهر ری دفن کنند. هر وقت به قبر ایشان نظر می کردم می دیدم امام زمان علیه السلام آنجا است.»<sup>۱</sup>

آری! این گونه اند منتظران واقعی لحظه ای نیست که غافل از یاد روی آن محبوب سفر کرده باشند.

در این فصل به طور خلاصه به تشریح چهره منتظران واقعی می پردازیم، تا با ترسیم سیمیای ملکوتی آنها خود را تا حد ممکن به ایشان نزدیک کنیم.

\* مهمترین و بالاترین نشانه منتظر معرفت به حق امام خویش است. آری! همان عنصری که عدم پی بردن به واقعیت آن یازده امام از اجداد آن بزرگوار را به مسلخ غفلت و جهل برد.

اگر ما بخواهیم حقیقت انتظار را درک کنیم باید بدانیم و بفهمیم وجود امام به چه درد می خورد، او را برای چه می خواهیم؟ ضرورت وجود او در چیست؟! تا نسبت به این مسأله تشنه نشویم به حقیقت آن دسترسی پیدا نخواهیم کرد. باید عطش انتظار را بعد از شناخت آن محبوب در دلها ایجاد کرد، یا به تعبیر زیبای خود معصومین علیهم السلام باید افتقار<sup>۱</sup> و اضطرار ایجاد نمائیم، اگر این حاصل شود همه به دنبال آن وجود مبارک خواهند رفت.

آب کم جو تشنگی آور بدست      تا بجوشد آبت از بالا و پست

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»

شناخت حضرت آن قدر اهمیت دارد که مرگ بدون شناخت آن جناب مرگ جاهلی است، حتی اگر زنده هم باشد او مرده است؛ به قول پیر خرابات شیراز باید نمرده به او نماز کرد: هر که در این حلقه نیست زنده به عشق

بر او نمرده به فتوای من نماز کنید<sup>۲</sup>

عَمْرٍو بْنِ أَبَانَ گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود تو نشانه را (امام) بشتناس چون او را شناختی به تو زیان ندارد که این امر (ظهور) پیش افتد یا پس افتد؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید:

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ<sup>۳</sup> روزی که بخوانیم هر کسی را به امام و پیشوای آنها؛ پس فرمود: هر که امامش را شناخت، چون کسی است که در میان چادر امام منتظر باشد.<sup>۴</sup>

\*منتظر اهل ورع و تقوا است. اهل مراقبه و حضور نفس است،

۱- افتقار - احساس فقر و نیاز. ۲- دیوان حافظ (ره).

۳- اسراء آیه ۷۱.

۴- اصول کافی، باب، انه من عرف امامه لم يضره...، ح ۷.

دائماً احوال خود را بررسی می‌کند. دائماً خود را به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام عرضه می‌کند که از چهارچوب تقوا خارج نشود.

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ اصْحَابِ الْقَائِمِ فَيَنْتَظِرُ وَيَعْمَلُ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ.<sup>۱</sup>

ورع و تقوا نشانه بارز منتظران واقعی است. منتظر تقوا را رعایت می‌کند؛ چون منتظر امام متقیان و پاکی‌هاست. از هر زاویه به منتظر می‌نگری تقوا و پاکی را در او می‌یابی.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ...<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید به نحو شایسته».

\* منتظر در حال انتظار دائمی است، یاد منتظر از دل او لحظه‌ای بیرون نیست. او مقتدایش را لحظه‌ای فراموش نمی‌کند. و انتظار را عبادت می‌داند؛ چرا که محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

«قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.»<sup>۳</sup>

\* ویژگی دیگر منتظر حسن خلق است. او دارای محاسن اخلاق، صفات پسندیده و کرامت نفس است؛ چون حُسن خلق بهترین فعل و صفت اخلاقی است. محبوب او حضرت ولی الله (عج) فرزند پیامبری است که قرآن می‌فرماید: خلق عظیم است.

«أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ.»<sup>۴</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۸، باب ۴؛ مستدرک، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

۲- آل عمران، ۱۰۲.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، (حضرت علی عليه السلام فرمود: محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عزوجل انتشار فرج است.)

۴- سوره قلم، آیه ۴ «ای پیامبر! دارای خلق بزرگی هستی».

من ندیدم در جهان جستجو هیچ اهلیت به از خلق نکو  
 \* منتظر، هرگز مأیوس نمی‌شود. نور امید در دل‌های آنان می‌درخشد  
 و منتظران را برای زندگی مطلوب امیدوار می‌کند. آنکه چشم به راه  
 آینده است، باید دل خود را با سم ناامیدی و یأس مسموم نسازد و  
 همواره نوید الهی را در آینه قلب خود بتاباند که فرمودند:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

«چشم به راه فرج باشید و از کارگشائی و رحمت الهی نومید  
 نباشید.»

\* منتظر، صبور و مقاوم است. منتظر از صحنه مشکلات نمی‌گریزد.  
 پایداری و مقاومت می‌کند. همه چیز برای او عبادت است. او از  
 عبادت خسته نمی‌شود.

«إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ.»<sup>۲</sup>

انتظار فرج به وسیله صبر عبادت است.»

\* منتظر، خود را برای اطاعت از امام خویش آماده می‌کند، تمرین  
 اطاعت و پیروی دارد. با شنیدن نام مبارک او برپای خود می‌ایستد.  
 روزی در محضر امام صادق علیه السلام نام حضرت مهدی علیه السلام برده شد آن  
 حضرت از جای برخاستند و تعظیم و احترام نمودند.

روایت است که دعبل خزاعی روزی در محضر امام رضا علیه السلام انشاء  
 قصیده کردند، وقتی به آن بیت رسیدند که نام حضرت صاحب (عج)  
 را برده بود،<sup>۳</sup> امام رضا علیه السلام بر پا ایستاد و سر خود را خم کرد و دست بر  
 سر گذاشت و عرضه داشت:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳، باب ۲۲؛ ج ۱۰، ص ۹۴، باب ۷.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۵۲، باب ۲۰؛ وسائل ج ۱۹، ص ۷۵، وجوب اداء امانه...

۳- قسمتی از شعر دعبل خزاعی، ص ۱۲۶ آمده است.



اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ انصِرْنَا بِهِ نصراً عزيزاً.<sup>۱</sup>

«خداوندا! فرج او را برسان و در راه فرج او گشایش ایجاد کن و ما را به وسیله او نصرت ده.»

\* منتظران جزء اولیاء خداوند است که ترس و واهمه‌ای در دل ندارند. اندوه آنها فقط برای بی سرپرستی است.

«قال الصادق عليه السلام: طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره...»

اولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.<sup>۲</sup>

\* بزرگترین غم منتظران هجران و دوری یار است. این ویژگی بسیار زیبا در دعای شریف ندبه تشریح شده است، آنجا که زمزمه می‌کند: «بسیار سخت است بر من که خلاق را می‌بینم ولی از رؤیت خورشید رؤیت محروم و صدایی - از تو به گوشم نمی‌رسد، بر من سخت است که تو تنها گرفتار باشی، و بلاء تو را احاطه کند و ناله من و شکایتم به تو نرسد...».

«عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى.»<sup>۳</sup>

\* منتظر غرق انتظار است. در مقام فنای انتظار چونان کسی است که در راه خدا در خون خویش غلطان است و دست و پا می‌زند.

«قال الصادق عليه السلام: الْمُنتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»<sup>۴</sup>

۱- منتهی الامال شیخ عباس قمی (ره).

۲- نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۸۱. «خوشا به حال شیعیان قائم ما، آنان که منتظر ظهورش هستند آنان اولیاء خداوند هستند که در دل خود هیچ ترس و حزنی ندارند.» [جزء غرغه

معنویت و عدالت] ۳- دعای ندبه، مفاتیح.

۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵.

«منتظر امر ما مثل کسی است که در خون خود در راه خداوند غلطیده است.»

\* منتظر هیچ گاه محبوب خویش را از یاد نمی برد، با دعا کردن و صدقه دادن، ارادت خود را به آن جناب نشان می دهد. او برای ایجاد انس و الفت برای حضرتش دست به دعا و نیایش برمی دارد و برای تعجیل در فرجش و غلبه و ظفر او بر ملحدین و منافقین و کافرین دعا می کند، او به مدد دعای فرج، دعای سلامتی، دعای صاحب الامر، زیارت آل یاسین و... حضور حضرت را در دل زنده می دارد. منتظر به تمام حالات دلبر آسمانی خود سلام و درود می فرستد. عرض ارادت می نماید، آنجا که می گوید:

السلامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقُومُ، السلامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَسْتَعِدُّ، السلامُ عَلَیْكَ...!

\* منتظر به جهت حفظ ایمان و دین از راه های شبهه افکنی شیاطین و بدکاران به درگاه خداوند تبارک و تعالی تضرع و مسألت دارد. زراره نقل می کند:

که امام صادق علیه السلام فرمود: برای قائم (عج) غیبتی است پیش از آن که خارج شود، تا فرمود منتظر جز آنکه از خداوند خواهد نگهداری قلوب شیعه از این امتحان بزرگ، پس در این زمان به شک می افتند مبطلون. زراره عرضه کرد فدایت شوم اگر درک کردم آن زمان را، کدام عمل را انجام دهم فرمود ای زراره بخوان دعای... اللهم عَرَّفْنِی نَفْسِکَ...<sup>۲</sup> «خدایا امام را به من بشناسان».

۱- زیارت آل یاسین. «یعنی، سلام بر تو زمانی که می ایستی، سلام بر تو زمانی که می نشینی و...».

۲- دعای زمان غیبت امام عصر (ارواحما فداه)، مفاتیح.



\* منتظر هنگام شداید و بلایا و امراض و رو آوردن شبهات و فتنه‌ها از اطراف و جوانب، استغاثه و استمداد می‌کند؛ زیرا آن حضرت بر حسب قدرت الهیه و علوم ربانیّه بر حال هر کس در هر جا دانا و بر اجابت آن توانا و فیوضاتش عام و فراگیر است؛ اعمال انسانها بر حضرت عرضه و باعث شادی و حزن آن جناب می‌گردد.

پیامبر ﷺ به ابو الوفای شیرازی فرمود:

«چون درمانده و گرفتار شدی، استغاثه کن به حضرت حجت (عج) که او ترا دریابد و او فریادرس است و پناه هر کس که به او استغاثه کند.»

\* منتظر مشغول خودسازی و تزکیه نفس است، که از اصول اساسی و بینادین منتظران است. در غیبت نعمانی از کشاف حقایق امام ناطق و صادق علیه السلام وارد شده که فرمود:

هر کس تمایل دارد که از یاران و اصحاب قائم (عج) ما باشد باید در انتظار فرج بوده، پرهیزگاری را برگزیند. به اخلاق نیک آراسته شود و در همان حال در انتظار قائم ما به سر برد.

\* منتظر نه تنها خود را اصلاح می‌کند؛ بلکه در پی اصلاح جامعه نیز می‌باشد، با امر به معروف و نهی از منکر، تربیت انسانها، را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد. همان کاری که همه انبیاء و اولیاء الهی در پی آن به مبارزه و مجاهده می‌پرداختند. او نه تنها در فساد جامعه و مرداب انحراف و زشتی‌ها فرو نمی‌رود؛ بلکه می‌کوشد مرداب‌های معصیت و گناه را از جامعه پاک سازد، تا شیاطین جن و انس در آن لانه نکنند.

آنان اگر چه در اقلیت هستند، ولی یأس را در بوستان وجود خویش راه نمی دهند؛ چرا که می دانند یأس بزرگترین گناه است. آن‌ها با امید اصلاح نهائی خود و جامعه را در جاده اصلاح قرار می دهند و با تغییر وضع فاسد، نقطه عطفی در زندگی خود و جامعه ایجاد می کنند، و امید بهترین عامل حرکت آنان است.

وعدة وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد

او به وعده خداوند خویش ایمان دارد که فرمود:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

«خداوند به آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام

می دهند وعده داده که آنها را حاکم بر زمین کند و...»<sup>۱</sup>

\* عاشقان منتظر دارایی آمادگی های گوناگون است:

الف) آمادگی فکری، به درک فکری از خویش مسلح می شود، تا قدر

خویش را شناسی، نمی دانی کجا بروی و دنبال چه کسی باشی.

«كفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» این معیار قدرشناسی لباس

خوبی به قامت انسان می پوشاند و شیعه بودن را با اهداف بلند و

آرمانهای شدنی، انسانیت انسان را تأمین می کند. در ادامه زیارت آل

یاسین می خوانیم:... دلم را از نور یقین پرساز و سینه ام را از نور ایمان

و اندیشه ام را از نور نیت های خیر...

وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ...<sup>۲</sup>

ب) آمادگی روحی، منتظر در دعای (اللهم عرفنی نفسک) شناخت

خداوند و پیامبر و امام را می خواهد برای آمادگی فکری و بعد ثبات

قدم را طلب می‌کند، تا ظرفیت روح به حد لازم نصاب برسد، چنانچه از امام باقر علیه السلام سوال شد فرج شما کی محقق می‌شود؟ فرمود: هیئات! فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید، باز هم غربال شوید، تا کدورت‌ها از بین برود و صفا و صافی بماند. اینها از راه قدرشناسی، تقوا، ذکر و شهادت و ارتباط و پیوند با خداوند و اهل بیت علیهم السلام ایجاد می‌شود.

حافظ اگر قدم زنی بر در خاندان به صدق

بدرقه رهت شود همت شهنة<sup>۱</sup> نجف

«وَأَنْ يَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صَدَقَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»<sup>۲</sup>

(ج) آمادگی عملی، در مرحله عمل منتظر عامل به فرامین کتاب و سنت است. بدون دستور حرکت نمی‌کند، دنیای ضابطه است از کتاب برنامه می‌جوید و با معیارها و میزان آن راه اعتدال را می‌یابد تا هم در حوزه درون و هم بیرون عدالت را حاکم سازد؛ تاندای آسمانی قرآن تحقق پیدا کند و فلسفه بعثت‌ها به وجود آید. او در هر مرحله مسئول است، تا از افراط و تفریط برحذر باشد، عمل او جهت و هدف مشخص دارد.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»<sup>۳</sup>

آمادگی منتظر حداقل هم دارد. او حداقل سعی می‌کند با تراشیدن

۱- شهنة، نگهبان، نگهدارنده. ۲- زیارت عاشورا، مفاتیح.

۳- سوره حدید، آیه ۲۵، همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات، به سوی خلق فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند. (این آیه یکی از مهمترین فلسفه‌های بعثت انبیاء را عدالت و قسط معرفی می‌کند).



یک تیر<sup>۱</sup> خود را آماده سازد چه این که امام صادق علیه السلام فرمود:  
 «لَيُعَدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ.»<sup>۲</sup>

«منتظر خود را آماده می‌کند ولو با تراشیدن یک تیر و خداوند از نیت او آگاه است.»

د) منتظر برنامه دارد، طرح و نقشه آماده کرده است، برنامه‌ای براساس هدف، هدفی مقدس و ریز، کردن طرح در قالب برنامه و در جهت هدف و حرکت با آگاهی و فقاہت با عناصری محوری چون، صبر، ایمان، معرفت، تفقه و تزکیه.

تزکیه در سه حوزه برنامه اصلی منتظر است:

الف) تزکیه عقائد، هر عقیده فاسد را از خود دور سازد و درون را پاک سازد.

ب) تزکیه نفس، نفس را از هر ذیله اخلاقی پاک کند. امراض روحی و صفات پلید را محو نماید.

ج) تزکیه عمل، انجام واجبات و ترک محرمات را در دستور کار خود قرار دهد.

\* منتظر «أُولُوا بِقِيَّةٍ» است، عالم منتظر دلش لبریز از معرفت خداست، در دعای حضرت می‌خوانیم:

«وَأَمْلَأْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ» دلی که اهل معرفت و دانایی باشد به آنها عنایت کن، دلی که اهل دین فروشی و باند بازی است به جایی راه ندارد. این کلام قرآن در سخن علوی علیه السلام هم آمده است که فرمود:

۱- ذکر تیر در روایت شاید به عنوان مثال باشد.

۲- بحار، ج ۵۳، ص ۳۵۸.

«الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ» هر عالمی ماندگار نیست، صاحب بقاء نیست، عالم با عمل، انسان‌های بی عمل مردگان متحرکند.<sup>۱</sup>

## دیدگاه‌ها و نظرات انتظار

\* انتظار بر اساس زاویه دید و سطوح فکری افراد تقسیم می‌شود، برخی از یک تفکر کوتاه مدت و زود هنگام از انتظار سخن می‌گویند که به بن بست انکار و تکذیب می‌رسند؛ مثلاً با این لحن سخن می‌گویند که: آینده چه نتیجه‌ای برای امروز ما دارد، فردا خوب یا بد خواهد آمد، امروز را باید دریافت که در گرفتاری و مشکلات دست و پا می‌زنیم. اگر خوب به آنها و سخنانشان توجه کنیم درمی‌یابیم که در جهان بینی خود مشکل دارند. آن‌ها عالم را مرکب از واحدهای راکنده و سیستم‌های جدای از هم فرض می‌کنند و برای امروز هیچ اثر و تأثیری از گذشته و آینده قائل نیستند و این تفکر حق دارد که این نونه کوتاه انکارانه بیندیشد.

لذا خیلی از این کوتاه نظران گفته‌اند: انتظار به آینده‌ی روشن، بازگرد مسأله اجتماعی را کند کرده و از رونق می‌اندازد، یا گفته‌اند: بن اعتقاد ناشی از محرومیت‌های طبقه شکست خورده است که الباً در شکل مذهب خودنمایی می‌کند.

برخی هم نگاه سوء استفاده‌ای به مسأله دارند. انتظار را قبول دارند؛ اما می‌گویند ما خود باید زمینه فساد را فراهم کنیم. انحرافات بیشتر نمائیم، تا زودتر بستر ظهور منجی فراهم شود، امر به معروف

- این قسمتی که با علامت مشخص شده برگرفته از سخنرانی حکیم متاله حضرت آیه نه جوادى آملی است که در سالروز ولادت حضرت بقية الله در سال ۱۳۸۲ ایراد شده است.



و نهی از منکر را تعطیل کنیم، حرکات اصلاح طلبانه انجام ندهیم، تا هر روز قدمی به آن زمان بگذاریم و دستی از غیب برآید و جامعه را اصلاح کند. برداشت‌هایی که از انتظار دارند نوعاً جنبه منفی و مخرب دارد می‌گویند انتظار؛ یعنی:

«انزوا و گوشه نشینی، ذهن‌گرایی، مفهوم بازی، خاموشی و سکوت، تعطیلی مظاهر دینی، زمینه‌سازی برای فساد و انحراف، مساعدت در گسترش معاصی و گناه و...»

این برداشت‌های غلط و ناتمام از انتظار نتیجه را به انکار واقعیت و انکار حقیقت مهدویت کشانده و حتی عده‌ای با وفور احادیث مهدویت به انکار و تکذیب آن حکم کرده‌اند. ابن‌خلدون در مقدمه تاریخ خود احادیث مهدوی (عج) را به کلی انکار کرده و مارگلی یوت از محققان غربی این گونه حکم کرده احادیث مهدوی (عج) را هر گونه تفسیر کنند، دلیل قانع‌کننده‌ای نخواهد بود و این فکر ناشی از شکست‌های درون‌گروهی و ناکامی‌های فرقه‌های مسلمانان از دست یابی به قدرت و... می‌باشد.

### نظریه علماء شیعة حقه اثنی عشری

\* اما اگر با نگاه منصفانه و دقیق به قضیه بنگریم نتیجه‌ای دیگر از این بحث عائد می‌شود، آن‌هایی که آینده را از حال و گذشته را از زمان خود قطع کرده‌اند. سخت در اشتباه هستند. همه ما قبول داریم که ریشه حوادث امروز در گذشته بوده و آینده را هم باید از امروز ساخت و این کلان سیستم هیچ لحظه‌ای جدایی از هم ندارد، چون سیستم بدن آدمی که یک واحد کلان است و هر جزئی در جز دیگر تأثیر می‌گذارد. تاریکی امروز و دشواری‌های آن ریشه در تفکرات و

اعمال گذشته بوده است و آینده را نیز نمی‌شود از امروز جدا ساخت.  
 \* ثانیاً، همهٔ مسائل را نمی‌شود با دید مادی توجیه کرد، بذر اصلی انتظار ظهور مصلح جهانی در اعماق وجود آدمی است، نه در شکست‌ها و ناکامی‌ها، انسان از دوراه عاطفه و خرد خود سرانجام در برابر چنین مسأله‌ای قرار می‌گیرد و سرورش این ظهور را با دو زبان فطرت و عقل می‌شنود، نظیر آنچه در باب مسأله معاد در وجود آدمی ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>

\* ثالثاً، انتظار یک حالت ذهنی صرف نیست. انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگرهبانی، چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن، و در اصطلاح در حقیقت، انتظار جنبهٔ اثباتی دارد، یعنی آمادگی و اقدام و عمل، چگونه می‌توان آماده نشد و مینه‌سازی نکرد در حالی که می‌خواهیم انتظار کسی را بکشیم که سی خواهد در سطحی وسیع به اصلاحات دست یازد؟ اگر من ظالم باشم، چگونه ممکن است که در انتظار کسی باشم که طعمه بمشیرش خون ستمگران است؟ اگر من ناپاک و آلوده‌ام چگونه منتظر کسی باشم که آتش قیامش اول دامان آلودگی‌ها را می‌گیرد؟

\* رابعاً، احادیث مهدوی (عج) آن قدر زیاد است و آن قدر مسترده نقل شده که جای هیچ شکی را برای انسان منصف و محقق گاه نمی‌گذارد. مگر این که از کنار این همه روایت بخواهیم چشم بسته عبور کنیم.

\* خامساً، چرا این انتظار را نتیجه شکست‌ها و ناکامی‌ها دانست؛ که باید گفت انکار این حقیقت مسلم و حتمی، به خاطر فرار از

تکلیف و مسئولیت از یک سو، آلوده شدن به گناه از سوی دیگر و بیماری روانی داشتن از سوی سوم است.

قرآن کریم در باب معاد وقتی سخن می‌گوید، می‌فرماید: علت این که برخی معاد را تکذیب می‌کنند، ریشه در روان بیمار آنها دارد، خواهش‌های نفسانی افراد آلوده و ستمگر است که اجازه قبول واقعیت و پذیرش آنها را نمی‌دهد. در سوره مبارکه مطففین چنین می‌فرماید:

«وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ \* الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ \*  
وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ \* إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ  
الْأُولَٰئِينَ.»<sup>۱</sup>

مضمون آیات به این شرح است که خداوند می‌فرماید وای بر احوال دروغگویان، کسانی که روز قیامت را تکذیب می‌کنند و نمی‌خواهند قیامت را قبول کنند و آن را انکار می‌نمایند، کسانی هستند که گرفتار بیماری درونی می‌باشند، افرادی گنهکار و ظلم پیشه که می‌خواهند برای ظلم کردن و گناه، همه موانع را از سر راه بردارند؛ لذا وقتی آیات ما بر آنها خوانده می‌شود می‌گویند افسانه‌های پیشینیان است. در ادامه می‌فرماید اینگونه نیست؛ بلکه قلوبشان از فرط گناه و ظلم زنگار گرفته است.<sup>۲</sup>

در مسأله مهدویت (عج) هم این تکذیب و این انکار و سوء استفاده ریشه در روانی مریض و ترسی پنهان و در برخی عدم آگاهی کامل از حقایق پیوسته عالم دارد.

اگر به خوبی حقیقت را دریابیم نه تنها انتظار را مخرب و مخدر

۱- سوره مطففین، ۱۰ و ۱۳.

۲- كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ و...»



نمی‌دانیم؛ بلکه آن را بسیار سازنده و مفید ارزیابی خواهیم نمود. در بحث‌های گذشته معلوم شد که انتظار از یک سو جنبه سلبی دارد (بیگانگی با وضع موجود) و از سویی دیگر جنبه ایجابی و اثباتی (خواهان وضع بهتر). اگر این دو در وجود آدمی و روح انسان رسوخ نماید، سرچشمه دور رشته اعمال دامنه دار خواهد شد. و آن دو دسته عبارت است از:

**الف) ترک هرگونه همکاری با فساد و عوامل آن و حتی مبارزه با آن‌ها (استراتژی دفاعی).**

**ب) خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های لازم، جسمی، روحی و مادی و معنوی برای تشکیل آن حکومت واحد جهانی و آن وضع مطلوب و مدینه فاضله (استراتژی تقابلی).**

و این است که گفته می‌شود انتظار عمل است و آن هم از بهترین اعمال، به این جهت است که منتظران در پی اصلاح هستند و منتظر مصلح واقعی می‌باشند و سعی در اصلاح خود و جامعه می‌نمایند. از اینجا می‌توانیم به ارزش کار انتظار پی برسیم و آن تشبیهات انتظار را به درستی معنا کنیم و بفهمیم که هر یک از آن تشبیهات به درجه‌ای از درجات منتظران اشاره دارد و برای ایجاد انگیزه و حرکت و شوق و عشق از معصوم علیه السلام صادر شده است.<sup>۱</sup>

۱. انتظار فرج از اعظم جلوه‌های فرج است.

امام سجاد فرمود: «انتظارُ الفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الفَرَجِ»<sup>۲</sup>

۲. هر کس از شما به این اعتقاد داشته باشد، در حالی که منتظر است، مانند کسی است که در خیمه آن حضرت با او بوده.

۱- کتاب حکومت جهانی آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله). بخش انتظار.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۵۸۸؛ بحار، ج ۳۶، ص ۳۸۶، باب ۴۴.

فرماندهی و...) نمی تواند یک فرد غافل و بی تفاوت و بی خبر باشد. آن خیمه جای هر کس نیست، جای افراد خود ساخته، پرتلاش، آگاه، آماده، ورزیده، بصیر و مطیع دین است.

### منتظر واقعی اینگونه است

آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در دانش، بردباری، تواضع، تقوی، سخاوت، کرم و شرح صدر، در زمان خود بی نظیر بود. معظم له پس از رحلت آیت الله حاج (سید محمد کاظم یزدی) صاحب کتاب شریف (هروءة الوثقی) مرجعیت شیعه را بر عهده گرفت. سال ۱۲۴۱ ق که همزمان با تأسیس حوزه علمی قم بود دولت عراق با تحریک دولت های استعمارگر بیگانه، عده ای از مراجع و دانشمندان عظیم الشان شیعه را که در رأس آنها آیت الله اصفهانی بود به تدریج به ایران تبعید نمود. علت تبعید هم این بود که دولت انگلیس می خواست امتیاز دورد مهم و حیاتی یعنی دجله و فرات را از آن خود کند و دولت عراق هم بنا داشت که به آنها واگذار نماید. این تصمیم به واکنش به موقع آیات عظام همراه شد، خصوصاً آیت الله اصفهانی اعتراض نمودند و برای آگاهی دادن و بیدار کردن مردم عراق به عنوان اعتراض از نجف اشرف به کربلا آمدند، لذا دولت عراق آنها را تبعید نموده و عظمت و محبت ایشان نزد مردم به اندازه ای بود که از عموم طبقات مردم گرفته تا تجار و کسبه و درباریان و اعضای وزارتخانه و به خصوص علمای و روحانیون آن زمان، استقبال باشکوهی از ایشان نمودند و از مرز خسروی (بین ایران و عراق) با عزت هرچه تمام تر به شهرهای قصر شیرین، کرمانشاه، همدان، ملایر، اراک تا قم وارد کرده و همراهی نمودند. هنگام

ورودشان به قم، شهر تعطیل شد و آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی<sup>۱</sup> و سایر علماء و روحانیون و عموم مردم تا چندین فرسنگ، استقبال شایانی را از ایشان نمودند. عظمت و هیبت ایشان آن چنان بود که شاه وقت، شخصاً برای دست بوسی و زیارت معظّم له به همراه جمعی از اعضای هیئت دولت و نمایندگان مجلس به محضر ایشان شرفیاب گردیده و اظهار علاقه و ارادت نمودند. و در مدت ۸ ماه اقامت در شهر مقدس قم، مردم از دور و نزدیک برای زیارت ایشان به خدمتشان مشرف می شدند. آیت الله حائری برای احترام به این میهمان گرامی درس و بحث خود را تعطیل و به ایشان واگذار نمود، ایشان نیز مطابق روال گذشته‌ی خود همین مدت کوتاه چند ماه را به بحث و تدریس پرداختند.<sup>۲</sup>

### آیت الله اصفهانی مورد توجه حضرت ابوالفضل علیه السلام

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رازی در کتاب گنجینه می نگارد:

عالم ربّانی و استاد اخلاق و عرفان ناب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مرحوم حاج شیخ محمود عتیق، معروف به حاج ملا آقا جان زنجانی<sup>۳</sup> برای من نقل کردند: پس از جنگ جهانی اول پیاده به قصد زیارت اماکن متبرکه به عراق سفر کردم. در شهر خانقین برای نماز به مسجد رفتم، مردی سفید پوست و بسیار فربه را دیدم مانند

۱- مؤسس حوزه‌ی علمیه قم.

۲- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، اسلامی‌هی تهران، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۲۱۶ و

ج ۳، ص ۸۱.

۳- شرح مختصری از حالات این عالم ربّانی در شماره ۶ مجله خورشید مکه آمده است.

شیعیان نماز می خوانند، تعجب کردم زیرا دانستم که اهل شمال روسیه است. صبر کردم تا اعمالش تمام شد. نزد او رفتم و سلام کردم. از محل زندگی و از دین و مذهب او پرسیدم. گفت: (من اهل لنینگراد هستم، در جنگ بین المللی افسر و فرمانده دو هزار نفر سرباز روسی بودم و مأموریت داشتم که کربلا را تسخیر نمایم، لذا در خارج شهر کربلا اردو زدم و انتظار می کشیدم تا دستور حمله به شهر کربلا برسد. شبی در عالم رؤیا شخص بزرگواری را دیدم که به زبان روسی با من صحبت کرد و گفت: «دولت روس در این جبهه شکست خواهد خورد و فردا این خبر منتشر شد و تمام سربازان روس که در عراق هستند، به دست اعراب کشته می شوند؛ حیف است که تو کشته شوی پیا مسلمان شو تا تو را نجات دهم».

گفتم: «شما کیستید که مانند شما را در اخلاق و زیبایی و شجاعت ندیده ام؟» فرمود: «من ابوالفضل العباس هستم، که مسلمانان به من سوگند می خورند». مجذوب و مرعوب بیانات او شدم و با تلقین آن بزرگوار اسلام آوردم. فرمود: «برخی از میان اردو بیرون برو». عرض کردم: «کجا بروم، جایی را بلد نیستم؟». فرمود: «در نزدیکی خیمه ی تو اسبی است، سوار شو، تو را به شهر پدرم نجف می برد. نزد وکیل ما سید ابوالحسن اصفهانی برو». گفتم: «من ده نفر سرباز مراقب دارم». فرمود: «آنها اکنون مست افتاده اند و متوجه تو نمی شوند». بعد از خواب بیدار شدم و خیمه ی خود را منور و معطر یافتم. با عجله لباس پوشیدم و بیرون آمدم، دیدم مراقبین من همگی مست افتاده اند. از میان آنها بیرون رفتم و دیدم اسبی آماده است، سوار شدم؛ آن اسب با سرعت رفت و پس از چند ساعت وارد شهر شد و از کوچه ها گذشت و بر درب خانه ای ایستاد. متحیر بودم که دیدم درب منزل باز شد و سید پیرمردی، نورانی بیرون آمد و شیخی همراهش بود که با

من به زبان روسی تعارف کرد و مرا به منزل برد، گفتم: «آقا کیست؟». گفتم: «همان کسی که حضرت عباس علیه السلام فرمود و سفارش تو را به او نمود. لذا مجدداً به دست آقا اسلام آوردم و آقا به آن شخص امر فرمود که تعلیمات احکام اسلام را به من یاد بدهد. روز بعد خبر شکست دولت بلشویک روس به گوش اعراب رسید. تمام سربازان روسی به دست عرب‌ها نابود و جز من کسی جان سالم به در نبرد». گفتم: «این جا (در خانیقین) چه می‌کنی؟»

گفتم: «هوای نجف گرم است. آیت الله اصفهانی تابستان مرا به این جا می‌فرستند که هوایش نسبتاً خنک است و در سایر اوقات با هزینه‌ای آیت الله در نجف زندگی می‌کنم.<sup>۱</sup>»

### تشرفات

آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی (ره) از بزرگان است که مورد توجه خاص مولا و سرور خویش حضرت بقیه الله الاعظم بوده است. ایشان مکرراً افتخار شرفیابی به محضر مقدس امام عصر علیه السلام را پیدا کرده است. برخی از این تشرفات، حکایت از عنایت ویژه امام عصر علیه السلام به ایشان و ارتباط عمیق این بزرگوار با امام و سرور خویش دارد؛ از جمله حکایت زیر که مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رازی رحمه الله آن را چنین نقل می‌فرمودند؛ علامه‌ی بزرگوار آیت الله آقای حاج سید حسن میرجهانی طباطبایی (قد سره) که تألیفات زیادی داشته و از اصحاب خاص آیت الله اصفهانی بوده‌اند برای من نقل کردند که یک نفر از علمای زیدی مذهب به نام سید بحر العلوم یمنی وجود مقدس امام عصر (عج) را انکار می‌کرد و با مراجع و



علمای آن زمان مکاتبه نموده و از آنها برای اثبات وجود و حیات حضرت دلیل می‌خواست. ایشان نیز از کتاب‌های روایی و تاریخی اهل تسنن و تشیع دلیل می‌آوردند؛ اما وی قانع نمی‌شد و می‌گفت: من هم این کتاب‌ها را دیده‌ام. تا این که برای مرحوم آیت الله اصفهانی نامه نوشت و جواب قاطعی خواست. سید در جواب نوشت: پاسخ شما را بایستی شفاهی بدهم. لذا شما به نجف اشرف بیایید.

بحر العلوم یمنی به همراه فرزندش سید ابراهیم و چند تن از مریدان خاصش به نجف مشرف شدند و همه‌ی علماء از جمله آیت الله اصفهانی به دیدن او آمدند.

وی گفت: «من به دعوت شما آمده‌ام، لذا جوابی را که وعده داده‌اید بفرمایید». فرمودند: «فردا شب به منزل من بیایید». شب بعد که به منزل آیت الله آمدند پس از صرف شام و رفتن میهمان‌ها و گذشتن نیمی از شب معظم له خدمتکار خود مشهدی حسین چراغدار را خواست و فرمود: «به سید بحر العلوم و فرزندش بگویید بیایند تا جایی برویم». من (مرحوم آیت الله میرجهانی) ایشان را تا درب منزل همراهی کردم، فرمود «شما نیایید!» و خودشان به اتفاق سید بحر العلوم و فرزندش رفتند.

روز بعد که سید ابراهیم، فرزند بحر العلوم را دیدم از جریان شب پرسیدم، گفت: «بحمد الله ما مستبصر و شیعه‌ی دوازده امامی شدیم». گفتم «چگونه؟»، گفت: «برای این که آقای اصفهانی حضرت ولی عصر (عج) امام زمان را به پدرم نشان داد». تفصیل آن را پرسیدم. فرمود: «ما وقتی از منزل بیرون آمدیم نمی‌دانستم کجا می‌رویم. تا

می دانستید که ما نه تنها برای ایشان ترویج نمی کردیم؛ بلکه در مجامع علمای و فضلاى درباره ایشان می گفتیم که ما از آیت الله اصفهانی آن قدر کمتر نیستیم که ترویج مرجعیت شان را بنمایم».

پدرم گفتار ایشان را تصدیق نموده و گفتند: «بله، شما چنین ادعایی می کردید، ولی در واقع به مراتب از ایشان کمتر بودید، حتی می توانم بگویم قابل مقایسه با ایشان نبودید». آیت الله اراکی گفتند: «به هر حال امروز می خواهم عظمت و شخصیت آیت الله اصفهانی را برای شما بیان نمایم».

ایشان گفتند: «یک روز در نجف اشرف مشهور شد که یک نفر مرتاض هندی که از راه حق، ریاضت کشیده و به مقاماتی رسیده، به نجف اشرف آمده است. فضلا و علماء به دیدار او می رفتند، از جمله من هم رفتم و به وی گفتم: آیا در مدت ریاضت خود دستوری به دست آورده اید که بتوان امیدوار شد که تشریف به محضر مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام به خواست خدا نصیب انسان شود». او گفت: «بله، من یک دستور که تجربه هم شده، دارم و آن دستور چنین است که: شخص بایستی با طهارت بدن و لباس به بیابانی برود و جایی را انتخاب نماید که محل رفت و آمد نباشد، بعد با حالت وضوء رو به قبله بنشیند و خطی دور خود بکشد و اذکاری را بگوید، پس از اتمام این اذکار، امید بسیار است که حضرت عنایتی فرموده و اگر خدا بخواهد آن حضرت را ملاقات نماید».

من به بیابان مسجد سهله رفتم و آن اعمال را انجام دادم که ناگاه مورد لطف امام عصر علیه السلام قرار گرفته و خواست خدا بود که آن سرور را زیارت نمایم، ایشان عمامه سبزی داشتند و وقتی مرا دیدند فرمودند: «با من چه کاری دارید؟».

من در حالی که ایشان را نشناخته بودم عرض کردم: «به شما کاری ندارم».

فرمود: «شما مرا صدا زدید!»

عرض کردم: «نه شما اشتباه می‌کنید، من شما را نخواستم».

فرمود: «ما اشتباه نمی‌کنیم».

مجدداً با کمال عذرخواهی از این غفلت عرض کردم: «ای آقای سید، من هر چه فکر می‌کنم، می‌بینم با شما کاری ندارم، شما می‌توانید به نزد آن کسانی که شما را می‌خواهند بروید، من در انتظار شخص بزرگی به سر می‌برم». آقا لبخندی بر لبانش نقش بست و از کنار من دور شد. هنوز چند قدمی بیش دور نشده بود که در خاطر من این مطلب خطور کرد که نکند این آقا حضرت مهدی علیه السلام باشند، فوراً به دنبالش روان شدم، اما هر چه می‌دویدم به ایشان نمی‌رسیدم، ناچار عبا را تا کردم و زیر بغل قرار دادم و نعلین را هم به دستم گرفتم و با پای برهنه دوان دوان می‌رفتم، اما با آن که آن سید بزرگوار آهسته راه می‌رفت، من به ایشان نمی‌رسیدم، که در این جا یقین کردم که آن سید بزرگوار، آقا امام زمان علیه السلام می‌باشند.

از دویدن زیاد خسته شده و مقداری استراحت کردم، اما چشمانم را از حضرت برنداشتم تا ببینم آقا به کدامیک از خانه‌ها که از دور نمایان شده بود می‌روند، تا من هم همانجا بروم، از همان دور دیدم که وارد یکی از خانه‌ها شدند؛ پس از رفع خستگی به آنجا رفتم، درب منزل را زدم، شخصی آمد و گفت: «چه کار دارید؟» گفتم: «سید را می‌خواهم» گفت: «سید نیاز به اذن دخول دارد، صبر کن بروم تا برای شما اجازه بگیرم».

اورفت و پس از چند لحظه آمد و گفت: «آقا اجازه فرمودند»، وارد

شدم، دیدم همان سید است روی تخت کوچکی نشسته، سلام کردم، حضرت جواب مرحمت کردند و فرمودند: «بیایید روی تخت بنشینید»، من اطاعت کردم و روبروی حضرت نشستم.

بعد از احوالپرسی می‌خواستم مسائلی را که برای من مشکل بود سؤال کنم، هر چه فکر کردم، یادم نیامد، بعد از مدتی دیدم آقا در حال انتظار هستند، خجالت کشیدم و با شرمندگی تمام عرض کردم: «آقا اجازه مرخصی می‌فرمایید».

فرمودند: «بفرمایید».

از آنجا خارج شدم.

هنوز چند قدمی راه نرفته بودم که آن مسائل به یادم آمد به خود گفتم: «من با این همه زحمت به اینجا رسیده‌ام و نتوانسته‌ام از آقا استفاده‌ای بنمایم، باید خجالت را کنار گذاشته و مجدداً در خانه را بزنم»، درب را کوبیدم، همان شخص آمد، به او گفتم: «می‌خواهم دوباره خدمت آقا برسم»، وی گفت: «آقا نیست». گفتم: «دروغ نگو، من مسائل مشکلی دارم می‌خواهم به وسیله‌ی پرسش از آقا برایم حل گردد». او گفت: «چگونه نسبت دروغ به من می‌دهی؟ استغفار کن، من اگر قصد دروغ‌گنم هرگز جایم در اینجا نخواهد بود، ولی این مطلب را اجمالاً بدان که این آقا مثل افراد دیگر نیستند، این امام والامقام که در مدت بیست سال افتخار نوکری ایشان را دارم، برای یک مرتبه هم زحمت درب بازکردن را به من نداده‌اند».

گاهی مشاهده می‌کنم بر روی تخت نشسته‌اند و مشغول عبادت یا ذکر هستند و گاهی مشاهده می‌نمایم که تشریف ندارند، ولی صدای مبارکشان به گوش می‌رسد و گاهی ابداً در خانه نیستند و برخی اوقات پس از گذشت چند لحظه، مجدداً می‌بینم که بر روی تخت

می باشند گاهی سه روز یا ده روز و یا تا چهل روز می بینم که تشریف ندارند، کارهای این آقای بزرگوار با دیگران فرق دارد.

گفتم: «معذرت می خواهم، از این نسبتی که دادم استغفار می کنم، امید است که مرا ببخشید».

گفت: «بخشیدم».

گفتم: «آیا راهی هست برای این که مسائل من حل شود؟» گفت: «آری، بعضی اوقات که آقا امام زمان علیه السلام در این جا تشریف ندارند، نائیشان در این جا ظاهر می گردد و برای حل جمیع مشکلات آمادگی دارد».

گفتم: «می شود خدمتشان رسید؟» گفت: «بله!» وارد شدم: دیدم جای امام زمان علیه السلام، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نشسته است، سلام کردم و ایشان جواب دادند.

بعد لبخندی زد و با لهجه ی اصفهانی گفت: «حالت چطور است؟»، گفتم: «الحمد لله».

سپس سؤال های خود را یکی پس از دیگری مطرح کردم و ایشان بدون تأمل جواب آن ها را با آدرس بیان می کرد و جواب ها کاملاً قانع کننده بود.

بعد از تمام شدن سؤال و جواب ها دستش را بوسیدم و از خدمتش مرخص گردیدم.

همین که بیرون آمدم با خود گفتم: «آیا این آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود، یا شخص دیگری به شکل و قیافه ی ایشان؟»، لذا شک داشتم و با خود گفتم؛ برای بطرف شدن شک بایستی به منزل ایشان در نجف بروم و همان سؤال ها را بپرسم، اگر غیر از آن جواب ها را داد، معلوم می شود که ایشان سید ابوالحسن نبوده، والا خودشان بوده اند.



به نجف که رسیدم سریعاً به منزل ایشان رفتم، پس از سلام و جواب سلام، همان گونه که آن جا لبخند زده بود، لبخندی زد و با لهجی اصفهانی گفت: «حالت چطور است؟» و سپس سؤال‌ها را مطرح کردم و ایشان به همان صورت، بدون کم و زیاد جواب دادند، بعد فرمودند: «حالا یقین کردی و تردیدت بر طرف شد؟» گفتم: «ای آقای بزرگوار، بله!».

وقتی که پس از بوسیدن دستش خواستم خارج شوم به من فرمود: «در حال حیاتم، راضی نیستم این جریان را برای کسی نقل کنی، اما پس از مرگ مانعی ندارد»<sup>۱</sup>.

### عفو قاتل

در تاریخ پرفراز و نشیب غیبت گبری امام زمان علیه السلام، کمتر کسی در سجایای اخلاقی؛ چون گذشت، شرح صدر، کیاست، فراست و علم و تقوی با مرحوم سید، برابری می‌کند. ایشان فرزند برومندی به نام سید حسن داشت که لیاقت جانشینی پدر در او به چشم می‌خورد، اما تقدیر آن بود که چنین پدر به داغ چنین فرزندی مبتلا و در پیشگاه الهی مقرب تر گردد.

نقل کرده‌اند که وقتی مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی - رفع الله درجاته - مشغول نماز مغرب و عشاء بودند، نانجیبی فرزند آن بزرگوار، جناب سید حسن را با چاقو به قتل رساند؛ اما این مصیبت جان خراش در عزم آهنین و اراده پولادین جناب سید ابوالحسن،

۱- احمد قاضی زاهدی، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، مؤسسه نشر حاذق، قم ۱۳۷۳ ش،

چون نسیمی در برابر کوهی عظیم، سر تعظیم فرود آورد و آن بزرگوار، حتی از قاتل فرزند خویش نیز گذشت و او را عفو نمود.<sup>۱</sup>

## خود را برای مردم ارزان کن

مرحوم آیت الله اصفهانی، پس از شهادت فرزند شهیدش خواست که از مقام ریاست رهبری مسلمین کناره‌گیری کند و در منزل خویش را بر روی همگان ببندد، اما در این هنگام پیغام ملوکانه و نسیم حیات بخش مهدوی (عج) قلب شکسته پدر داغدار را نوازش داد. این پیغام توسط «زین العلماء والسالکین مرحوم شیخ محمد کوفی (ره)» به دست جناب سید رسید. آن حضرت در این پیام چنین فرموده بودند:

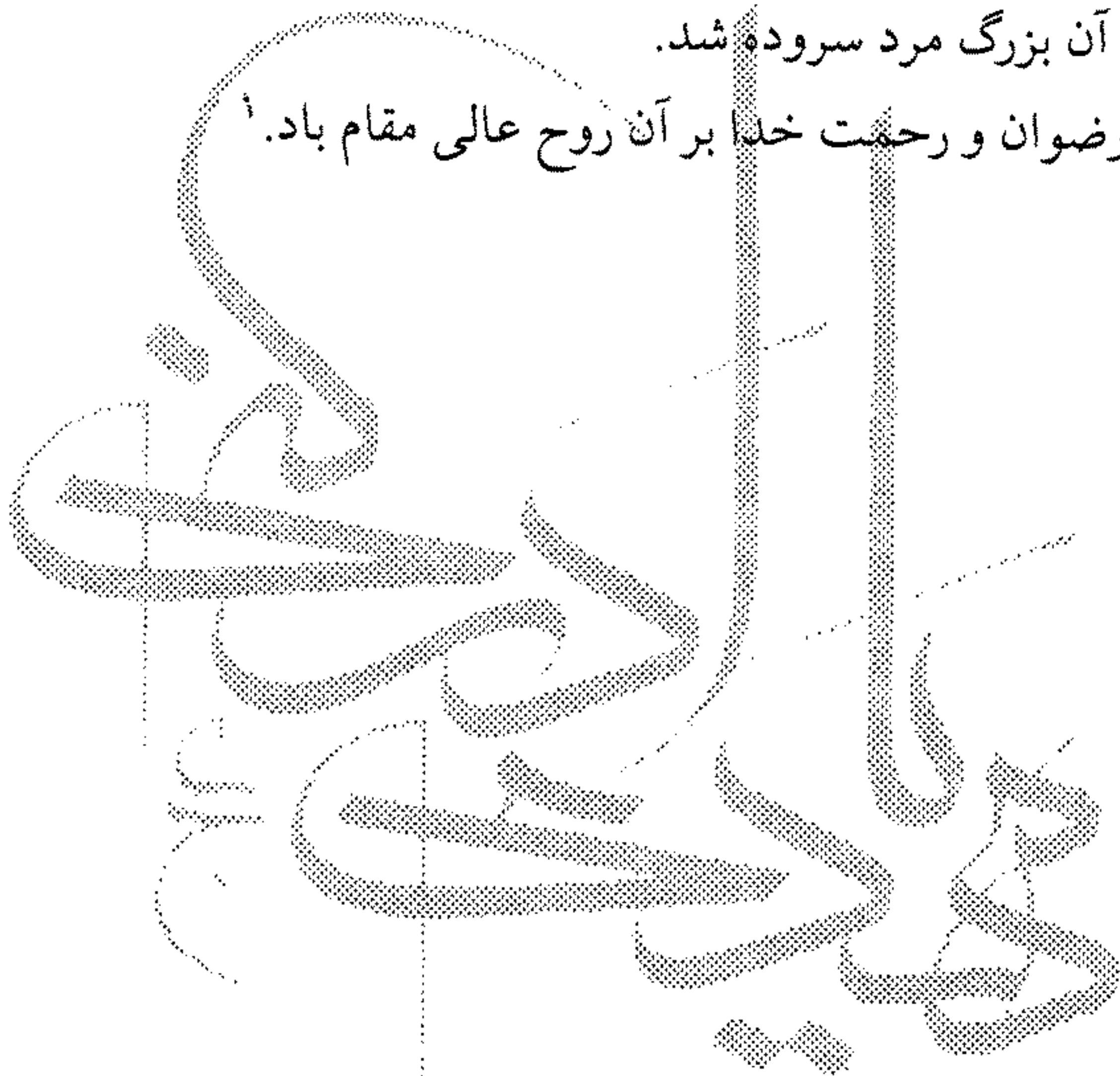
«قل له: ارحص نفسك واجعل مجلسک فی الدهلین واقض حوائج الناس نحن ننصرک»: «به او (جناب سید) بگو: خودت را برای مردم ارزان کن و خود را به آسانی در دسترس آنان قرار ده، محل نشستنت را در راهروی ورودی منزل قرار ده» «تا به مجرد ورود مردم به منزل، تو را ببینند» و حوائج مردم را برآورده ساز، ما یاری ات می‌کنیم».

عالم بزرگوار جناب شیخ محسن انصاری می‌گوید: پس از این جریان من از فرزند ایشان شنیدم که وقتی آقا این مطلب را از جناب شیخ محمد کوفی (ره) شنید، همه روزه مقدار زیادی پول با خود می‌آوردند و در راهروی خانه می‌نشستند و به فقرا رسیدگی می‌کردند».

با این عنایت ملوکانه، معظم له چنان عظمت و جلالتی یافت که برای همیشه تاریخ جاودانه شد. آن عالم وارسته و فقیه فرزانه پس از

عمری تلاش و خدمات بسیار و کرامات عجیب و خیرات فراوان و کسب سجایای اخلاقی که سزاوار نوشتن کتابی در شأن معظم له می باشد، در تاریخ ۹ ذی الحجه ۱۳۶۵ در کاظمین از دنیا رفت. با مرگ ایشان آن چنان شور و هیجانی در مردم عراق و ایران و دیگر شیعیان جهان اتفاق افتاد که بی سابقه بود و صدها قصیده در ثناء آن بزرگ مرد سروده شد.

رضوان و رحمت خدا بر آن روح عالی مقام باد.<sup>۱</sup>



# فصل پنجم

## فوائد و آثار انتظار

## فوائد و آثار انتظار

در تعریف انتظار گفته شد که انتظار تنها یک حالت نفسانی نیست؛ بلکه دارای سه حیطة و حوزه است که این حالات زیبای نفسانی به یمانی راسخ تبدیل شده و با جان آدمی پیوند می خورد و از این مرحله به عمل و رفتار تبدیل می شود و در تمام اعضا و جوارح و فعال منتظر نهادینه می شود.

البته چیزی که بر انتظار مترتب می گردد نتیجه آن به همه انسانها خواهد رسید و یک مسأله جهانی و عالم گیر است و اختصاص به گروه خاص و اجتماع خاص ندارد، گرچه برخی آثار آن فردی است.

### ۱- ریاضت نفس

آن چه از عقل و نقل استفاده می شود درباره آثار انتظار به صورت نشرده بیان می گردد:

از آن جا که انتظار خود ریاضت بسیار دشواری برای نفس به حساب می رود، تا جایی که گفته اند انتظار بر فراق از کشته شدن سخت تر است، باعث اشتغال قوه فکر و خیال در راستای هدف منتظر می شود؛ چرا که هر انتظاری متناسب با اهداف آن معنا می دهد.



عقل پرسید که دشوارتر از مردن چیست؟

عشق فرمود که فراق از همه دشوارتر است  
انسان در زندگی دنیا و آخرت خود نیازمند یک خط فکری و  
جهت فکری خاص است که با تمرکز و اشتغال دائم به نتیجه مطلوبی  
برسد.

قوت و اشتغال زیاد فکر آدمی در حول مسجوری خاص باعث  
می شود که تمام جهت گیری ها و اعمال ما بر اساس و راستای آن  
محور باشد. از این رو مسائل غیر مهم و بی فایده کنار می رود و این از  
چیزهایی است که استراتژی انتظار خصوصاً برای انسان طوفان زده و  
سرگردان عصر مدرن بسیار ضروری است و او را به ساحل امنیت و  
مطمئن رهنمون می کند. بنابراین در برخی روایات مربوط به انتظار،  
این مهم را عبادت، آن هم از افضل عبادات خوانده اند که در  
فصل های قبل اشاره شد.

## ۲- ایجاد تشنگی نسبت به عدالت و مساوات

چون آدمی همیشه به دنبال عدالت و مساوات و آرامش و آزادی  
و... بوده است و برای رسیدن به این مسائل و نظائر آن که از ارکان  
زندگی اجتماعی به شمار می رود؛ دائماً درگیر جنگ و جدال و  
گرفتاری و مصیبت بوده، این مسائل زمانی برای انسان سهل می شود  
و این گرفتاری ها زمانی بر آدمی آسان می گردد که بداند در آینده این  
نقص ها، گرفتاری ها و ضعف ها جبران می شوند. و چه بسیار اختلاف  
است که انسان بداند جبران و تدارکی وجود دارد و بین اینکه  
گرفتاریها مصائب او جبران نمی شود؟

خوشبختانه در تفکر اسلامی، خصوصاً شیعه اثنی عشری برای  
این مهم دو استراتژی در نظر گرفته شده است.

نخست استراتژی بلند مدت و اخروی است، که به مسأله معاد و

قیامت کبری برمی‌گردد. وعده وعیدهای فراوانی در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در جهت تدارک نقص‌ها و مصائب و پاداش و جزاء وارد شده است؛ حتی فرموده‌اند که هیچ عملی انجام نمی‌گیرد در حوزه خیر و شر، مگر این که مورد سوال و جزا و پاداش و کیفر قرار می‌گیرد اگر به اندازه مثقال و کمتر از آن باشند.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ<sup>۱</sup>

نظائر این آیات در قرآن وجود دارد. خداوند تبارک و تعالی این نظام را به گونه‌ای آفریده است که هیچ حقی در آن ضایع نمی‌شود. گرچه در دنیا هم برخی از این مصائب جبران می‌شود، ولی چون ظرف دنیا بسیار محدود است و نمی‌تواند پاسخگویی همه دردها و رنج‌ها باشد، لذا جریان معاد و قیامت با وسعت بی‌کرانسی که دارد ظرف ظهور این حقایق است.

در برخی دعا‌های شریفه وقتی از صفات خداوند و اسماء حسناى او سخن رانده می‌شود از صفتی با نام «جَبَّار» یاد شده است. نظیر آن چه در دعای عظیم الشان جوشن کبیر و مشلول آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ يَا سَاتِرُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا فَاطِرُ  
يَا كَاسِرُ يَا جَابِرُ...<sup>۲</sup>

يَا زَارِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ.<sup>۳</sup>

جَبَّار و جابر به معنای جبران‌کننده است. هر نقصی که در عالم به وجود بیاید خداوند تبارک و تعالی آن را جبران می‌کند. اگر در عالم دنیا هم این جبران ممکن نباشد، حتماً در سرای دیگر اتفاق خواهد افتاد.

۲- دعای جوشن کبیر، مفاتیح.

۱- زلزال، ۷ و ۸.

۳- دعای مشلول، مفاتیح.

استراتژی کوتاه مدت و دنیایی، این تدبیر دنیایی یک نقطه امید و نشاط دیگری است که در فرهنگ اسلامی در نظر گرفته شده. از آن جا که نظام آفرینش نظام احسن الهی است و تقریباً هیچ زمانی بر این عالم نگذشته که اولاً امنیت کامل حکفرما باشد. ثانیاً نظامی عادلانه و حکومتی با قوانین الهی تحت ولایت ولی خدا بر همه انسانها حکومت کند. ثالثاً غیر از خداوند هیچ چیز پرستش نشود. گرچه در گوشه و کنار و در برخی مقاطع به صورت نسبی این اتفاق افتاده است.<sup>۱</sup>

برای این مهم خداوند تبارک و تعالی انسان الهی و تربیت شده‌ای از اولیاء خود را برای مدتی از مردم گرفت و هدایت خود را به صورت غیرمستقیم به تشنگان و ره یافتگان نشان داد؛ تا جامعه بشری به نقطه‌ای برسد که دیگر هیچ امیدی به ترفندهای غیردینی و راه‌های غیر الهی در عالم نباشد؛ آنگاه خداوند پرده از چهره خورشید فروزان امامت و ولایت حقه خود خواهد برداشت و عالم را قیامت برپا خواهد کرد که می‌شود آن را قیامت صغری نامید و این زمان دست غیبی و توانمند حضرت بقیه الله و ذخیره الله، گلستانی سبز و خرم با تشنگان راه گم کرده و خستگان تیغ خورده‌ی نیام کرده برپا خواهند نمود. آری!

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

انتظار این چنین امام مهربان و باغبان آسمانی، و گلستانی سرشار از سبزینه‌ی معنویت با گلبوته‌های صداقت و شکوفه‌های که عطر

۱- مثل حکومت حضرت سلیمان، داود و چند سال حکومت پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام که نوعاً مقطعی و همه شرایط فوق را نداشته‌اند.



عدالت و محبت را در همه جا منتشر می‌کند. آیا این نوید، خسته کننده است یا امیدبخش و روح آفرین؟

آنگاه به فتوای باغبان عشق، شراب ارغوان سازند و از عطر روح افزای آن بوی امنیت و آرامش و توحید و آزادگی و... همگان را بهرمندی گردانند.

شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم

نسیم عطر گردان را شکر در مجمر اندازیم

در این عرصه اگر گردنکشان ظلم و طاغیان بی دین و یاغیان دیرین دست از مفاسد و گناه نشویند و اصرار بر کفر و شرک ورزند. یاران عاشق با ساقی عاشقان متحد شده و بنیادشان از میان خواهند برد:

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم

بهشت عدل اگر خواهی بیا با ما به میخانه

که از پای خمت روزی بحوض کوثر اندازیم

این خوش مستی را پایانی نخواهد بود و این سروری و سیادت را تا کنار حوض کوثر خواهند برد و این چه خوش وعده ایست.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا

يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. ١

«و خدا به کسانی از شما که ایمان آورد و نیکوکار باشد وعده

داد است که در زمین خلافت دهد، چنان چه امم صالح

پیامبران سلف را جانشین پیشینیان خود ساخت، علاوه بر آن دین مورد پسند آنان را بر همه ادیان تسلط بخشید و امنیت و آرامش را حکم فرما نماید و یگانه پرستی بر همه جا حاکم شود این زمان هر که کافر شود به حقیقت، فاسق تبهکار است.»

### ۳- خودسازی و اصلاح نفس

سومین اثر انتظار خودسازی و اصلاح نفس است. چرا که لازمه‌ی انتظار محبت و دوستی این است که انسان از اصحاب و اعوان و شیعیان حضرت باشد؟ و این مقدر نیست مگر به اصلاح نفس و تهذیب اخلاق، تالیات مصاحبت و جهاد در رکاب آن بزرگوار را پیدا نماید.

بیگانگان به این سرا راه ندارد و حرام پیشگان از بارگاه ملکوتی و حرم امن و پاک ولایتش طرفی نمی‌بندند. اندیشه‌ی انتظار جان منتظر را به اوج پاکی رسانده و اخلاق الهی را در جان او شعله ور می‌سازد.  
پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب

تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم  
عاشقان کوی مهدی علیه السلام و دلباختگان سرای «أَفُوا بَعْدِي» پاسبانان  
حریم حرم دل هستند، که جز اندیشه الهی در آن نگذرد و جز آفتاب  
سخن دوست بر آن نتابد و به غیر نام دوست کسی بر سریر دل و  
اریکه آن محفل ذی جود ننشیند.

اگر دل عرش الهی است که «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَانِ»<sup>۱</sup> و اگر

۱- بحار، ج ۵۵، ص ۳۹، باب ۴ العرش والكرسى. قلب انسان مؤمن عرش خداست.



مهدی (عج)، خلیفه الله، است که: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ فِيهَا مَلَكٌ يُنَادِي هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ»<sup>۱</sup> پس حریم دل بجز امیرالهی کسی نباید بر آن حکمرانی کند چه که او تجلی خاص خداست که فرمود:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.»

«این چنین نوشتیم (سنة خدا این است) در زبور داود عليه السلام بعد از قرآن این که زمین (زمین دلها) را بندگان صالح خدا به ارث برند، (همه زمین ها و زمینه ها از آن مهدی (عج) است).»

#### ۴- آمادگی و اصلاح جامعه

چهارمین اثر انتظار، اصلاح غیر است. انسانی که به انتظار مهدی (عج) است هم خود را می سازد و هم با عطر پاکی خود دیگران را معطر می کند، از هر جا که می گذرد عطر دلاویز مهدویت (عج) را که از رنج تقوا و تزکیه فراهم کرده ساری می سازد. آری! آنان که به خون دل و ضوی سازند و اذان و اعلان عمومی هاتف غیبی را که می سرایند:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ (عج)<sup>۲</sup>

در نماز عشقی که به امامت، امام العاشقان و بقية الصالحان در کنار کعبه محبان به پا می شود شرکت خواهند جست و در کمال نشاط و

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۳، باب ۴، وولادته واحوال...؛ نور الابصار، ص ۲۳۱ (پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند خارج می شود و بر روی سر او خود جی است که ملکی در آن است که ندا می کند این مهدی (عج) خلیفه الله است. او را تبعیت کنید).

۲- این جمله ای است که منادی با خود حضرت کنار کعبه هنگام ظهور بر زبان می راند که صدایش به گوش همه عالم می رسد.

نهایت اخلاص صلاة حضور می خوانند. پس:

«طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ.»

«خوشا به حال اینان با این عاقبت نیک!»

## ۵- روشن ماندن چراغ فطرت

انتظار باعث روشن ماندن چراغ درون انسانها می شود، انبیاء علیهم السلام با سراج منیر خود و با مشکوة نبوت و رسالتشان این چراغ را روشن کردند. و دشمنان خدا و مدعیان دروغین هوی پرستی، با هزار ترفند سعی در خاموشی آن داشته و دارند.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.<sup>۱</sup>

«کافران می خواهند نور خدا را (دین حق و مکتب آن) به گفتار جاهلانه و نفوس تیره، خاموش سازند و خداوند نور خود را به منتهای ظهور و حد اعلای کمال رساند هرچند کافران ناراضی باشند.»

انتظار نور مشکوة الهی، این شعله های لرزان و هراسان را روشن نگه خواهد داشت. این که گفته: (از علم به عین آمد و از گوش به آغوش) همین قصه شیرین است.

## ۶- امید بخشی

امید بخشی از دیگر آثار و منافع اندیشه قوی و مستحکم انتظار است. واقعاً پاییز یأس، حرکت و پویایی، پیشرفت و صلاح و سعادت



را به مرداب خزان می برد. پاییز یأس است که جوانه های انسانیت و بوته های معنویت می میرند و جانها سرد می شود، اما بهار امید باغ جانها را طراوت می بخشد و (چراغ انتظار نویدی به سوسوی گرمابخش دلها می دهد، که به سرزمینی پرگل و گیاه مبدل می شود.)  
ایدل صبور باش و مخور غم که عاقبت

این شام صبح گردد و این شب سحر شود  
از سراسر روایات مهدوی (عج) نور امید می درخشد و بوی نوید  
روح بخش عدالت می طراود. حتی اگر یک روز از عمر عالم باقی  
مانده باشد (آن یار سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست) خواهد  
آمد و ناخدای کشتی طوفان زده عالم خواهد شد.  
آری! این تلاطم نخواهد نشست و این کلاف سردرگم را نخواهد  
یافت و این راه نخواهد پوئید، کسی که در گوش جانش نوید انتظار و  
شمیم عطر یار نباشد.

«خواهر لعل نهر» گویند:

«دنیایی که پر از کشمکش و نفرت و خشونت است، اعتقاد بستن به  
سرنوشت انسانی، ضروری تر از هر زمان دیگر است... هرگاه آینده ای  
که ما برای آن کار می کنیم سرشار از امید برای بشر باشد.  
نابسامانی های دنیای کنونی چندان اهمیتی ندارد و کارکردن برای  
آینده دارای حقانیت است.»

امید به انتظار به مهدی (عج) انتظار همه خوبی ها و پاکی هاست.  
مهدی باوری، سرانجامی نیک است و نتیجه ای جز پاکی نخواهد بود.  
صبح امید که شد معتکف پرده غیب      گو برون آی که کار شب تار آخر شد  
آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود      عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

## ۷. حرکت و پویایی

از دیگر آثار انتظار حرکت و پویایی است، انسانی که به آینده امیدوار است، انسانی که آینده را روشن می‌بیند، انسانی که چراغی را فرا راه تاریکی خود می‌یابد، دائماً در حال حرکت است و پویایی جزء خصوصیات و ویژگی‌های بارز اوست. لحظه‌ای آرام و قرار ندارد. در کارهای خیر شرکت کرده، تکلیف خود را عمل می‌کند. اهل هدایت و روشنگری است؛ چرا که انسان امیدوار انرژی لازم را برای حرکت دارد؟

انسان بدون امید نمی‌تواند حرکت کند. منبع انرژی زای حرکت همان امیدواری است. «گوستاولوبون» می‌گوید:

«بزرگترین خدمتگزاران عالم بشریت، همان اشخاصی هستند که توانستند بشر را امیدوار نگه دارند.»<sup>۱</sup>

بی‌امید مفهوم زندگی از بین می‌رود. حرکت از جامعه سلب می‌شود، پس انتظار به ظهور انسان الهی از نسل ملکوت، علت حرکت و تحرک خواهد بود.

انتظار؛ یعنی تلاش و کوشش جهت رسیدن به مقدمات لازم برای یک زندگی مهدوی (عج) ایجاد زمینه‌های مختلف کاری، به خاطر سالم سازی فضای فکری و ذهنی و فرهنگی جامعه و...

## ۸. مقاومت و عزم از آثار دیگر انتظار است

روحیه مقاومت در منتظر آن چنان اوج می‌گیرد که قبل از آمدن یار و معشوق خود همه هستی خویش را در طبق اخلاص می‌گذارد. کسی را که خبر داده‌اند به تشویق و گرفتن جایزه، هر قدر آن زمان

دور هم باشد، هر وقت مشکلی در مدّت انتظار او پدید آید، او به نقطه زرین و اوج وعده خود می نگرد، تمام دردها و رنجها از تن او رخت بر می بندد. چه جایزه و چه هدیه‌ای بالاتر از تنفس در فضای حکومت مهدوی (عج)؟ چه هدیه‌ای بالاتر از حکومت الهی و انسانی؟ چه جام شرابی آرام بخش تر از شراب طهور عدالت و صداقت؟

آری! انتظار روح سمرگ می سازد و مردان بزرگ. انتظار روح حماسه و ایمان می پرورد و یأس و حرمان را می زداید. انتظار روح ستقامت و مردانگی می آفریند و آدمی را به سرحد جاودانگی می کشاند.

قوام انسان منتظر از سرچشمه حقایق دین و معارف قرآن است که بنایی در آن راه ندارد که:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ»<sup>۱</sup>

منتظر با یاد قائم آل محمد (عج) قیامت را می بیند و از خداوند یوم روح استقامت می طلبد و روح تشنه خود را از کتاب قیم الهی میراب می گرداند و قعود و قیام خویش را با قرآن و اهل بیت علیهم السلام ماهنگ می کند. و ورد زبان و زمزمه لبان او دائم الاوقات کلام ربّ لاریاب است:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا  
بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۲</sup>

«خداوند به یکتایی خود گواه است که معبودی جز او نیست

-سوره اسراء، ۹ «این قرآن (خلق را) به استوارترین راه هدایت می کند و اهل ایمان را ، نیکوکار باشند به اجر و ثواب عظیم بشارت می دهد.»

-آل عمران، ۱۸.





و ملائکه آسمان و صاحبان علم هم گواهند که او قائم به قسط  
است و عدل و نگهبان، نیست خدایی جز او که بر کار خویش  
عزیز و مقتدر و دانا و تواناست»

آری! مظهر قسط و عدل او حضرت مهدی (عج) است که فرمود:  
«جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً»<sup>۱</sup>

ز جاء الحق اوگرديد معلوم که ان الباطل كان زهوقاً

و چه زیبا سروده است دعبل خزاعی در محضر امام رضا (ع):

خروج الامام لا محالة واقع یقوم علی اسم الله بالبرکات  
یمیز فینا کل حق و باطل و یجری علی النعماء والنقمت<sup>۲</sup>

«امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) ظهور خواهد کرد و قیام او

با اسم خداوند باعث برکات و خیرات است. ظهورش جدا

کننده حق و باطل است که انسان‌های مؤمن به نعمت

می‌رسند و دشمنان گرفتار نِقمت خواهند شد».

## ۹- نشاط و شادابی

انسان منتظر با یاد امام منتظر کام خویش را از شرنگ تلخی شیرین  
می‌کند. از انزوا و سستی دوری می‌جوید، او امید به آینده دارد و آن را  
محقق الوقوع می‌داند، همه رنج‌ها و مشقت‌ها را تحمل می‌کند و  
آسان می‌بیند و خودش به خویشتن مژده می‌دهد.

گرچه در ندبه‌ی عاشقانه در برخی از فرازهای آن می‌گوئیم،  
سخت است و دشوار، که همه خلایق را می‌بینیم و تو را نمی‌توانیم

۱- اسراء، ۹.

۲- المهدی (عج) سید صدرالدین صدر (قصیده تائیه).



ببینیم، نجوا و صدایی از تو نمی شنویم! بر من سخت است که تو گرفتار باشی و بلا تو را احاطه کرده باشد. ناله و ضجه من به تو نرسد! که این ناله ها و ضجه ها حق است و به جا! اما فقط این ناله نیست؛ بلکه کلمات و جملات عاشقانه هم هست و نوید امن و امانی برای منتظر که جام نشاط و شادابی را در کام او فرو می ریزد. و بعد با حبیب خود عاشقانه می سراید:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيِّتِ لَمْ يَخْلُو مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ....

جانم فدایت! تو از نظر دوری؛ اما ابداً از ما جدا نیستی. تو منظور و زمان هر مشتاقی که آرزویت کند از مؤمنین و مؤمنات که به یادت ناله زدل سر می دهند. این کلمات اوج عاشقی و شیدایی است، چه این که منتظر می گوید: تو از ما دور هستی ولی جدا نیستی، تو در سریر لب عاشقانی کجا دیده‌اید که مُلکِ قلوب و دلها را پادشاهی چون و سف زهراست (علیهما السلام) و امیری چون سرو راست قامت و لوبای عزت و سربلندی و بقية الانبياست؟ و آن منتظران و آن ملکات به خود نبالند و افتخار نکنند.

گر چه ما به او محتاجیم و تمی او را داریم و از سوزیدای دل و عمای وجود او را صدا می زنیم، با او به نجوا می نشینیم، ولی او به ما شتاق است و بر هدایت و دلالت ما به حق و راستی بی تاب و قرار.

لایة معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

مروارید اشک از صدف دیده‌ها سرازیر است و با تلاطم عشق و حبت از دریای صداقت و پاکی دل بر ساحل دامن منتظر می ریزد.

این تلاطم عشق و دوستی است که به دنبال خود نشاط و انبساط خاطر را به همراه می آورد. و عاشق را به اوج فرح و شیدایی می کشاند و از خود بی خود می نماید این شراب آن چنان سرمستی برمی انگیزد که بهترین فرازهای ندبه را بر زبان عاشق جاری می کند:

«مَتَى نَشْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ  
فَنَقِرَّ عَيْنًا مَتَى تَرَانَا وَنَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لَوَاءَةَ النَّصْرِ تُرَى»

«مهدی جان علیها السلام! کی شود از آب زلال گوارای حضورت سود بریم؟ کی شود از این تشنگی طولانی به حضور خود سیرابمان کنی؟ و صبح و شام شرفیاب محضر گردیم و از مائده حضور تو بهره بریم؟ و چشمان ما به رؤیت هلال جمال زیبایت روشن شود؟ و قاب چشمانمان متبرک گردد. (کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم که پرچم نصرت برافراشته و نمایان سازی؟) ... و ما در این حال بگوییم الحمد لله رب العالمین»<sup>۱</sup>

غم و شادی دو روی سکه وجود آدمی است، اما غم منتظر از بی دینی و بی عدالتی است، از بی سرپرستی است، از ندیدن جمال زیبای مظهر دین و شرف و عدالت است که به گناه بندگان اسیر و دربند است و شادی منتظر از تنجیز وعده الهی و قریب الوقوع بودن تجلی آن ذات بر حق و جمال مطلق است. که با نفس مسیحایی، جانهای مرده را روح می بخشد و با دست ابرهیمی علیها السلام بت های طاغوت و مظاهر شرک را درهم می شکند و با خلق محمدی صلی الله علیه و آله قله های قلوب را فتح می کند و با انقلاب حسینی علیها السلام و صبر حسنی علیها السلام



«...یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»<sup>۱</sup> را تفسیر می نماید.

\* \* \*

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور  
 کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
 این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن  
 وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور  
 گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن  
 چتر گل بر سر کشی ای مرغ خوشخوان غم مخور  
 دور گردون گر دو روزی بر مراد دل نرفت  
 دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور  
 همان مشو نومید چون واقف نه ای از سر غیب  
 باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور  
 در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم  
 سرزنش ها گر گند خار مگیلان غم مخور  
 حال ما در فسرت جانان و اسرام رقیب  
 جمله می داند خدای حال گردان غم مخور  
 نرچه منزل بس خطرناک است و مقصد ناپدید  
 هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور  
 حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار  
 تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

## ۱۰ - خود پنداره مثبت

انسان موجودی است که اگر دائماً نکات مثبتی برای او گفته شود،

-فرائد السمطین، ص ۴۴۷ المهدی سید صدر(ره)، ص ۱۵۵، چاپ اول.

آینده‌ای روشن برایش تصویر گردد، امید در جان او نهادینه و تثبیت می‌شود و برای او خود پنداره مثبت به وجود می‌آید.

خود پنداره مثبت آدمی را به حرکت وادامی دارد، اندیشه‌های مرده را جان می‌بخشد و پرده تاریکی‌ها را می‌برد، ظلمت جهل را پشت سر می‌گذارد، رنج‌ها و مصائب را آسان می‌کند و انگیزه کمال و نهال خودباوری در وجود آدمی می‌نشانند.

این همه آیات و روایات درباره عاقبت ننگین ظلم و ظالم، رنگ باختن جهل و بی‌دینی، پیروزی حق بر باطل، رسیدن به سعادت و فلاح و آسایش، گذر از سیاهی‌های تبهکاری و انحراف، فرود آمدن بر سجاده پاکی‌ها و نیکی‌ها و برپایی خیمه شرافت و کرامت انسان‌ها، نشان از این خط فکری را می‌دهد که قرآن و روایات این حقیقت را دنبال می‌کنند، که خود پنداره مثبت در وجود عاشقان و پیروان حقیقت ایجاد کرده و اندیشه‌ای قویم و بستری مناسب در زمینه‌ای مهیا سازد، تا پرچم کرامت و آزادگی و شرافت و جاودانگی را بر طارم خضراء<sup>۱</sup> و قلعه‌های بلند تاریخ به اهتزاز در آورند.

بشنوید ندای ملکوتی قرآن را که جان‌ها را به اهتزاز در می‌آورد:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».

۱- طارم، به فتح راء، معرب تارم، گنبد، سراپرده، طارم اخضر یا خضراء آسمان، طارم فیروزه و نیگون هم می‌گویند، فرهنگ صبا، محمد بهشتی.



و بشنوید صدای لاهوتیان مُلک نشین<sup>۱</sup> را که از لسان الله تنزیل یافته:

«قال رسول الله ﷺ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ إِسْمِي وَخُلُقُهُ خُلُقِي... إِلَى أَنْ قَالَ يُرِيدُ اللهُ بِهِ الدِّينَ وَيَفْتَحُ لَهُ فُتُوحًا، فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» و عنه (صلى الله عليه وآله) إِنَّهُ قَالَ:

«يَجِلُّ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدًا إِلَى أَنْ قَالَ فَبَعَثَ اللهُ رَجُلًا مِنْ عَتْرَتِي... أَوْ قَالَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا.»<sup>۲</sup>

خلاصه و مضمون این آیات و روایات و صدها آیه و روایت دیگر در شأن آن حضرت و آینده بشریت و خاتمه کار عالم، این است که عاقبت کار عالم و بشریت به صلح و دوستی و عدالت و خداپرستی و نیکی و پاکی در سراسر مُلک خاکی خواهد گزاشید.



از آثار و برکات این خوددینداره مشبت می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- (الف) تقویت اندیشه حق باوری و پیروزی حق؛
- (ب) اضمحلال و استئصال و ریشه کنی کامل باطل؛
- (ج) استقرار کامل نظام و حکومتی همه پسند بر محور عدل و قسط؛
- (د) پرستش خداوند بی همتا و تجلی شعار رستگاری (لا اله الا الله)؛
- (ه) زندگی بر اساس پاکی و صداقت، بر محوریت عقل و دین حق؛

۱- امامان معصوم و پیامبر (صلى الله عليه وآله اجمعين).

۲- اسعاف الراغبين، ص ۱۴۸ المهدی (عج)، ص ۲۱۵، سید صدرالدین صدر.

(و) محقق شدن اجرای احکام قرآن و نوای ملکوتی خداوند؛  
 (ز) وفور نعمت و نزول رحمت و زیادی ارزاق؛  
 (ح) نشاط و شادابی، و غروب غم و درد و رنج؛  
 (ط) پاشیده شدن بذر ایمان و کمال و عزت و شرف و کرامت و...  
 تفسیر حقیقی «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً - وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي -...»

### ۱۱- زیر بار ظلم نرفتن

از فوائد مهم انتظار نپذیرفتن ظلم است. در اندیشه منتظر همان طور که ظلم زشت و گناه است، تظلم و ظلم پذیری هم ناشایست و نارواست. لذا از صدر اسلام تا کنون تنها گروهی که زیر بار ظلم نرفته‌اند، مذهب عزیز تشیع است.

از خصوصیات بارز شیعه ظلم ستیزی و ستم‌گریزی است، چرا که همه آن‌ها از نسیم روح بخش کلام بلند علوی به اوج حیات و شوق نجات و نشاط بهر مند شده‌اند که فرمود:

«كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.»<sup>۱</sup>

قرآن کریم با یک تقسیم بندی زیبا یکی دیگر از حقایق خود را نمایان می‌کند. تقسیم بندی رهبران به ائمه و پیشوایان جور و ستم و رهبران و پیشوایان هدایت. و حق و با این تقسیم‌بندی مانع از تسلیم شدن در برابر قدرت‌های ستمگر شده و ملت‌ها را با قوت ایمان و نور قرآن و قوام برهان به قطب عالم امکان سوق داده و شور و شعور را در وجود آنها شعله‌ور می‌سازد.

۱- بحار، ج ۴۲، ص ۲۴۴، باب ۱۲۷. «برای ظالم دشمن و برای مظلوم کمک باشید.»

مبارزه و مجاهده را به آنان تعلیم می دهد و مجد و عظمت اسلام را به نمایش می گذارد.

«جیمز مستردار گوید:» قومی که چنین اعتقادی دارند [که هر لحظه منتظر ظهور حق و امام مطلق هستند] را می توان کشتار کرد، اما مطیع نمی توان ساخت.<sup>۱</sup>

روحیه پایداری و ستم گریزی به خاطر اعتقاد به ائمه هدایت و پیشوایان حق است که:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.»<sup>۲</sup>

در کنفرانس «تل آویو» در بحث مبارزه با تفکر مهدویت، ابتدا امام حسین علیه السلام و بعد حضرت ولی عصر (عج)، را از عوامل ثبات شیعه معرفی کرده اند. افراد شیعه شناس و سرشناس در این کنفرانس چون، (برنارد دلویس و مادین کرامر و...) معتقد به مطلب فوقند.

نویسنده دیگری به نام «فهمی هویندی» در کتاب خود به اسم «ایران من الدخل» چند واژه کلیدی را عامل بقاء و دوام و ستم ستیزی انقلاب ایران معرفی کرده مثل: واژه های ولایت فقیه، مرجعیت، تشیع، امام غائب، غیبت صغری و کبری...

جناب «الگارد» در کتاب «انقلاب اسلامی ایران» در ریشه یابی و ثبات و دوام انقلاب، مسأله امامت را از دیدگاه تشیع و غیبت امام زمان (عج) و پیامهای سیاسی آن می داند.

او می گوید طبیعی است که با این دیدگاه مخالف باشند و دشمنان صف آراییی کنند.<sup>۳</sup>

۱- مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۲، دارمستر، ترجمه جهانسوز، ص ۳۸، فصلنامه

ش ۱. ۲- اسراء، ۸۱.

۳- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، ص ۹۳، حسن بلخاری.

## چند نمونه گزارش

\* گروه هایی که به ظاهر مبلغ مسیحیت اند و در باطن جاده صاف کن و عاملان ورود استعمار به ممالک اسلامی به نکات قابل دقت که در گزارشات خود نوشته اند اشاره می کنند. گروه های تبلیغی شمال آفریقا در خطاب به هیئت رسیدگی به این امور آورده است:

«از مشکلات ما بر سر را تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا، منطقه تونس و مغرب، این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی (عج) خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد.»<sup>۱</sup>  
 آری! انتظار یک خط فکری و یک سیاست در هم شکننده استعمار و استکبار و ظلم و ستم است و آنها از نقش مهم این اعتقاد به خوبی واقف هستند.

\* نمونه دیگر، در زمان کودتای پهلوی اتفاق افتاد، که آن کودتاگر بی سواد و دور از معنویت و معرفت از یکی از نوکران درباری و روحانیان جیره خوار خود سوال کرد که قضیه امام زمان چیست که مشکلات و موانعی برای ما درست کرده؟ او هم طبق میلش جواب داده بود. آنگاه آن قلدر، مأموریت می دهد بروید مسأله را حل و فصل نمائید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون کنید. او می گوید این کار آسانی نیست و مشکلات فراوانی دارد و باید کم کم با مقدمات شروع کرد. البته آن روزگار به فضل خداوند و عنایات و مجاهدات تبلیغی علماء آن مقدمات در هم شکست.

تفکر مهدویت (عج) به صورت آرام و بی صدا با طراحی و تبلیغات گسترده ائمه علیهم السلام از همان روزها پشت دشمن را به خاک

مالیده و امروزه استکبار جهانی کوشیده است:

**(الف)** ملت‌های تحت سلطه خود را به وضع تحمیلی عادت دهند تا رنگ ثابت و ابدی به خود گیرند؛

**(ب)** با استراتژی غفلت و خواب آلودگی و عدم تحرک ملت‌ها می‌خواهند کاری کنند که انتظار و ظلم ستیزی آن اجازه چنین کاری را به آنها نمی‌دهند؛

**(ج)** با تکیه بر پول و تبلیغات و استفاده از شعارهای فریبنده حقوق بشر، آزادی، دموکراسی و... برای تحمیل ظلم و ستم بر ملت‌ها و ترویج فساد تلاش می‌کنند؛

**(د)** با سیاست گام به گام و سیاست فشار از بیرون بحران از درون سعی در فروپاشی ملت‌های مسلمان دارند. تا هر یک را در انزوای کامل قرار داده و از میان بردارند. مبارزه بی‌امانی را در چند بعد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی برای از بین بردن فرهنگ مهدویت (عج) و انتظار طراحى و شروع کرده‌اند؛

\* از همه زیباتر و جالب‌تر این که در جنگ اخیر آمریکا بر ضد عراق (مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)) تعدادی از روحانیون شیعه را بازداشت کرده و بعد از شکنجه‌های فراوانی خواسته‌های خود را این‌گونه مطرح کرده‌اند: «ما می‌خواهیم (امام پنهان شما را) به دست بیاوریم و او را از میان برداریم تا برای همیشه از دست او راحت شویم و شما باید به ما کمک کنید و ویژگی‌ها و خصوصیات و محل اختفاء او را به ما نشان دهید.<sup>۱</sup>»

این اعترافات و گزارشات نشان دهنده عمق تفکر مهدویت (عج)

۱- این مطلب به صورت نقل قول است ولی مضمون همین گفته را از نمونه‌های مستند اول می‌شود به دست آورد.



از یک سو، برهانی و حتمی بودن قضیه مهدویت (عج) از سوی دیگر، ایجاد ترس و وحشت و رعب به این تفکر اسلامی بر دشمنان از سوی سوم و قدرت تخریب این خط سبز و امیدوار کننده در مصاف اندیشه‌های سیاه استکباری از سوی چهارم می‌باشد.

## ۱۲- فرهنگ سازی

مهمترین و دقیق‌ترین دست آورد انتظار را می‌توانیم بالا رفتن فرهنگ انسانی و اسلامی بدانیم. چه این که امید و رجاء به حضرت بقیه الله (اروحنا فدا) باعث رشد و ارتقاء سطح کیفی و کمی تفکر مهدویت (عج) و فرهنگ و عقل بشر خواهد شد. چه این که بشر باید همه راه‌های ممکن را بیازماید و بر اساس آزمون و خطا به نقطه کور تفکر مادی برسند و بعد از همه راه‌ها دست امید خود را بشوید و ناامید و مأیوس گردد، چه این که در روایات هم به این نکته اساسی اشاره شده است.

مدعیان حکومت جهانی از دیرباز با نام‌های متفاوت و سیاست‌های مخالف، در میدان واقعیات جامعه جولان داده‌اند و راه به جایی نبرده‌اند، از جمله مارکسیزم، تفکر سرمایه داری و لیبرالیسم که همه ریشه در تفکر پوشالی امانیسم، یعنی همان دعوی خدایی بشر را دارند، اگر روزی نمرودها و فرعون‌ها و کسرها و قیصرها با شعار:

«أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى \* وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى.»

می‌خواستند بر بشر حکومت کنند و از معنویت و حقیقت بگریزند، امروزه با همان مکاتب ایسم که در حقیقت همان خط سیاهی است که قرآن کریم از آن یاد می‌کند، که ریشه در خود محوری

و انسان محوری و نرفتن زیر بار تکلیف الهی؛ یعنی خدا محوری است. و این تازگی نداشته و ندارد.

رشد فرهنگی بشر به وسیله انتظار، تا حدودی برای دلسردی از این تفکرات تکراری موهوم در قالب‌های جدید است. و در مرحله بعد به رشد حوزویان و دین باوران و دانشگاهیان و در یک کلام نخبگان است و از سویی دیگر، رشد نظامی و انتظامی، ثانیاً بالا بردن فرهنگ عمومی توسط نخبگان جامعه که از آن می‌توانیم با نام انتظار علمی یاد کنیم، همانطور که انتظار عملی به اوج خود خواهد رسید، که بهترین راه برای این مهم انسان شدن و خودسازی و دگرسازی است.

وجود مقدس مولای بلاغت و فصاحت، سلطان ملک ولایت و امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه از فلسفه ارسال و بعثت انبیاء علیهم السلام اینگونه یاد می‌کنند:

«لِيُثِرُوا لَهُمْ دَفَاعِينَ الْعُقُولِ»<sup>۱</sup>

«اثره» به معنی انقلاب فرهنگی و فکری است که با دست مبارک حضرت بقیه الله (عج) به اوج خود خواهد رسید، چه این که اگر از درون آدمی انقلاب صورت گرفت، دفینه‌های وجود آدمی هویدا خواهند شد. فطرت آدمی از زیر غبار جهل و جهالت عملی بیرون خواهد آمد و حقیقت انسان‌ها به ظهور خواهد رسید، این خودسازی است که گلستان شدن عالم را به همراه دارد. آن حضرت درون را می‌شکافند و معلوم می‌کنند که انسان، مرغ باغ ملکوت ابد است نباید خود را ارزان بفروشد، و ابدیت خود را به ملک فانی دهد.

\* \* \*

۱- نهج البلاغه، خطبه اول. «انبیاء آمدند: تا دفینه‌ها و گنجهای عقول بشر را از زیر خاک جهل و هوی و هوس بیرون بیارند.»

هر که او ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرص نان دهد  
در مراحل پایین تر این خط سیر سبز و این انقلاب فرهنگی در  
دست نخبگان جامعه است که جان انسانها را شیار کرده و زمینه را  
فراهم نموده تا دست ملکوتی امام عصر (عج) معارف حقّه الهی را در  
آن بذریاشی نماید و درختانی آسمانی به ثمر برسد که گرچه ریشه در  
خاک دارند ولی شاخ و برگ و قصون آن در افلاک سایه می افکند و  
میوه های این درخت، دائمی و ابدی خواهد بود که عدالت و آگاهی و  
خُلق نیک از مظاهر برجسته و میوه های شیرین آن است:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلَاهَا ثَابِتٌ  
وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...»<sup>۱</sup>

### ۱۳- جهت یابی ولایت (ولایت پذیری)

انتظار یک منشور کثیر الاضلاع است که از هر بعدی به آن بنگرید  
آثار فراوان و ویژه ای دارد. منتظر امام دنیال جهت یابی و خط یابی  
ولایت است. گرچه ولی را نمی بیند و او در پس پرده های غیبت  
است؛ اما از راه قلب خود احساس نزدیکی با امام خویش را دارد و  
دائماً در این مسیر است که خط سبز ولایت کدام است؟ او سعی  
می کند در مقابله با حوادث روزمره عاقلانه ترین ترفند و موضع را  
اتخاذ کند.

منتظر می داند که عدم شناخت امام زمان (عج) به مثابه انسان های  
جاهلی است که قبل از بعثت نبی گرامی ﷺ اسلام از دنیا رفته اند. یا

۱-سوره ابراهیم / ۲۴ و ۲۵. «چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که  
اصل ساقه آن برقرار و شاخه های آن به آسمان رفعت سعادت بر شود و میوه های آن به اذن  
خدا دائمی است.»

به تعبیری مردگان متحرکی هستند که بوی تعفن آنها خودشان را اذیت می‌کند. به همین دلیل عدم شناخت خط ولایت و رهبری و امامت آن امام همام، جهل و مردگی محسوب می‌شود، چرا که امام کاروان سالار حکومت عشق است و کسی که در خط عاشقی او نباشد مرده ایست که سال‌ها از دنیا رفته است. شناخت خط عشق وظیفه اصلی منتظر است و انتظار منشوری است که به منتظر این فرصت را می‌دهد تا با تکاپوی فراوان این خط شیدایی را شناسایی کند؛ چرا که: در کشور عشق جای آسایش نیست

آن جا همه کاهش است افزایش نیست  
بی درد و الم تسوق درمان نیست  
بی جرم و گنه امید بخشایش نیست  
منتظر لحظه‌ای قرار ندارد تا نگار را دریابد.

«کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

یکی از اصلاع معرفت و شناخت امام علیه السلام شناخت خط رهبر و ولایت است و در مرحله اول از خداوند می‌خواهیم که این خط فکری را به ما نشان دهد و بشناساند:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»

در دعای مبارک زمان غیبت می‌خوانیم خدایا! خود را به ما بشناسان چرا که بدون شناخت تو از شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله عاجز خواهیم بود و اگر پیامبرت را شناسیم امامت را نمی‌شناسیم و اگر او را شناسیم گمراه خواهیم شد!

در مرحله بعد از راه دعا و ایجاد انس با حضرت برای سلامیت آن وجود مبارک دعا می‌کنیم تا زمینه تقابل تکلیف برای آن امام همام

فراهم شده ایشان هم در دعای خویش ما را در نظر داشته باشند.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ...»

خط ولایت، دالان ورودی به سرمنزل مقصود و دایره وجود و کوی شیدایان خداوند ودود است، به قول لسان الغیب:  
سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هر که درین حلقه نیست فارغ از این ماجراست  
سعادت و سیادت و سربلندی، سرافرازی و سجیت، سلامت و سرور، سفره هفت سین نجات و خوشبختی است که از کوی ولایت این خاندان می گذرد. در زیارت شریف جامعه می خوانیم:

«مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ...»<sup>۱</sup>

پذیرش ولایت این خاندان ولایت خداست. دوستی و دشمنی این خاندان دوستی و دشمنی خداست و اعتصام به این خاندان در تبعیت از قول و فعل و سکوت آنها چنگ زدن به ریسمان متین الهی است که در فرازهای بعد اشاره می کند. با تکرار این گونه کلمات و جملات سعی در جهت دهی به منتظر را دارد. تا آنجا که بهشت و جهنم و سعادت و شقاوت را از لوازم تبعیت و مخالفت از خط این خاندان عزیز معرفی می کند.

«أَخِذْ بِقَوْلِكُمْ غَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَأَيْدٍ غَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِزَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي...»



منتظر عرضه می دارد: سخن شما را خواهم گرفت، و به کار می بندم و امر شما را عمل می کنم و به درگاه شما پناهنده می شوم و به زیارت شما شتافته و به قبور مطهرتان پناه می آورم و توسل می جویم و شما را شفیع قرار می دهم و به خدا تقرب می جویم به وسیله شما و خلاصه در تمام احوال و جمیع حوائج امور خود و درخواستهایم شما را مقدم داشته و حاجت و مراد خود را می طلبم.<sup>۱</sup>

منتظر می داند که افراط و تفریط از این سیر و خط سبز؛ یعنی رسیدن به هلاکت و افتادن در دام شیاطین جن و انس. در همین دعای شریف و صلوات شعبانیه می خواند:

الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مِنْ رَكِبِهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.

«خدا یا درود فرست بر محمد و آلش که کشتی نجات دریای معرفتند که هر کس بر آن کشتی (خط فکری) سوار شد نجات یافت و کسی که نیامد هلاک شد. تقدم از خط آنها خروج از دین، عقب افتادن از آنها بطلان عقیده را به همراه دارد و همراهی فکری فرهنگی و عملی با آنها ملحق شدن به آن بزرگوارن را نتیجه خواهد داد.»

## ۱۴ - ایجاد سوز و گداز و شور و شعور (نجات از پوچی)

کسی که گمشده ای دارد، احساس پوچی نمی کند، او به دنبال گمشده اش می رود و با سوز و گداز شور و شعور می خواهد، لذا بزرگان

<sup>۱</sup>- زیارت شریف جامعه (مفاتیح).

در درخواست‌های خود از خداوند سوزوگداز و درد و الم طلب می‌کنند. امام سجاده علیه السلام در مناجات العارفين چنین می‌گوید:

إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ  
صُدُورِهِمْ وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ...

«خدایا! ما را از کسانی قرار ده که درخت اشتیاق تو در

بوستان سینه‌اش ریشه دوانده و سوز محبت تو در دل‌هاشان

غرس شده است.»

این سوزوگداز است که درمان را به همراه خود دارد. هر که درد

محبت الهی دارد خداوند او را لبریز از محبت خود خواهد کرد و جام

معرفت را در سبوی او خواهد ریخت. محبت امام زمان (عج) همان

محبت خداست. رسیدن به محبت خداوند از کانال محبت

مهدی (عج) و خاندان گرامی اوست.

در همین مناجات عاشقانه می‌فرماید: خداوند!

برای خلق، راه رسیدن به معرفت تو جز درماندگی از معرفت تو

نیست.

انسان باید اعتراف به این درماندگی کند تا از این شور به شعور

الهی دست یازد.

دلا بسوز که سوز توکارها بکند

دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

عتاب یار پری چهره عاشقانه بگش

که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند

ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند

هر آن که خدمت جام جهان نما بکند

طیب عشق مسیحا دمیست و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند کرا دوا بکند

بسوخت حافظ و بوئی بزلف یار نبرد

مگر دلالت این دولتش صبا بکند  
رسیدن به دولت پابندگی و سرای جاودانگی با نسیم روح بخش  
صبای انتظار و نفس قدسی یار امکان پذیر است. گرچه در این مسیر  
عتاب‌ها فراوان است، سختی بسیار و خون دل بیشمار، ولی احساس  
بوچی نیست ایجاد درد است برای درمان، ایجاد محبت است برای  
هایی از حرمان و هجران، آنگاه که با این ناز و نیاز کرشمه‌ای از آن  
جمال در رسد همه دردها فراموش خواهد شد.

### ۱۵ - ایجاد سنخیت

برای رسیدن و اتحاد و اتصال با هر چیز، سنخیت لازم است. اگر  
دمی قابلیت یابد، خود به خود منشاء وصل و اتحاد شده است. در  
لم فلسفه قاعده‌ای دارند که گویای همین مطلب است: **عِلَّةٌ  
لِنَضْمِ السُّنَخِيَّةِ عِلْتُ هِرْ اَنْضِمَامِي سِنَخِيَّتِ يَافِتْنِ وَ قَابِلِيَّتِ اسْتِ.**  
ای رسیدن به امام عصر (عج) سنخیت لازم است. افراد صالح با  
مشینی با نیکان و عباد صالح در زیر خیمه محبت دوست قابلیت  
زم را برای رسیدن به محبوب خود می‌یابند و بستر این قابلیت و  
سنخیت انتظار است.

داد او را قابلیت شرط نیست      قابلیت را شرط داد اوست

منتظر با احساس حضور و مراقبه دائمی به جایگاه رفیع سنخیت  
ست یافته و از آنجا به پایگاه منتظران واقعی می‌پیوندد. در این راه از  
بج کوششی فروگذار نمی‌کند. نوع دوستی، خدمت به خلق، عمل

صالح، رزق حلال، دعا و ندبه و... منتظر را در این راه همراهی می‌کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتَظِرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ۱

چون او پس از خویش فانی گشته بود

آن زمینی آسمانی گشته بود

## ۱۶ - رسیدن به لطافت

منتظر با دور کردن تاریکی‌های معصیت و گناه از خویش جان خود را منتظر بارقه دوست کرده و دیو ناپاکی را از صحن و سرای دل می‌زداید و قلبی رقیق می‌یابد. قلب رقیق و شکسته محل تجلی دوست و تبلور حضور اوست.

نه مال به کار آید نه فرزند و خانمان، «إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» فقط قلب‌های لطیف و دل‌های سلیم سرپر حکومت جان جانان است.

آن کس که نور شناخت جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

## ۱۷ - بوقه آزمایش

از سنت‌های جاریه خداوند است. که بندگان خود را به انواع بلاها آزمایش می‌کند، تا مراتب کمال و حقائق افراد ظاهر شود. این عالم به مثابه مدرسه است که انبیاء و اولیاء معلمین بزرگ آن و کتب آسمانی

۱-سوره حشر، ۱۸. «ای اهل ایمان خدا ترس شوید و هر نفسی بنگرید که تا چه عملی برای فردای (قیامت) پیش فرستاده‌اید.»

مواد درسی آن هستند و همه خلائق محصلین و طفلان رهند با عنایت این معلمین طفلان راه به سوی الله دلالت می شوند و از ملک به ملکوتش و از گوش به آغوش الهی هدایت می گردند.

از مهمترین راه های امتحان و آزمایش خلق مسأله غیبت است که برای انبیاء پیشین اتفاق افتاده است. چه این که حضرت موسی برای عبادت به کوه طور رفتند و حضرت نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با رفتن به غار حراء از قوم خود کناره گرفتند.

اما از آنجا که بهترین اقوام و بالاترین افراد از حیث اعتقاد به گفته خود ائمه اطهار علیهم السلام مردم آخر الزمان هستند. پس باید دشوارترین امتحان ها هم از آن ها باشد. کدام امتحان است که از فراق یار بالاتر و دشوارتر باشد. چه این که گفته اند:

«الانتظار أشد من الموت» انتظار از مرگ دشوارتر است در دعای عظیم الشان فرج می خوانیم:

«إِلٰهِ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبِرِحِ الْخَفَاءِ...»

«خداوند! چه عظیم است این بلا و گرفتاری و...»

عقل پرسید که دشوارتر از مردن چیست؟

عشق فرمود: که فراق از همه دشوارتر است

امتحان و آزمایش غیبت بسیار دشوار است برای منتظر روز و شب نمی گذارد. افراد را از هم جدا می کند. آن ها که شک در دل خود راه داده اند از دایره محبت بیرون می روند. برخی به انکار روی می آورند و برخی به اغفال دست می زنند، عده ای به اضلال سعی و همّت می گمارند و....

اما گروهی ثابت قدمند و طول غیبت و دوری جمال دل ربای ولایت، آن ها را سرد نمی کند. آنان که بر سفره زیارت عاشورا نشینند و



«وَأَنْ يُثَبَّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... وَأَنْ  
يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ  
مِنْكُمْ.»

«و ما در مسیر و راه خود (ولایت) ثابت قدم بدار، روزیم کن  
خونخواهی خود را با امام مهدی و هادی ظاهر و گویای به  
حق از شما نصیبم گردان.»

وجود مقدس امام حسین علیه السلام فرمودند: غیبت آن قدر طولانی شود  
که خیلی دست از انتظار می کشند. «رَزَقْنَا اللَّهَ وَ اِيَّاكُمْ ثَبَاتِ الْقَدَمِ مَعَ  
وَلِيِّهِ حِجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ.»

حافظ اگر قدم زنی بر در خاندان بصدق

بدرقه رهت شود همت شهنه نجف

آثار و فوائد انتظار از هر بعد که نگاه می کنیم و از هر شعاع که  
می نگریم و از هر ضلعی که توجه می نمائیم دارای اهمیت است.  
طهارت نفس، بهداشت روحی و نجات از تحیر و سردرگمی و پوچی،  
رسیدن به امنیت و آرامش، دوری از خشونت، دور از یأس و غفلت و  
ظرفیت یافتن ایجاد شوق و انگیزه، چشیدن دور بودن از انسان کامل،  
سهولت پذیرش گرفتاریها و مصائب، رسیدن به حقایق بعد از بن  
بست ها و ده ها فائده دیگر را می توان نام برد.

### انتظار از منظر روانشناسی

امیالی که در درون آدمی است به قدری زیادند که به حساب  
نمی آیند، کاوش های روانشناختی بیانگر این حقیقت است که همه  
آنها وجوه مختلف چند میل اصلی یا انگیزه درونی اند، چون قوه ای

سحرانگیز در وجود او به ودیعت نهاده شده تا او را در زندگی رهبری کنند.

در روانشناسی تمایلات کلی انسان سه دسته‌اند:

**الف) تمایلات فردی و شخصی،** که گاهی از آن‌ها به تمایلات خود دوستی نام می‌برند؛ یعنی هرکسی خویشان را دوست دارد و صلاح و خیر خویش را بیشتر از همگان می‌خواهد. این میل طبیعی نخستین میل به قانونی است که افراد بشر به غیر از آن پیروی می‌کنند و تا زمانی که جنبه فساد پیدا نکرده و از حدود بیرون نرود (یعنی به تمایلات اجتماعی و عالی لطمه نزده) مفید و برای ادامه حیات و ترقی ضروری است. این تمایلات دو قسم است جسمانی و روانی، جسمانی مثل احتیاج به تنفس و حرکت، و روانی آن تحت عنوان عزت نفس از آن یاد می‌کنند که ارضای آن مظاهری گوناگون دارد. این قسم نه سیری پذیرند و نه جای معینی دارند. برخی از مظاهر آن عبارت است، تحصیل خوشبختی، استقلال طلبی، کسب قدرت، کبر، غرور که شهرت طلبی را به همراه دارد، احتیاج به مهر و نوازش، حس تملک و تصرف و...

**ب) تمایلات اجتماعی،** علاقه و دلبستگی آدمی به هم‌نوع خود است. و در غم و شادی آن‌ها سهیم بودن. که از مظاهر مهم آن محبت دوستی خانوادگی، میهن دوستی، تقلید یا الگوپذیری از افراد بزرگ است.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.»<sup>۱</sup>

**ج) تمایلات عالی** که به چهار قسم تقسیم می‌شوند:

۱- احزاب، ۲۱، «(پیامبر ﷺ) بهترین و نیکوترنی سرمشق شما در همه کارهاست.»



۱. حقیقت جویی، که از زمان کودکی همراه آدمی است. که در رفتار و گفتار او تجلی دارد (حس کنجکاوی) علم و فلسفه از مظاهر مهم آنند. حقیقت جویی حس بزرگی است که انسان برای آن حتی حاضر به دادن جان خود نیز هست.

۲. حس و میل به زیبایی دوستی، آدمی طبیعتاً به حسن و جمال تمایل دارد و عواطفش از ادراک هر چیز زیبا تحریک می شود. او به انبساط خاطر و لذت دست می یابد. هر قدر آدمی آسایش و رفاه و فرصت بیشتری داشته باشد، به همان اندازه حس جمال دوستی او شدیدتر شده و نیاز بیشتری به درک زیبایی خواهد داشت.

۳. تمایلات اخلاقی، انسان طبعاً در جستجوی خیر است و از شر و بدی دوری می گزیند. ارضای این حس باعث رضایت و عدم ارضای آن باعث پشیمانی می گردد، که از مهمترین وجوه تمایز انسان و حیوانات است. از مظاهر آن تمدن حقیقی افراد و اقوام بشر است.

۴. حس و تمایل دینی، در ضمیر افراد بشر، تصور کم و بیش مبهمی از مبدأ آفرینش و آفریننده وجود دارد که فطرتاً میل به درک آن دارد. این حس از ابعاد اصیل روحی آدمی است و اصیل ترین بُعد روح است<sup>۱</sup> یک محقق روانشناس فرانسوی گوید:

«هم اکنون جریان فکری وجود دارد که روز به روز تعداد متفکرین زیادی از مکتب های گوناگون را به این مطلب معتقد می سازد که حس دینی، یکی از عناصر اولیه ثابت و طبیعی روح انسانی است و اصلی ترین قسمت آن به هیچ یک از رویدادهای دیگر قابل تبدیل نیست؛ بلکه نحوه ادراک فطری

وراء عقلی است که یکی از چشمه‌های آن از ژرفای روان ناخود آگاه فوران می‌کند و نسبت به مفاهیم زیبایی، نیکی و راستی، مفهوم دینی یا به تعبیر صحیح‌تر مفهوم قدسی، مقوله چهارمی است که دارای اصالت و استقلال سه مفهوم دیگر است. همان طور که یکی از مزایای عصر حاضر این است که در عالم طبیعت بعد چهارمی به نام فضا یا زمان کشف شد که از سه بعد فضایی ممتاز و در عین حال جامع آن‌هاست همچنین در این عصر به موازات سه مفهوم زیبایی، نیکویی و راستی مقوله چهارم قدسی یا یزدانی که در حقیقت بُعد چهارم روح انسان است، دوباره کشف شد.<sup>۱</sup>

سرچشمه همه تمایلات آدمی را فطرت کمال دوستی و کمال خواهی او تشکیل می‌دهد. اگر انسان، جویای حقیقت است و فضائل و نیکی‌ها را می‌ستاید و می‌پسندد، به امر مقدس، عشق می‌ورزد، زیبایی را دوست دارد چون موارد یادشده همه از مصداق کمالند. پس حسن کمال دوستی، اساسی‌ترین تمایلات و احساسات فطری انسان به شمار می‌رود و خواهان کمال است که به مراتب نازل آن هم بسنده نمی‌کند بلکه به نامحدود کمال عشق می‌ورزد. که این میل را باید از ریشه‌دارترین عوامل تکامل انسان دانست. استاد مطهری (ره) درباره فطرت می‌گوید:

«از نظر ما راز تکامل را در فطرت انسان باید جستجو کرد و این که انسان به حسب فطرت خویش، کمال جو است و در کمال جویی خود حدّ یقفی ندارد. این علت اصلی تکامل است.<sup>۲</sup>»

۱- حس مذهبی، ترجمه مهندس بیانی، ص ۱۶.

۲- دین و فطرت، استاد ربانی، ص ۴۵ و ۵۴.

\* تمام آثاری که برای انتظار برشمردیم، و آثاری چون گسترش امید واقعی، پویایی، معطوف به هدف، استقرار وحدت و همبستگی، مراقبه دائمی، سلامت اخلاق جامعه (روانی و روحی) و صبر و ذکر و بصیرت همه در این قالب‌های فطری و تمایلات آدمی قابل بررسی است و در درون آن جای می‌گیرد، مثلاً حس حقیقت جویی انسان دنبال آگاهی و معرفت است. و بصیرت هم از آثار تربیتی انتظار است. بصیرت بخشی است که می‌تواند شیعیان منتظر را از طوفان فتنه‌ها و شبهات رها سازد و رهنمون به حق و حقیقت نماید، که از خط مهدوی (عج) جدا نشوند. در سوره یوسف آمده است:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»<sup>۱</sup>

«بگو راه من این است که دعوت به سوی خدا کنم، بر اساس بصیرت و من و پیروان (من) چنین هستند.»

انتظار، بصیرت منتظر را بالا برده و در برابر شبهات محکم می‌نماید. صبر و ذکر از صفاتی است که زیر مجموعه حس اخلاقی آدمی قرار می‌گیرند. منتظر می‌داند که در مقابل مصائب و مشکلات راهی جز صبر و پایداری نیست و با دوری از غفلت در برابر فتنه‌های غفلت‌زا خود را همیشه آماده می‌سازد. و از ویروس آنان واکسینه می‌کند.

سلامت اخلاق جامعه (روحی و روانی) زیر مجموعه امیال اجتماعی انسانند و حس نوع خواهی و دوستی جامعه آدمی را که در انتظار عدالت و مساوات و پاکی‌هاست، به سوی مهدی علیه السلام سوق می‌دهد همین طور امیال دیگر آدمی هر یک در قالب مخصوص خود، در بستر انتظار مفهوم خاص خود را پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

۱- سوره یوسف، ۱۰۸.

۲- آثار تربیتی که در صفحات قبل آمده تا حدودی از قالبهای روانشناسی استفاده شده بود.





## انتظار از منتظر جامعه‌شناسی

اندیشه الهی انتظار فرج، پایگاه و حصن محکمی<sup>۱</sup> برای شیعیان در زمان غیبت و کوران حوادث مختلف آن است. این اندیشه از یک سو حیات دین و دستورات آن را به دنبال دارد و از سوی دیگر خط سبزی در سیاهه بی دینی و عفونت گناه و دوران جاهلیت مدرن است؛ از سوی سوم نقطه امید و اتکاء برای منتظران عدالت خواه و آزادی طلب دین دار است، و از سوی چهارم هدایت غیر مستقیم افراد به جریان فکری شیعه، که حتی می‌بینیم در این مسأله اکثر اقوام غیر شیعه اتفاق دارند.

می‌توانیم بگوئیم اندیشه مهدویت دو نوع تأثیر کلی بر جامعه را به همراه خود دارد: تأثیر مستقیم و غیرمستقیم.

۱. تأثیر غیرمستقیم فرایند عینی اعتقادات از جمله اعتقاد به مهدویت عجله مجموعه جامعه اعم از معتقدان و غیر آن را متأثر می‌سازد؛ یعنی بسیاری از فرایندهای جمعی و گروهی در جامعه، پس از ایجاد دارای انعکاس و بازتاب وسیع‌تر از حیطه گروه ایجاد کننده است. این تأثیر به نوعی هدایت غیرمستقیم جریان فکری جامعه و تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی دنیاست، که امروزه شاهد آن هستیم. حتی برخی با موضع‌گیری در برابر آن باعث ترویج بهتر و بیشتر آن می‌شوند.

۲. تأثیر مستقیم هر فرآیند آگاهانه عمدتاً، از اتخاذ مبانی بینشی و نگرشی خاص در مورد موضوع مورد نظر و در افراد و گروه‌های مرتبط شکل می‌پذیرد. که از آن به اعتقاد می‌توان نام برد. این بینش و اعتقاد

باعث کنترل رفتار و واکنش رفتاری خاص می شود. اندیشه مهدویت یک کنش رفتاری است که در سطح کلان ایجاد می شود که از حد افراد گذشته و به گروه منتقل می گردد. ناگفته نماند این مسأله به فرایند تأثیر و تأثر اجتماعی ختم می شود. ابعاد گوناگون این تأثیرها به قرار ذیل است.

**الف) تأثیر دینی، اجتماعی این قسم شامل رفتارهای دینی گروهی می شود، از جمله احترام و تعظیم و گرامی داشت تولد حضرت مهدی (عج) که از آن به عید انتظار و عید عدالت جهانی، عید اعلام نشاط، آگاهی و روشنی ضمیر، توجه به منتظران و نمایش شادمانی و زوال تاریکی ها و امنیت وحدت در جامعه یاد می شود.**

\* برگزاری دعاهاى خاص مرتبط با حضرت، توسل و تضرع و ندبه با حضرت به صورت گروهی انجام می شود و جامعه را از دل مردگی و زندان مادیات بیرون کشیده و در فضای معنویت خاص قرار می دهد

\* اماکن مرتبط با حضرت، عاشقان حضرت بقیة الله (عج) در هر جایی که نشانی از محبوب و علامتی از یار خود حس می کنند. سراسیمه خود را بدان جا می رسانند و شوق دیدار و توسل را متبلور می سازند. مسجد جمکران، مسجد سهله و... از امکنه مقدسی هستند که مورد توجه عموم منتظران است. رفتن به سوی آنها باعث تجدید میثاق ملی و دینی می شود.

\* ایجاد ارتباط از راه صدقه، از جمله تکالیف منتظران، دادن صدقه برای سلامتی وجود مقدس حضرت است که باعث ایجاد الفت و انس بین آنها و امام خویش می شود. کدام عاشق است که سلامتی معشوق خود را نخواهد؟ صدقه دادن اعلام صداقت و دوستی است. پیامبر ﷺ فرمود: هیچ بنده ای ایمان نیاورد، مگر آن که

من، نزد او، از خودش محبوب تر باشم و خاندان من از خاندان خودش محبوب تر، و عترت من از عترت او محبوب تر باشند.

\* هدیه دادن ثواب اعمال خود، را برای آن حضرت و مادر مکرمه اش برای انس بیشتری در زندگی روزمره، هدیه و چشم روشنی گذرگاهی برای اعلام وفاداری و دوستی و رفع کدورت هاست؛ مثلاً حج کردن به نیابت حضرت از جمله اعمال بسیار نیک و سفارش شده است.

\* توجه به شب قدر و نظارت حضرت، شب مقدرات انسان که کارنامه اعمال در دست حضرت قرار می گیرند. همان شبی که همه ملائکه و روح که اعظم از همه است بر حضرت نازل می شود، توجه به این شب خاص از جمله راه های ارتباط با حضرتش می باشد. توسل به حضرت در آن شب ها و غیر آن برای نجات جامعه از ظلم و جور که مظاهر زشت جامعه هستند، حضرت منجی است که از مظاهر وجود آن جناب قسط و عدل است. او می خواهد انسان ها را از اسارت ها نجات دهد.

«يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.»<sup>۱</sup>

امام زمان علیه السلام پناهگاه و فریادرس همه بیچارگان است. از شئون و مناصب الهی حضرت پناه دادن و فریادرسی به بیچارگان است. در زیارت حضرت می خوانیم:

«سَلَامٌ لِلَّهِ وَبِرَكَاتِهِ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَي مَوْلَايِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَصَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ... وَالْكَهْفِ الْوَرِيِّ، السَّلَامُ عَلَي مَفْرَجِ الْكُرْبِيَّاتِ...»

از القاب حضرت (کَهِف) است؛ یعنی پناهگاه، ملجاء برای دردمندان، پناه هر گرفتار که به آستان آن بزرگوار پناهنده شود. او

گشاینده سختی‌ها و دشواری‌هاست. و دافع بلیات و مشقات، او فریادرس است. از القاب دیگر آن حضرت (غوث و غیاث) است که به معنای فریادرسی است همه این‌ها در مسائل اجتماعی معنا پیدا می‌کند، گرچه در مسائل فردی هم عینیت دارند.

امام رضا علیه السلام فرمود:

اِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَيَّ اللهُ وَهُوَ قَوْلُ اللهِ (وَاللهُ  
الاسماءُ الحسنى فادعوه بها).

«فرمود: هرگاه سختی و دشواری به شما روی آورد به واسطه ما از خداوند کمک خواهید، همین است که مراد خدا که، برای خدا نام‌های نیک است پس او را بدان‌ها بخوانید.»

### ب) اثرات تربیتی اجتماعی

امام و امت هر دو منتظر و در انتظار به سر می‌برند و این بلاء برای هر دو دشوار است. امام منتظر هم چشم به راه فرشته حق است. که از طرف خداوند فرمان قیام صادر کند، تا او به صورت آشکارا در پهنه زندگی گام نهد. و رستاخیز دنیا را آغاز نماید. انتظار، در روان پاک و بیکران حضرت - که قلب تپنده جهان است - حالتی ویژه دارد و با انتظارهای دیگر متفاوت است او در اندیشه ساختن جامعه‌ای بزرگ و برپایی آرمانی والا، که همه ارزشها متجلی و حقوق همه در نظر گرفته می‌شود، به سر می‌برد. نمونه‌ای از این انتظارها و آرمان‌ها و آمادگی‌ها را در زندگی انبیاء می‌توان یافت. همه انسان‌های صالح و هدفدار، در همه دوران‌های زندگی دارای خصلت انتظار بوده‌اند و انتظار تحقق بخش جوهر اصلی حرکت و عمل آن‌ها بوده، انتظار مفهومی جامع و فراگیر در همه ادوار تاریخ است. امام به این آرمان بلند عشق می‌ورزد، لذا به پیروان او گفته‌اند؛ بهترین اعمال انتظار فرج حضرت

است تا آنها هم با عشق به آرمان بلند او هم سویی با آن قبله عاشقان را داشته باشند و این خود بیعت و هم پیمانی است. و منتظران در متن حوادث قرار می گیرند. و این زمینه آگاهی و بینش را ایجاد می کند. و غفلت و بی تفاوتی را از آنها دور نماید. بارزترین شاخص های تربیتی اجتماعی مهدویت (عج) عبارت است از:

\* ایجاد نگرش مثبت به آینده، منتظر آینده را روشن می بیند، چون عاقبت از آن صالحان است، جریان فکری به دیانت و جریان فرهنگی به امامت و جریان اجتماعی به عدالت و قسط و جریان عالم به خدا محوری و خداپرستی ختم خواهد شد. منتظر این پیام امید را در دل و جان خویش می پرواند. این اعتقاد روان آدمی را پالایش می دهد و جان آدمی را آرامش می بخشد. و علف های هرز یأس و نومیدی را از دشت سینه های منتظران ریشه کن می نماید. امیدواری در بعد ذهنی؛ یعنی تفکرات، تمایلات و انگیزه ها و عادات را سامان می بخشد و در بعد عینی، اعمال و رفتارها و کنش ها، را جهت دار و فعال می کند هر یک از ابعاد خود دارای مؤلفه هایی است که میزان وجود و روحیه امیدواری اشخاص را معلوم می کند.

## امیدواری

امیدواری خود بر دو قسم است: ۱- ذهنی؛ ۲- عینی

ذهنی بر دو قسم تقسیم می شود:

۱- تفکر مثبت:

الف) تأکید بر نقاط مثبت، خوش بینی و خوشایندی؛

ب) واقع نگری در رفع مشکلات و مواجهه با آنها؛



ج) جستجوی راه‌های جدید با گسترش تفکر پویا؛

د) تفکر خلاق، نوآوری؛

ه) خستگی ناپذیری.

## ۲- هدفمندی:

الف) اهداف کوتاه مدت، نقاط قابل دست‌رس؛

ب) اهداف بلند مدت، برای حرکات بلند و...؛

ج) پرهیز از پوچی؛

د) تفکر به آینده.

عینی بر دو قسم تقسیم می‌شود:

### ۱- برنامه ریزی:

الف) برای اهداف کوتاه مدت؛

ب) برای اهداف بلند مدت.

### ۲- تلاش:

الف) شغل معین، با توجه به اهداف انتخاب می‌شود.

ب) هم‌خوانی شغل و هدف

ج) فعالیت‌های فوق‌العاده برای دست‌یابی به اهداف.

\* غایت‌مداری عالم، در تفکر مهدوی (عج) به اصل غایت

مداری عالم تأکید می‌شود. بحران هویت امروز بلای بزرگی است که

جوامع را رنج می‌دهد. جامعه آرمانی مهدوی تمام تلاش خود را به

محوریت امام خویش معطوف و همسویی می‌کند. در ادیان الهی

(اسکاتولوژی = غایت‌شناختی) وجود دارد که پشتوانه زندگی آن

هاست. جهان‌زمانمند، وقتی به پایان خواهد رسید و آن سوی زندگی

ترازوی اعمال برپا خواهد شد. عناصر مهم و اصلی گرایانه ادیان از این قرارند:

روز داوری و واپسین (معاد)، موعده‌گرایی یا منجی خواهی، که بحث مهدویت را مطرح می‌سازد. مهدویت تجلی و تبلور تمام فضائل انسانی در پایان زندگی است.

### ج) تأثیرات سیاسی اجتماعی

مراد مجموعه فرایندهای سیاسی است که به سبب اعتقاد به مهدویت در جامعه ایجاد می‌شود، مثلاً:

\* ایجاد استراتژی قیام علیه ظلم، با محوریت اندیشه مهدوی علیه السلام مثل جنبش‌های هزاره‌گر در کنگره بلژیک، فرانسه، ولتای علیا، سیرالئون، تانگانیکا، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، هاییتی، برزیل، آرژانتین، پرو، جامائیکا و...

به اعتقاد شیعیان و اغلب علماء اهل تسنن و نیز واقعیات تاریخی، پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به ویژه شهادت مولی متقیان علی علیه السلام اسلام از مسیر اصلی خود خارج شده و تعصبات نژادی و اشرافیت دربار خلفاء را فراگرفت، جامعه روز به روز از شعائر فاصله گرفت و عدالت قربانی شد. تفاخرات، تبعیض‌ها جانشین عدالت گشت و برگشت به آرمان‌های اصیل، آرزوی همه دردمندان شد. در این میان شیعه با اعتقاد به اصل مترقی مهدوی (عج) این آرمان را از گوش به آغوش و از رؤیا به واقعیت تفسیر کرد.

انتظار در جامعه شیعه و تاریخ اسلام، جلوه‌های گوناگونی داشته که به چند جلوه آن اشاره می‌شود:

\* **انتظار توأم با صبر و بردباری**، در تاریخ بلند شیعه هر جنگ و تهاجمی می شده با تمام ظرفیت های موجود خود به برکت انتظار حضرت بوده و صبر را نصب العین برنامه های خود کرده است.

\* **ادعای مهدویت**، برخی از افراد چه مغرضانه چه آگاهانه از این اندیشه سوء استفاده کرده اند و خود را به جای مهدی (عج) معرفی کرده و از احساسات دینی مردم بهره برده اند. در سال ۶۵۵ قمری قیام مردم فارس تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - در سال ۸۴۵ قیامی در خوزستان به رهبری سید محمد مشعشع از شیعیان افراطی، که خود را مقدمه قیام حضرت معرفی کرد و شروع به پیش بینی هایی از حضرت نمود.

گذشته از شیعیان امامیه و سرزمین ایران، نهضت های سیاسی اجتماعی متعددی، به دست شیعیان غیر امامی و نیز اهل سنت ضد دولت های ستمگر انجام شد. از جمله، عبدالله بن میمون (۲۵۱) از اعراب خوزستان، که خود را نایب امام معرفی کرد. در فاصله قرن سوم و چهارم هجری در سوریه (شامات) راعیان اسماعیلی با شایعه ظهور مهدی (عج) عبیدالله، امام اسماعیلی را به جای حضرت معرفی کردند. در این قرن رهبران قیام های قرمطی، حمدان قرامطی، عبدان گویا، از طرف رئیس فرقه ای که پنهان بود با نام صاحب الظهور به این مسأله پرداختند.

محمد بن عبدالله تومرت معرف به مهدی اهرعی - مگنی به ابو عبیدالله که از جبل السوس در انتهای مغرب (مراکش) بود و دولت بزرگی با نام حضرت تأسیس کرد. عباس فاطمی در اواخر سده ی هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را مهدی نامید، محمد مهدی

سنوی در قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) در مغرب، محمداحمد سودانی معروف به مهدی سودانی (۱۲۴۴ هجری) از مهم‌ترین و معروف‌تری مدعیان مهدویت بوده‌اند.

**\* ایجاد انقلاب‌های سیاسی،** نمونه‌هایی از انقلاب‌ها که بر اساس موعدگرایی - انجام شد انقلاب اسلامی ایران است، که اندیشه انتظار را قوام بخشید و زمینه ساز تجلی عدالت جهانی شیعه شد. تأثیر اندیشه مهدویت به انقلاب اسلامی ایران از چند حیطة است:

۱. علل موجهی حرکت انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران، تفکرات شیعه مردم، اعتقادات دینی عموماً و اعتقاد به مهدی علیه السلام خصوصاً، نفی ظلم و ستم، نفی سبیل و سلطه کفار و نفی حاکمیت غیرخدایی و حق مشارکت و حضور و احساس مسئولیت، لذا اکثر فقها، ایجاد حکومت را واجب تلقی کرده‌اند. (در زمان غیبت).

۲. علل و رمز موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی، اکثر اندیشمندان و تحلیل‌گران سیاسی ایمان و اعتقادات دینی مردم ایران و رهبری رهبران آن را علت پیروزی دانسته‌اند. «راپرت گراهام» می‌گوید:

«تغییرات انقلاب در ایران تحقق پیدا نمی‌کند، مگر آن‌که جامعه‌ی مذهبی و مرجعیت از آن پشتیبانی کند. قیام پانزده خرداد، به سبب بازداشت آیت الله خمینی، و قیام ۱۳۵۷ مردم ایران به سبب توهین روزنامه اطلاعات به روحانیت و امام خمینی، و با انگیزه مذهب و دفاع از رهبری دینی به وقوع پیوست.»<sup>۱</sup>

۱- گذری بر رویدادهای معاصر ایران و انقلاب، لطفی، مهرعلی، انتشارات پرهیزگاران، نم ۱۳۷۹، ص ۱۶۲. فصلنامه شماره ۵، ص ۲۴۷.

از آن جا که انتظار مرکب از دو عنصر سلبی و ایجابی است (نارضایتی از وضع موجود و تلاش برای وضع مطلوب) اندیشه مهدویت به عنوان فلسفه سیاسی خود را نشان داده است. عنصر ایجابی خودسازی فردی و مادی و معنوی برای شکل گیری حکومت واحد جهانی است. انقلاب ما با پیروی از رهبران راستین با هدف ریشه کنی ظلم و فساد بوده است و زمینه ساز حکومت واحد جهانی است.

۳. علل تداوم و بقاء انقلاب، در تحلیل هایی که برای انقلاب صورت گرفته به این مسأله می رسیم که بقا و تداوم انقلاب را در سه چهار اصل خلاصه می کنند.

(الف) مسأله حج ابراهیمی، که مبعاد عبادت و حبل متین وحدت و هوشیاری است؛

(ب) عاشورای حسینی، که شور و شعور و حماسه را می آفریند؛

(ج) رهبری مراجع تقلید و مرجعیت آگاه و پویا؛

(د) اندیشه انتظار و مهدویت (عج).

در بین سخنان ارزنده حضرت امام خمینی (ره) در صحیفه نور درباره انتظار حضرت بقیه الله (عج) مطالبی به چشم می خورد که این مرد بزرگ زمان خود را به عنوان یک خدمتگزار و سرباز کوچک آن حضرت معرفی می کند. و هدف انقلاب را زمینه ساز ظهور حضرت دانسته. ایشان چنین می فرمایند:

«از خداوند تعالی، مسئلت می کنم که ظهور ولی عصر سلام

الله علیه، را نزدیک فرماید و چشم های ما را به جمال

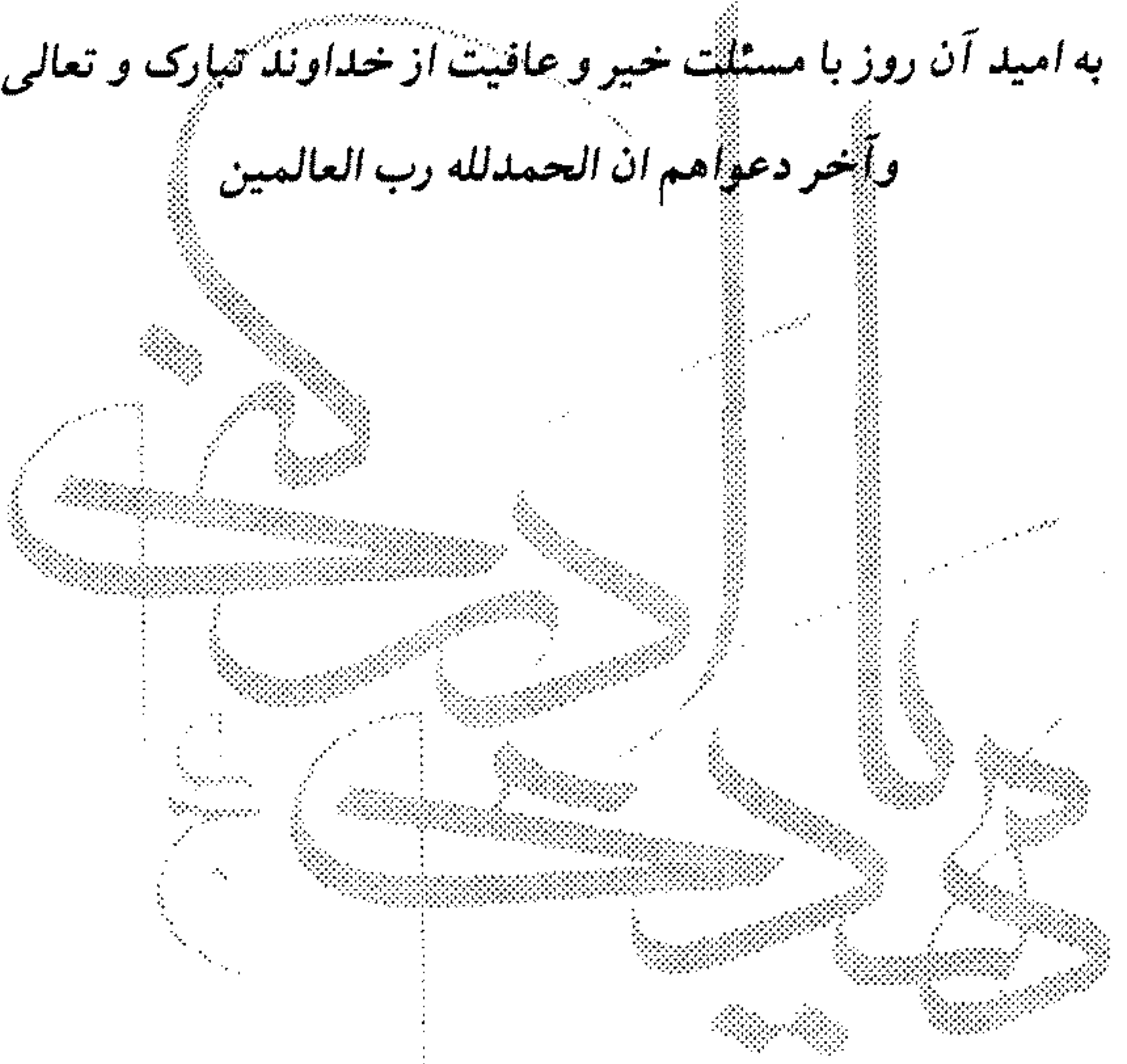
مقدس اش روشن فرماید. ما، همه انتظار فرج را داریم و باید



در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید تلاش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر (عج) ان شاء الله تهیه شود.»<sup>۱</sup>

به امید آن روز با مسئلت خیر و عافیت از خداوند تبارک و تعالی

و آخر دعوانهم ان الحمد لله رب العالمین



# فصل ششم

## انتظار در آئینه اشعار

## روز وصل

غم مخور، ایام هجران رو به پایان می‌رود  
 این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود  
 پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند  
 غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود  
 بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود  
 زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود  
 محفل از نور رخ او نور افشان می‌شود  
 هر چه غیر از ذکر یار از یاد زندان می‌رود  
 ابرها، از نور خورشید رخس پنهان شونند  
 پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود  
 وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد  
 روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود<sup>۱</sup>

\* \* \*

مصطفی (ص) سیرت، علی (ع) فر، فاطمه (س) عصمت حسن (ع) خو  
 هم حسین (ع) قدرت، علی (ع) زهد و محمد (ص) علم مَهر و

شاه جعفر (ع) فیض و کاظم (ع) حلم هشتم قبله گیسو  
 هم تقی (ع) تقوا، نقی بخشایش و هم عسگری مو  
 مهدی (عج) قائم که در وی جمع، اوصاف شهان شد  
 پادشاه عسگری (ع) طلعت، نقی (ع) حشمت تقی (ع) فر  
 بوالحسن (ع) فرمان و موسی (ع) قدرت و تقدیر جعفر (ع)  
 علم باقر (ع) زهد سجاد (ع) و حسینی (ع) تاج و افسر  
 مجتبی (ع) حلم و رضیه (س) عفت و صولت چو حیدر (ع)  
 مصطفی (ص) اوصاف و مجلای خداوند جهان شد

\* \* \*

## مشهور خوبان

دیوان امام (ره)

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع  
 شب نشین کنوی سربازان و رندانم چو شمع  
 روز و شب خوابم نمی آید به چشم غم پرست  
 بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع  
 رشته صبرم به مقراض غم منت ببریده شد  
 همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع  
 گر گمیت اشک گلگونم نبود گرم رو  
 کی شدی روشن به گیتی راز پنهانم چو شمع  
 در میان آب و آتش همچنان سرگرم تست  
 این دل زار نزار اشک بارانم چو شمع  
 در شب هجران مرا پروانه وصلی تراست  
 ورنه از دردت جهانی را بسوزانم چو شمع  
 بی جمال عامل آرای تو روزم چون شبست  
 با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع

کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت

تا به آب آتش عشقت گدازانم چو شمع

همچو صبحم یک نفس باقی است با دیدار تو

چهره بنما دلبرا تا جان برافشانم چو شمع

سرفرازم کن شبی از وصل خود ای نازنین

تا منور گردد از دیدارت ایوانم چو شمع

آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت

آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع

\* \* \*

### امید وصال

هزار دشمنم از می کنند قصد هلاک

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

مرا امید وصال تو زنده می دارد

وگرنه هر دم از هجر تست بیم هلاک

نفس نفس اگر از باد نشنوم بویش

زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک

رود به خواب دو چشم از خیال تو هیهات

بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک

اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم

وگر تو زهر دهی به که دیگری تریاک

بضرب سیفک قتلی حیاتنا ابداً

لأن روحی قد طاب ان یکون فداک



عنان پیچ که گرمی زنی شمشیرم

سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک

تو را چنانکه تویی هر نظر کجا بیند

بقدر دانش خود هر کس کند ادراک

به چشم خلق عزیز جهان شود حافظ

که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک

\*\*\*

### غمگسار

زهی خجسته زمانی که یار باز آید

به کام غم زدگان غم گسار باز آید

در انتظار خدنگش همی تپد دل حسید

خیال آن که به رسم شکار باز آید

مقیم بر سر راهش نشسته ام چون گرد

بدان هوس که بدین رهگذار باز آید

به پیش خیل خیالش کشیده ام ابلق چشم

بدان امید که آن شهسوار باز آید

چو جورها که کشیدند بلبلان از دی

به بوی آن که دگر نوبهار باز آید

ز نقش بند قضا هست امید آن حافظ

که هم چو سرد به رسم نگار باز آید

### در استغاثه به حضرت مهدی (عج)

عمرم تمام گشت زهجران روی تو

ترسم شها به خاک برم آرزوی تو

با آن که روی ماه تو از دیده شد نهان

عشاق را همیشه بود دیده سوی تو

خورشید چهره‌ات چو نهان شد ز چشم خلق

شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو

دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم

چون بنگری به ماه و کنم یاد روی تو

گردش به باغ بهر تماشای گل بود

گل‌های باغ را نبود رنگ و بوی تو

هم چون مسیح جان به تن مردگان دمد

گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

تا کی ز هجر روی تو سوزیم همچو شمع

شب‌ها به یاد روی تو و گفتگوی تو

رحمی به حال شاهل از پافتاده کن

تساک‌کی بهر دیوار کنند جستجوی تو

\*\*\*

### یوسف گم گشته

امروز امیر الامراء جز تو کسی نیست

بر ناله دل غیر تو فریاد رسی نیست

در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا

جز نغمه ناقوس تو بانگ جرسی نیست

ای مهدی دین پرده ز رخسار برافکن

ما گمشدگانیم و ره پیش و پسی نیست

دلگرمی ما زمره افسرده دلان را

جز آتش طور تو شهاب قبسی نیست

در بادیه عشق تو پای فرس عقل

پی گشت و در این بادیه دیگر فرسی نیست

غیر از هوس دیدن رخسار چو ماهت

اندر دل پر حسرت یاران هوسی نیست

تو یوسف گم گشته و اسلام چو یعقوب

بهر پدر پیر تو دیگر نفسی نیست

قربان تو و دزد دلت گز غم اسلام

جز اشک دمادم دگرت دادرسی نیست

گر دیده مگس منتظران شهادت را

زان جمله چو انصاری محزون مگسی نیست

\*\*\*

### طیب دردمندان

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد

غم مخور آخر طیب دردمندان خواهد آمد

آنقدر از کردگار خویش امیدوارم

که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد

باغبانا سختی دی ماه سی روز است و آخر

نو بهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد

بلبل شوریده دل را از خزان برگو ننالد

باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد

بوی پیراهن رسید وزین بشارت گشت معلوم

یوسف گم گشته سوی پیر کنعان خواهد آمد

درمندان، مستمندان، بی پناهان را بگویند

مصلح عالم، پناه بی پناهان خواهد آمد

از خدا روز فرج را ای فلج کاران بخواهید

کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد

سخت آمد طول غیبت بر تو می دانم نخور غم

مسوق افشاء این اسرار پنهان خواهد آمد

تلخی هجران شود شیرین به روز وصل جانان

صبح صادق از پی شام غریبان خواهد آمد

کاخ‌های ظلم ویران می شود بر فرق ظالم

سهدی موعود، غمخوار ضعیفان خواهد آمد

این چراغ از صرصر بیداد خاموشی ندارد

آنکه عالم را نماید نور باران خواهد آمد

نیست شک از عمر این دنیا اگر یک روز ماند

ذات قائم حجت خلاق سبحان خواهد آمد

صبر کن یا فاطمه، ای بانوی پهلو شکسته

قائمت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

اینقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو

مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد

محسنت از ضربت مسمارگر مقتول گشتی

عنقریباً داد خواه بی گناهان خواهد آمد

اصفرا از ضربت زخم گلو دل را مسوزان

غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد

گفت با زینب رقیه یک شبی در شام ویران  
 عمه بابم کی به سر وقت یتیمان خواهد آمد  
 کودکان شام هر یک با پدرها سوی منزل  
 باب من کی بهر دلداری طفلان خواهد آمد

(هاشمی) نام حسین هر آن بر دفتر رقم زد

چشم او با چشم خامه هر دو گریان خواهد آمد

\* \* \*

### توسل به حضرت ولی عصر

ای نبی را عزت اجداد یابن العسکری  
 ای علی را ارشد اولاد یابن العسکری  
 چاره شد از دست این بیچارگان را دستگیر  
 از تو جنوید شیعه استمداد یابن العسکری  
 رحم کن بر غربت اسلام و بر اسلامیان  
 هر دو را شد مسوق استمداد یابن العسکری  
 هر کجایی العجل ای بی پناهان را پناه  
 نیست تاب این همه بی داد یابن العسکری  
 مرغ دل شد مبتلا چون صید در کنج قفس  
 این دل از غم کی شود آزاد یابن العسکری  
 ما به دنیا عزت و یک آبرویی داشتیم  
 آبروها شد همه بر باد یابن العسکری  
 این نهال ظلم از روز سقیفه ریشه کرد  
 شد رواج حکم استبداد یابن العسکری  
 کار با نهج عدالت بود در عهد رسول  
 بعد از آن شد ظلم نو بنیاد یابن العسکری



ظلم کردند آنقدر بر حیدر و اولاد او

تا عزا شد بهر ما اعیاد یابن العسکری

کشتن یک مادری مانند زهرا کی رود

تا قیامت از دل اولاد یابن العسکری

بود مشغول عزاداری که ناگه آمدند

بر سرش یک عده چون جلاد یابن العسکری

ضربت مسمار آن در شد به جایی منتهی

گشت محسن کشته بی داد یابن العسکری

فاطمه بسین در و دیوار از بی طاقتی

شد بلند از سینه اش فریاد یابن العسکری

(هاشمی) را داغ زهرا (س) و غم اولاد او

گرده گریان تا صاف میعاد یابن العسکری

\* \* \*

### غزل

سسر باخته ام به پای عشقت

آن کس که شد آشنای عشقت

از همه و صدای عشقت

عاشق همه جا نوای عشقت

هر کس که شود گدای عشقت

خوشتر ز دوا بلای عشقت

انداخته سر به پای عشقت

تا دل شنیده مبتلای عشقت

بیگانه شود زهر دو عالم

آفاق پر است و گوش ما کر

از بام و در و هوا نشوید

سر پیش شهان نمی کند خم

بیمار که از دواست بیزار

سر می رسدش به عرش آن کو

بیرون نکند وفای مسکین

یک لحظه ز سر هوای عشقت

\* \* \*

## غزل

بیا که رایت منصور پادشاه رسید

نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت

کمال عدل به فریاد دادخواه رسید

سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد

جهان به کام اکنون رسید که شاه رسید

ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن

قوافل دل و دانش که مرد راه رسید

عزیز مصر بر غم برادران غیور

ز قعر چاه برآمد بنه اوج ماه رسید

کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

صبا بگو که چها بر سرم در این غم عشق

ز آتش دل سسوزان و بترق آه رسید

ز شوق روی تو جانان بر این اسیر فراق

همان رسید کز آتش به برگ گاه رسید

مرو بخواب که حافظ به بارگاه قبول

ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

\*\*\*

## عکس رخ یار

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از مژه چون سیل روانه

خواهد به سر آید شب هجران تو یا نه

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشتاق و تو غایب ز میانه

رفتم به در صومعه‌ی عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رُخت راکع و ساجد

در میکرده، رهبانم و در صومعه عابد

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه

روزی که برفتند حریفان پی هر کار

زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمّار

من یار طلب کردم و او جلوه گه یار

حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار

او خانه همی جوید و من صاحب خانه

هر در که زدم، صاحب آن خانه تویی تو

هر جا که روم، پرتو کاشانه تویی، تو

در میکرده و دیر که جانانه تویی، تو

مقصود من از کعبه و بت خانه تویی، تو

مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه

بلبل به چمن زان گل رخسار، نشان دید

پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید

عارف صفت تو در پیر و جوان دید

یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید

دیوانه منم، من که روم خانه به خانه

عاقل به قوانین خدا راه تو پدید

دیوانه، برون از همه آیین تو جوید

تا غنچه بشکفته در این باغ، که بوید

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید

بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

بیچاره بهایی که دلش زار غم توست

هر چند که عاصی است ز خیل و قدم توست

امید وی از عاطفت دم به دم توست

تقصیر خیالی، به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

شیخ بهاء الدین محمد حسین عاملی (شیخ بهایی)

\*\*\*

### قصیده ۱۷ بند سید مرتضی فخرائی

#### سرگذشت مادر امام زمان علیه السلام:

شاهنشاه روم دختری داشت در برج عفاف اختری داشت

آئینه عصمت و ادب بود دارای شسرافت نسب بسود

میبود «ملیکه» نام نامیش

می داشت پدر چو جان گرامیش

\*\*\*

آزاده نواده خواری شایسته هر بزرگواری

برده نسب از دو سوملیکا از قیصر و جانشین عیسی

شمعون وصی مسیح، جدش از باغ کمال رسته قدش

در حسن، کمال مهر و مه داشت از سبزه رو بیچاره داشت

پس خواست برای دختر خویش

همسر پسر برادر خویش

\*\*\*

قیصر ندمای خویش را خواست

آراسته کساخ پادشاهی

تختی که جواهرش نشان بود

پس کرد بکساخ اختصا صش

پاپ و علما همه ستادند

تا آیه‌ای از کتاب خواندند

داماد چو شد به تخت بنشست

دیدند که تخت واژگون شد

آن سلسله‌ها ز سقف بگسیخت

تا مجلس جشن عقد آراست

بازیب و حلال هر آنچه خواهی

در کساخ چو مهر زرفشان بود

دعوت زاکابری و خواصش

انجیل مسیح را گشادند

پس خطبه عقد را براندند

سنگینی بخت تخت بشکست

داماد ز تخت سرنگون شد

از طاق صلیب‌ها فرو ریخت

تا مجلس شادیش بهم خورد

داماد بجای شهد غم خورد

\*\*\*

ضار تمام مات گشتند

مبهورت ز حادثات گشتند



گفتند که یارب این چه بخت است

داماد مگر سیاه بخت است؟!

سالی که نکوست خوار و بارش

پیداست ز اول بهارش

در فصل بهار کامرانیش

زد بناد نکوست خزانیش

پس پاپ ز شاه کرد درخواست

تا مجلس عقد از نو آراست

از بهر برادر کهن خواست

نحسی همان به سعد این خواست

سه خواهش پاپ را پذیرفت

کز طالع سعدشان کند جفت

اسباب نشاط کسب کردند

آن تسخت دوباره نصب کردند

\*\*\*

شد مجلس عقد چونکه بر پا

گشتند کشیشها مهیا

انجیل مسیح باز کردند

آهنگ فصیح ساز کردند

داماد نشست چونکه بر تخت

بشکست دوباره ز آن نگون بخت

شاه و وزرا و پاپ و اسقف

خوردند از این قضا تأسف

دیدند نوحوستی برابری

افتاده بجان آن برادر

حسرت زده پاپ باکشیشان

شد جمع مسیحیان پریشان

حضرار ز کاخ رخت بستند

چشم از همه تخت و بخت بستند

زین حادثه شاه مات افتاد

در ششدر حادثات افتاد

یا للعجب این چه مهره بازی است

بیهوده سخن باین درازیناست؟

\*\*\*

شب آمد و شاه رفت و خوابید

خوابید عروس بخت بیدار

عیسای مسیح با حواری

شمعون کنه نیای مادرش بود

در کاخ ز نور منبری دید

ناگاه گشوده گشت بابی

خورشید ازل محمد(ص) آمد

چون چشم ملیکه بر وی افتاد

آن چشمه نور و گرمی و جوش

فرمود به عیسی و حواری

تا خطبه کنم ملیکه از جد

بهر پسر ابی محمد

\*\*\*

پس کرد مسیح رو بشمعون  
 وصل تو بگلشن سیادت  
 پس ختم پیمبران والا  
 خوش خطبه عقد را ادا کرد  
 آن زهره قرین مشتری شد  
 با میوه دل چو عقد بستش  
 گفتا که مبارک است و میمون!  
 شمعون بگفت زهی سعادت  
 از منبر نور رفت بالا  
 داماد و عروس را صدا کرد  
 همسر بامام عسکری شد  
 بگذاشت بدست یار دستش

گل‌های محمدی بمجلس  
 گشستند گواه عقد مجلس

\*\*\*

از خواب ملیکه گشت بیدار  
 از هر طرفی نگاه می‌کرد  
 کای گمشده در کجاست جویم؟  
 در خواب چو بخت من دمیدی  
 در خواب شدی تو همسر من!  
 ای وای و هسزار وای بسر من  
 دل از کف من شد از نگاهی  
 شب‌های دگر هر آنچه خوابید  
 می‌جست بهر طرف رخ یار  
 از مساه سراغ شاه می‌کرد  
 در بسند که مبتلات جویم؟  
 بیدار شدم زمن رمیدی؟  
 بیدارم و نیستی بر من!  
 ننگ از غم توست جای بر من  
 دیوانه شد و کشید آهی  
 آن گمشده را دگر نیابید

می‌جست ز خواب و ناله می‌کرد  
 کارش بقضا حواله می‌کرد

\*\*\*

از غصه پرید رنگ و رویش  
 می‌سوخت در آتش فراقش  
 بیمار شد و به بستر افتاد  
 راز دل خود ملیکه بنهفت  
 هر چند طبیب چاره‌گر شد  
 پژمرده چو گل رخ نکویش  
 تب کرد ز سوز اشتیاقش  
 آتش بروان دختر افتاد  
 می‌سوخت ولی بکس نمی‌گفت  
 احوال ملیکه سخت تر شد

شب در تب و روز بود در سوز  
ای وای از آن شب و از این روز

\*\*\*

یک شب ز پس چهارده شب      بختش بدمید همچو کوکب  
زهرای مهین بخوابش آمد      در تیره شب آفتابش آمد  
با مریم و صد هزار حورا      دادند همه بشارت او را  
مریم بسوی ملیکه رو کرد      تعریف از آن فرشته خو کرد  
کاین مادر شوهر تو زهراست (س)      کن خواهش خود از او تو در خواست

برخیز و بگیر دامنش را

زو خواه تو پاره تنش را

\*\*\*

در دامن مهر، ماه آویخت      وز دیده ستارگان فرو ریخت  
صدها گله پیش آن پری کرد      از دست فراق عسکری کرد  
گفتا که شبی بخوابم آمد      با روی چو آفتابم آمد  
یکبار جمال یار دیدم      دیگر گسلی از رخسار نچیدم  
در آتش غم مرا نشانده      بر خار فراق خود کشانده  
برده است ز دل قرار و تابم      کرده است حرام خورد و خوابم

مرگ است دگر علاج جانم

یا آنکه زغم دهد امانم

\*\*\*

فرمود قبول دین ما کن      از خویش مسیح را رضا کن  
بیزار ز مذهب تو عیسی است      مریم متنفر از کلیساست  
دینی که در آن تو پای بستی      گردیده مشوب بت پرستی  
تا گفت ملیکه ذکر اشهد      آمد ز درش ابی محمد  
جان تازه نمود از وصالش      گل چید ز گلشن جمالش

از میمنت شهادت او هر شب که بخواب ناز می شد  
 چون دیده ز خواب باز می کرد  
 هر شب بخیال یار می خفت  
 شد دیدن یار عادت او  
 بر او در وصل باز می شد  
 افسانه شب دراز می کرد  
 در خواب سخن بیار می گفت

کای مونس جان من کجایی

در بیداری من چرا نیایی؟

\*\*\*

فرمود: ملیکه! منتظر باش  
 قیصر چو رود بجبهه جنگ  
 در زی کنیزکان ملبس  
 باید بفلان طرف زنی گام  
 در ظاهر اگر کنیز گردی  
 دستور مرا اگر کنی گوش  
 فردا که ز شرق مهر تابید  
 با جمع کنیزکان روان شد  
 زان ره که شهش نمود بگذشت  
 پسین اسرای روم دیدش  
 با صاحب خویش آن پریزاد  
 یکشب دهمین امام، هادی  
 کای نادره مرد با توکاری است  
 این نامه بگیر و رولب شط  
 پیوسته نگاهدار سر باش  
 همراه کنیزان کن آهنگ  
 میباش کنه ناشناسدت کس  
 تا آنکه شوی اسیر اسلام  
 آیی بر ما عزیز گردی  
 با ما بجهان شوی هم آغوش  
 زی جبهه جنگ شه شتابید  
 در راه بخدا ز کناروان شد  
 تا آنکه اسیر مسلمین گشت  
 عمر بن یزید و پس خریدش  
 طی کرده ره عراق و بغداد  
 فرمان به بشیر شیر دادی  
 کز بهر تو عز و افتخاری است  
 تا دریابی رموز این خط

این نامه من بخط رومی است

خاص است گمان من عمومی است

\*\*\*

وقتی که رسی کنار دجله  
 ماراست یکی عروس حجله





مستوره و با حجاب باشد  
نقاش ازل کشیده رویش  
آن باکره هست دخت قیصر  
خلقی بینی بدور او جمع  
عمر بن یزید مالک اوست  
تا مشتریش مگر که باشد  
جمعی مایل بندیدن او  
از دیدن طالبان بغداد  
گوید که ز زندگی گذشتم  
دیدم که چگونه خوار گشتم

یا رب بکجاست قسمت من

کن حفظ مقام عصمت من

\*\*\*

تو قاصد ما در این میانه  
بر گسوی که من برید هستم  
این نامه بده بآن پریرو  
بیا دادن این دویست دینار  
پس نامه از او بشر بگرفت  
تا شد وارد به شهر بغداد  
ناگاه رسید کشتی از راه  
چون پرده گیان پیاده گشتند

هر مشتری یکی پسندید

زر داد و برای خویش بگزید

\*\*\*

ناگاه بشر برده ای دید ماهی بمیان پرده ای دید

خلفی حیران ز دیدن او هر مشتری که پیش آید گوید با صاحبش بصد جوش آن مشتری است قسمت من القصه هر آنچه شاه فرمود شد پیش بشیر و نامه را داد یاد از خط روی عسکری کرد پس از لب لعل خود گهر سخت بفروش مرا بصاحب خط

زر داد و گرفت آن پری را

بیانوی امام عسکری را



بگرفت چو بشر آن امالت	آورد بخاندان عصمت
آن زهره بدست مشتری داد	تحویل امام عسکری داد
تا امام امام عصر گرده	سر چشمه فتح و نصر گردد
آرد پسری که شاه باشد	فرمانده مهر و ماه باشد
آرد پسری که هست قائم	فیضش بخلائق است دائم
آری پسری که نور دارد	ظلم از سر خلق دور دارد
ای حاجت قائم الهی	از لطف بدوستان نگاهی
امروز که روز قائم ماست	از او همه فیض دائم ماست
روشن همه چشم ما برویش	بسته دل ما بتار مویش

جز درگه حاجت الهی

ما را نبود دگر پناهی

سید مرتضی میر فخرائی جندقی

## منايع و مأخذ

- ١- قرآن كريم، ترجمه آية الله مشكيني، چاپ الهادي.
- ٢- نهج البلاغه، دشتي محمد، چاپ اول، نهج البلاغه، فيض الاسلام، صحيفه سجاديه، ترجمه استاد غرويان، محسن.
- ٣- اصول كافي، ثقة الاسلام كليني (ره) ابي جعفر محمد بن يعقوب، ترجمه علامه آية الله حاج شيخ محمد باقر الكمرئي چاپ پنجم، انتشارات مكتبة الاسلاميه.
- ٤- الارشاد، شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، انتشارات علميه اسلاميه، چاپ دوم، چاپ خورشيد.
- ٥- اقرب الموارد، نشر نوين، سعيد، مطبعة المرسلين، بيروت، ١٨٨٩ م.
- ٦- آغوش مهر، شمسي، عباس، چاپ اول، انتشارات مشهور، ١٣٨٢.
- ٧- المهدي، آية الله صدر، سيد صدر الدين، انتشارات انصاريان، چاپ اول.
- ٨- الغيبة نعماني، چاپ اول.
- ٩- الغيبة، شيخ طوسي، محمد بن حسن، مؤسسه المعارف اسلاميه، قم، ١٤١١ ق.
- ١٠- بحار الانوار، مجلسي، محمد باقر، چاپ بيروت، مكتبة الاسلاميه، ١٣٨٥.
- ١١- تفسير، عياشي، تصحيح و تليق حاج سيد هاشم رسولي محلاتي، قم المطبعة العلميه.
- ١٢- تحف العقول، محدث جليل القدر شيخ ابو محمد حرّاني (ره) ترجمه صادق حسن زاده، ناشر آل علي (ع)، چاپ دوم.

- ۱۳ - تحقیق در کلمات قرآن، مصطفوی، حسن، مرکز نشر کتاب تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۴ - تهاجم یا تفاوت فرهنگی، علجاری، حسن، چاپ اول.
- ۱۵ - تاریخ مقتل الحسین، خوارزمی، چاپ اول.
- ۱۶ - خورشید مکه، مجله، شماره ۶ و ۱۶، خورشید مغرب، حکیمی، محمد رضا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۷ - لغت نامه دهخدا، علی اکبر، دانشگاه تهران، پارسایان لغت نامه، ۱۳۳۹.
- ۱۸ - لسان العرب، بنی منصور، محمد بن مکرم، دارالصادر، بیروت، ۱۳۸۸ ق.
- ۱۹ - مکیال المکارم، اصفهانی، سید محمد تقی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، مترجم سید مهدی حائری قزوینی.
- ۲۰ - منتخب الاثر، آیه الله صافی گلپایگانی، ناشر مکتبه الصدر، تهران، ۱۳۷۲ ق، چاپ دوم.
- ۲۱ - منتهی الارب، صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، قرن ۱۳، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ق.
- ۲۲ - مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۲، دارستر، ترجمه جهانسوز، محسن، ناشر ادب، تهران، ۱۳۱۷ ق.
- ۲۳ - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ره)، انتشارات مؤمنین، چاپ اول.
- ۲۴ - مسجد مقدس جمکران، تجلی گاه صاحب الزمان، حضرت آیه الله میر عظیمی، سید جعفر، انتشارات مشهور، چاپ اول ناشر.
- ۲۵ - منتهی الآمال، قمی، شیخ عباس قمی، انتشارات مؤمنین، چاپ اول، صادق حسن زاده.
- ۲۶ - مستدرک الوسائل، نوری، حسین، محمد تقی، مؤسسه آل البيت والاحیاء التراث، ۱۴۰۷.

- ۲۷ - اقوال الائمة، یا گفتار پیشوایان دین، محب الاسلام، علی اکبر، چاپخانه طوس، سال نشر ۱۳۵۰، نورالثقلین.
- ۲۸ - نوید امن و امان، حضرت آیه الله صافی گلپایگانی، لطف الله، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۹.
- ۲۹ - مهدی موعود، علامه مجلسی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ پنجم، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای.
- ۳۰ - معجم مفردات القرآن، راغب اصفهانی، حسن بن محمد، دارالمطالب العربی (قمی).
- ۳۱ - حکومت جهانی مهدی (عج)، آیه الله مکارم حفظ الله.
- ۳۲ - خورشید مغرب، تهران، حکیمی، محمد رضا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- ۳۳ - سنن ابی داوود.
- ۳۴ - شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، احمد قاضی زاهدی، مؤسسه نشر حاذق.
- ۳۵ - دیوان حافظ، انتشارات بزرگان، چاپ اول.
- ۳۶ - دیوان امام خمینی (ره)، مؤسسه نشر آثار امام (ره) چاپ ششم.
- ۳۷ - در فجر ساحل، حکیمی، محمد، چاپ اول.
- ۳۸ - دین و فطرت، استاد ربانی، علی.
- ۳۹ - صواعق محرقة فی الرد علی اهل البدع والزنديقه، ابن هجر، هیثمی، احمد بن محمد مطبعة الحسينیه، مصر، ۱۳۲۴.
- ۴۰ - صحیفه المبارکه المهدیه، چاپ اول، دارالثقلین، سید مرتضی سیستانی.
- ۴۱ - صحیفه نور، امام خمینی (ره)، روح الله، مرکز مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۴۲ - علل الشرایع، صدوق (ره)، ابو جعفر، انتشارات مؤمنین، چاپ اول،



ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی.

۴۳ - فصلنامه انتظار، ش ۱، ۵، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج) فرهنگ امید. فرهنگ صبا، محمد بهشتی.

۴۴ - فرائد السبطين، جوینی، خراسانی، بیروت چاپ اول، مؤسسه المحمودی للطباعة والنشر، ۱۴۰۰ ق.

۴۵ - کیمیای محبت، حضرت آیه الله ری شهری، چاپ ششم، دارالحدیث.

۴۶ - کمال الدین، صدوق، ابو جعفر، ابن بابویه، محمد بن علی، جامعه المدرسین، ۱۴۰۵.

۴۷ - کشف المراد، شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، تعلیقه حضرت آیه الله حسن زاده آملی، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

۴۸ - گذری بر رویدادهای معاصر ایران و انقلاب، فصلنامه شماره ۵.

۴۹ - گفتمان مهدویت، شماره اول و دوم.

۵۰ - گنجینه دانشمندان، شریف رازی، محمد انتشارات اسلامیة تهران.